

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳ صفحه

پیکار

♦♦♦

سال دوم - دوشنبه ۱۵ - دی ۱۳۵۹ بهاء ۳۰ روال

در صحاح دکترانی شماره:

"افزایش تولید: راه کارگر بدنبال رویزونیستهای اکثریت" صفحه ۳
 "مرگ بر بختیار، نوکری اختیار" صفحه ۳۰
 تفنگ‌های ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی صفحه ۱۹
 بهزاد نبوی سخنگوی رزیم، مارکیستها: سرکوب
 رویزونیستها: آزاد صفحه ۲۲
 اخبار جنگ - گزارشی از وضعیت آوارگان جنگ صفحه ۱۶

ضمیمه این شماره

پیام کمیته مرکزی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به سازمان مجاهدین خلق ایران

و پاسخ به یاوه گوئیهای رویزونیستهای فدائی (اکثریت)

مسئله گروگانها:

خانه‌ای برفی که آب شد

زمانیکه رسانی نخست وزیر "مکتبی" و "فدا میریالیست" دو آتش جمهوری اسلامی در سفر اخیرش به نیویورک و شرکت در سازمان ملل عذرخواهی آمریکا از ایران را به عنوان "گامی در جهت جلوگیری از تاجا و زبیه ایران و یکی از مراحل توبه و نشانه تکامل معنوی آمریکا" اعلام کرد، هر آدم غافل می‌توانست بفهمد که این اظهار نظر سریع و روشن به معنی چراغ سبزی است از سوی ایران جهت حل مسئله گروگانها و در همین رابطه تا همین شرایط مناسب برای بهبود و کسرتش روابط ایران و آمریکا .

بقیه در صفحه ۲

ساواکها

در زندان:

جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

صفحه ۲۱

محاصره اقتصادی کردستان

و جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۶

بهبودی

ویکی از پرونده‌های خیانت او

در سفارت امریکا

صفحه ۹

از اشغال نظامی افغانستان یکسال گذشت

افغانستان گوردستان

تجاوزگران روسی

صفحه ۱۳

چین: کمونیستها

رویزونیستها را افشاء میکنند

صفحه ۲۵

اعتصاب پیروزمند

رانندگان منطقه ۴ شرکت واحد

صفحه ۳۱

بخشی از بیانیه

"سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار"

اوج نوین جنبش دانشجویی - دانش آموزی و وظایف مبرم ما

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیما صفحه ۱
سرمقاله...

روندا وضع با وضوح بیشتری حقیقت فوق را آشکار ساخت، بدنبال مراجعت رجا شسی از آمریکا، مجلس شورای اسلامی درست دو روز قبل از انتخابت ریاست جمهوری آمریکا با تعیین ۴ شرطی که همه از آن آگاهی دارند، آزادی گروگانها را تأیید نموده و دولت آمریکا، در عین حال که از شرایط جدید ایران را ضعیف بنظر می رسد و این رفتارها را از زبان کارتر و سخنگوی وزارت خارجه براز کرد، کوشید تا با استفاده از شیوه های تسلیحاتی ایران، به ویژه در شرایط جنگی کنونی و تا مین برخی از این شرایط را با استفاده از تسلیحاتی ایران، شرایط خود را به ایران تحمیل نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که دیگر نیازی به گروگانها ندارد و بهر برداری مورد نظر خویش را از این مسئله در جهت تحمیل و فریب توده ها و فرو نشاندن عطف ضد امپریالیستی آنها و مانع از رشد و گسترش مبارزه و فرو ریختن توهمشان نسبت به رژیم حاکم، کرده بود و مهمتر از همه برای باسازی سیستم سرمایه داری وابسته، نیازمند بهبود و گسترش روابط با امپریالیسم آمریکا بود، با زبونی تمام روشن دادن به سازش خفت با ربا امپریالیسم، کوشید تا خود را از "شمر" گروگانها بهتر تر تشبیه شده برهانند و این بار از آزادی گروگانها جداگانه استفاده را در آن میبهد و گسترش رابطه با آمریکا ببرد.

آخرین بخش سنا ربوی جل مسئله گروگانها را، رجا شسی نخست وزیر "مکتبی" بنظور اراشه میدهد:

"انشاء الله امیدواریم که بزودی مسئله ای بنام گروگانها نداشتن باشد... زیرا هم - چنانکه قبلا هم گفته ایم این مسئله برای ما بصورت یک مسئله مرده ای است، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری و وقت گذرانی بیرون آمده باشد، جوایبی تهیه کرده ایم که بصورت بنام آن آخرین پاسخ بوسیله شما پندیده دولت الجزایر که برای همین منظور بوسیله ایران آمده است، بدولت آمریکا اعلام خواهیم کرد، دیگر این آمریکا ست که می تواند در هر موقع یا هر روز برای عبیدیا تولد یا هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد" (جمهوری اسلامی، ۲۶ آذر)

زهی وقتا حوت و بیشرمی! رژیم که ۱۴ ماه تمام از واقعه سفارت تا با امروز پیش از آن داد سخن از مبارزه با امپریالیسم آمریکا میداد و سردمداران آن خواستار اصطلاح محاکمه جاسوسان و امپریالیسم بودند و در همین رابطه

کمونیستها را که برده عوام فریبی رژیم را می دیندند، "فدائقلابی" خوانده و سرکوب میکردند، امروز با خفت و خواری تمام خواستار آنستند و از امپریالیسم آمریکا عا جزا نه میخواهند تا بسا سپردن تضمینی به دولت الجزایر هر زمان که میخواهد گروگانها را از ایران خارج کند. رژیم جمهوری اسلامی که در عوام فریبی گسوی سبقت را از رژیمها برده و روز و شب ارگانهای تبلیغاتی آن و در مبارزه ضد امپریالیستی سر میدهند و مدعی به از خود را آوردن "شیطان بزرگ" هستند، امروز بیش از هر موقع دیگر دست خود را رو می کنند، و برای برقراری رابطه با آمریکا و گسترش آن حاضر است به هر گونه سازش خفت باری تن در دهد.

نخست وزیر، معاون او و سایر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر موزان کوشیده اند تا ذهن توده ها را حتی نسبت به شرایط بسیار نازل و چها رگانه ای که در ابتدای امر مجلس جهت آزادی گروگانها مقرر کرده بود، منحرف ساخته و سپردن تضمین ۲۴ میلیارد دلاری آمریکا در نزد دولت الجزایر را بجای آن قرار دهند و خفت با رجا شسی تا حتی همین تضمین ۲۴ میلیارد دلاری را تحت فشار آمریکا و بدلخواه او به میزان بسیار نا زلتی کاهش دهند!

روژنا ما اطلاعات ۱۱ دیماه ضمن اعلام آخرین نتایج مربوط به آزادی گروگانها مینویسد: "به گفته محافل وابسته به وزارت خارجه آمریکا، و استگتن پیشنها کرده است که مبلغی در حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار به حساب مسدود شده در الجزایر واریز کنند تا به محض آنکه ۵۲ گروگان به مقامهای آمریکا شی تحویل داده شدند به حساب دولت ایران انتقال داده شود."

دست مریزاد او قما هم که جا داردا این مبارزه "ضد امپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی از طرف رئیس جمهور و دیگر مقامات آمریکا مورد تأیید قرار گیرد و امپریالیستهای آمریکا شی مسرت فراوان خود را از جل شدن مسئله گروگانها و نتایجی که به بار خواهد آورد برآوردند

روژنا هم فوق الذکر در این مورد میگوید: "کار خرتا کید کرد که آمریکا بوسیله نمایندگان الجزایر پیشنها دها عا قلانه ای بسرای پایا ن دادن به مسئله گروگانها اراشه داده است و افزود: خیال میکنم که بتفیع ایرانیان و مسلمانان بتفیع ایالات متحده است که پیشنها دها تا ز ما را بپذیرند."

این روزنا ما عا فاه میکنند که: "وارن کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا دیروز اعلام کرد: پاسخ تا زه ایالات متحده به شهرا ن میتواند در حلال بحران گروگانها باشد."

اکنون توده ها رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران آنرا مغایر با قرار میدهند و از آنها

میبر سندنکه راه حل آمریکا برای بحران گروگانها چه چیزی جز قبول شرایط آمریکا و دریک کلام سازش خفت با ربا امپریالیسم و صحنه گذاشتن بر تمامی روابط امپریالیستی آمریکا و ایران و بازاری سیستم سرمایه داری در ایران میتواند باشد؟ و صد البته که پذیرش چنین شرایطی از سوی ایران، نه یک امر متصادف و فرعی، بلکه بعنوان جزئی از سیاست عمومی این رژیم و در ارتباط با ما هیبت فذخلقی و سرمایه داری آن قابل تحلیل بوده و از همین رو کمونیستهای راستین برخلاف رویزینیستهای و پورتونیستهای و برخلاف نیروهای ناپیگیر دموکرات با حرکت و درک اصولی از ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم از همان فردای قیام هیچگونه مشروعیتی بسرای هیبت حاکمه کنونی (در هر شکل و ترکیب آن) قائل نبوده و پیگیرانه به افشای ماهیت و عمل کردهای خائسانه و خیانتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب آن، در نزد توده ها پرداخته و می پردازند. در همین رابطه کمونیستهای راستین اقدام عوام فریبانه و با اصطلاح ضد امپریالیستی اشغال سفارت را از سوی جناحی از هیبت حاکمه وقت، بدستی برای توده ها توضیح داده و هدف های فذخلقی ای را که رژیم جمهوری اسلامی از این اقدام دنبال میکرد، در طول ۱۵ ماه گذشته افشا کرده و خواهند کرد.

هرگاه کارگران و زحمتکشان میهن ما در گذشته و ابتدای کار در برخورد به هیبت حاکمه و ماهیت آن بدلائیل مختلف دچار توهم و خوش باوری بودند و واقعاً تصور میکردند این رژیم قادر است به خواستهای اساسی آنها پاسخ گوید لیکن با گذشت زمان و در پرتو تجربه روزمره خویش و به برکت کارگزاران که اراکه کمونیستها به تدریج دریافته و درمی یابند که این رژیم نه میخواهد و نه میتواند، یک رژیم ضد امپریالیست باشد.

اعتماد کارگران، راهپیمایی و تظاهرات زحمتکشان و آوارگان، مبارزه مسلحانه خلق کرد جنبش اوچگیرنده دانش آموزی و معلمان در مدارس... همه و همه بیباک تکرار می یابند مبارزه طبقاتی و سمت روبه رشد جنبش توده ای و ضعف و تزلزل رژیم در سرکوب این جنبش و تشبیه قدرت ماشین دولتی است، بگذار لیبرالها و حزبها، بنی صدها و بنهشتی ها بجان هم بیفتند توده ها در روند تکامل مبارزه طبقاتی خویش و با رهبری پرتوان پرولتاریا هر دو جنبه اساحت ارتجاعی و کل هیبت حاکمه را به زیاده اندازی تاریخ خواهند افکند و بر ویرانه های سیستم سرمایه داری کنونی، بنای جمهوری دموکراتیک خلق و سپس نظام سوسیالیستی را پی خواهند ریخت، آنروز دور نیست.

برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق!

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

جنبش کارگری



”سینار انجمنهای اسلامی“ کارخانجات: توطئه چینی بر علیه کارگران

روزهای ۲۶ تا ۲۸ آذرماه ”سیناری“ از انجمن های اسلامی کارخانجات در محل ”خانه کارگر“ تهران برگزار کردند. در این جلسات که ابتدا توسط نخست وزیر و وزیر کار افتتاح گردید. سخنرانان مختلفی صحبت کردند که در واقع همگی به تکرار یک مطلب پرداختند که اساسا هدف تشکیل این جلسات و وظیفه انجمنهای اسلامی، میباشد.

انجمنهای اسلامی که بوسیله حزب جمهوری اسلامی تشکیل و هدایت میشوند در بسیاری از کارخانجات بوجود آمده اند و وظیفه خاصی برای سرمایه داران و سرکوب میزبانان کارگران را بعهده دارند. این انجمنها عمدتاً از سرپرستان، عناصردکار و کارگران متروم و ناآگاه، تشکیل میشوند. مادرپیکار ۸۶ به بررسی ماهیست و وظایف ضدکارگری این ارگانهای سرمایه دارانه برداختیم ما آنچه که در اینجا قابل توجه است دفاع آشکار مقامات رژیم و انجمنهای اسلامی از منافع سرمایه داران میباشد. در این جلسات به اصطلاح کارگری از چیزی که صحبت نشد خواسته ها و منافع کارگران بود، بطور کلی هدف از تشکیل این سینار بقرا رژیم بود:

- ۱- هر چه بیشتر انجمنهای اسلامی را تقویت و تشبیت کنند، تا با آزادی عمل بیشتری به وظایف سرکوبگرانه ضدکارگری خویش در کارخانجات جامعه عمل بیوشانند. از همین روست که رجائی در صحبت افتتاحیه اش میگوید: ”انجمنهای اسلامی نه تنها با بدبمانند، بلکه باید بنا نهاد“
- بقیه در صفحه ۲۶

افزایش تولید: راه کارگر به دنبال رویزونیستهای ”اکثریت“

آنجائی که راه کارگر و رویزونیستهای اکثریت در امر روزیدن به این شعار بورژوازی با یکدیگر کورس گذاشته اند، برخورد به این پلان فشارشان در دفاع از منافع بورژوازی لازم میباشد.

در شماره های ۸۵ و ۸۱ پیکار مطلبی داشتیم راجع به ”افزایش تولید“، که طی آن به ما هیت سرمایه دارانه رویزونیستی این شعار در شرایط موجود، اشاره کردیم، و از جمله به بررسی انحراف رویزونیستی راه کارگر در این مورد پرداختیم.

بقیه در صفحه ۲۶

رژیم با استفاده از جنگ ارتجاعی کوشی فرصتی بدست آورد تا شعار ”افزایش تولید“ را هر چه گسترده تر تبلیغ نماید. علاوه بر رویزونیستها که در این امر به یاری رژیم سفارفتند، پاره ای از نیروهای متزلزل نظیر راه کارگر نیز بدام این شعار بورژوازی در غلطیدند. از اینرو نشان دادن ماهیت این شعار و اینکه چگونه متزلزلات رویزونیستی به دنبال رویزونیستها میگردند، ضرورت میباشد. ما در گذشته به این انحرافات برخورد کردیم ولی از

مرکزگسترش خدمات تولیدی و عمرانی: حل بیکاری و کسب استقلال با عوام فریبی

داری وابسته ایران است و تا زمانی که سیستم سرمایه داری وابسته خاکم است هیچکدام از عوارض فئود و دیگر عوارض سرمایه داری قابل حسیل نیستند و رژیم جمهوری اسلامی که کمربند خدمت سیستم و بازاری آن بسته است نمی خواهد و نمیتواند بنا بر اینها راهی نظیر مرکزگسترش تولیدی و عمرانی به این مسائل جواب دهد. در ابتدای به اجرا در آمدن این طرح مقصدار زیادی کارگزاران و دبیلیمه بیکار و... برای بدست آوردن کار به اینگونه شرکتها روی آوردند. ولی رفته رفته قول و قرارهای اولیه سران مرکزگسترش رنگ میبازد و اعضاء شرکتیهای تعاونی در مقابل کوهی از مشکلات و شفا دهها قرار میگردند. علاوه بر ضعفها و مشکلات داخلی که ناشی از کم تجربگی و نداشتن برنامه هدایت کننده از طرف مرکز است، دهها بنیادین شرکتها را تحت کنترل مرکز قرار داده است و کلا ایسی شرکتها در متن یک سیستم سرمایه داری وابسته حرکت میکنند و طبیعی است که خود را وابسته به سرمایه های بزرگ خصوصی و دولتی قرار گرفته و نتیجه تلاشهای اعضاء بطریق مستقیم و غیر مستقیم

بقیه در صفحه ۲۸

مرکزگسترش خدمات تولیدی و عمرانی، ارگانهای است که در بسیاری از استانهای کشور تشکیل شده و وظایف فراوانی را بر عهده گرفته اند. بیکاری و وابستگی اقتصادی پاسخ دهد. برنامه اجرایی مرکزگسترش به این ترتیب است که دولت اعتباری در اختیار این مرکز قرار داده و مراکزگسترش در استانها از محل این اعتبار وامها را در اختیار شرکتیهای تعاونی که از بیکاران (کارگر، دبیلیمه یا بالاتر) تشکیل شده، قرار میدهند. شرکتیهای تعاونی که تقریباً بین ۵ تا ۲۵ نفر عضو دارند، با این وام در یکی از رشته های صنعتی، کشاورزی و یا عمرانی سرمایه گذاری میکنند. روشن نمودن ماهیت این حرکت و اهداف واقعی رژیم از آن، خود نیاز به بحث جداگانه ای دارد که در فرصت دیگری به آن برخورد خواهیم کرد ولی آنچه مسلم است، اینست که مسئله مهم و درجه اول برای هیت خاکمه ایران بازاری سرمایه داری وابسته و با چنین هدفی بکار بستن برنامه های است که جریان گردش سرمایه را به نفع سرمایه داران تسهیل و تسریع نماید. مسئله بیکاری و مسئله وابستگی اقتصادی هر دو از مفاصل است که اقتصاد سرمایه به

اخبار کوتاه کارگری

روز ۲۳/۸/۵۹ از طرف دولت، کارخانه کشمیر را تعطیل میکنند و حقوق و مزایای کارگران را نمی بردارند و لذا تعداد ۱۲۰۰ نفر کارگران این کارخانه بیکار میشوند. شکایات کارگران هم طبق معمول به نتیجه ای نمیرسد. بدین ترتیب عده دیگری از کارگران و زحمتگاران کشور توسط رژیم پیدامن کرسنگی و فلاکت ناشی از بیکاری درمی غلطند.

گیلان

بعد از مبارزات خرمنا به کارگران کار...

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارخانه سپهان سپاهان: دستگیری ۱۵ کارگر مبارز!

بی اثر بودن حمله‌های خودبی میبرد، به‌جمله ق سرکوب متوسل گردیده، ویاسداران سرما به‌را به کمک میطلبید. یاسداران نیز در دفاع از سرما به وحشیانه به‌جان کارگران می افتند و پس از ضرب - و جرح کارگران حدود ۱۵ نفر از آنها را دستگیر مینمایند.

رژیم جمهوری اسلامی که مخصوص پس از جنگ ارتجاعی کنونی درگیر بحران‌های حادثه‌گشته است با اعمالی نظیر افزایش قیمت بنزین، اخراج کارگران و کارکنان موسسات دولتی، قطع سود ویژه و غیره سعی دارد تا فشار را بین بحران اقتصادی را بردوش کارگران و زحمتکشان وارد آورد. قطع ایاب و ذهاب کارگران سپهان سپاهان، یکی از صدها نمونه اقداماتی است که بدین منظور توسط رژیم نجا مگرفته است.

خواستهای کارگران مبارز سپهان سپاهان عبارتند از: دریافت حق ایاب و ذهاب، آزادی کارگران زندانی، اخراج پاسداران سرمایه‌داری محیط کارخان، بازگشت کارگران اخراجی به سرکار... که تنها در سایه اتحاد و تشکلات کارگران و ایجاد شورای واقعیات است که مبارزاتشان میتواند به پیروزی رسیده و خواست‌های فوق تحقق یابد.

در پی تصمیم رژیم مبنی بر اینکه "مزایای کارگران قطع میشود و حقوق آنها اضافه می - گردد" روز ۵۹/۹/۳۰ بخشنامه‌ای از طرف مدیرعامل کارخانه سپهان سپاهان اصفهان، به سه کارگران ابلاغ میشود که طی آن حق ایاب و ذهاب که روزانه ۲/۵ ساعت هست، قطع گردیده و در عوض مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران اضافه میشود. کارگران مبارز این کارخانه که بدین روشی به سه ماهیت فدکا رگری این بخشنامه می برده بودند با اجتماع در جلوی دفتر مدیرعامل به اعتراض دست زده و شعارهایی در جهت مخالفت با این اقدام فدکارگری و دفاع از حقوق خویش، دادند. کارگران سپس بمدت ۳ روز دست به اعتصاب زده و خواهان لغو بخشنامه مزبور میگرددند.

در جریان مبارزه بحق کارگران مدیرعامل فدکارگر به انواع حمله‌ها (از جمله تهمت زدن به کارگران انقلابی و کمک خواستن از فرماندار عوام فریب) متوسل میشود تا شاید مبارزین را به انحراف بکشد اما کارگران فریب‌ناخورده و بی‌افشای عملکردهای ارتجاعی عوامل سرمایه‌داران، با روحیه انقلابی، مصممانه به خواستهای خود پایداری میفشانند. به همین دلیل مدیرعامل مزدور که مانند تمام مرتجعین به

خانه پوشش بر علیه مزدوران رژیم، اکنون جو کارخانه توسط عناصر فدکارگری، اختناق آمیز گشته است. مقررات شدید حضور و غیاب اجرامی شود شدت کار را افزایش داده اند (کارگری که قبلاً روی یک یا دو دستگاره کار میکرد اکنون مجبور است روی چهار دستگاره کار کند)، از حقوق ناچیز کارگران به بی‌بها نه جنگ کسر میکنند، بر علیه نیروهای انقلابی لجن پراکنی میکنند (مثلاً فالانژها با وقاحت تمام عامل کشته شدن دو پاسدار در جنگ را سازمان فدکارگری معرفی کرده اند) و... اما با تمام این وجود کارخانه حالت آش- زیرخاکستر را پیدا کرده! و مبارزه کارگر- سپهان همچنان ادامه دارد.

پارس الکتریک

حدود یکماه پیش هیئت مدیره و شورای کارخانه پارس الکتریک (که رویزیونیستها نیز در آن عضویت دارند) اقدام به اخراج ۶ نفر از کارگران آن قسمت لوله‌کشی میکنند. کارگران قسمت لوله‌کشی بوسیله اعلامیه‌ای که به درود بخواه کارخانه نصب کرده بودند، ضمن طرح خواستهایشان مبنی بر یکی شدن ساعات کارشان با بقیه به افشای توطئه اخراج کارگران پرداخته و خواهان پشتیبانی تمامی کارگران از اخراجیان میشوند. سایر کارگران اخراج برادرانشان را شنیدند محکوم کرده و به حمایت از آنان میپردازند. در اثر فشار کارگران شورا و هیئت مدیره فدکارگری مجبور به عقب نشینی شده و کارگران اخراجی را بر سر کار باز میگردانند.

کارخانه دانش زاده

این کارخانه که تولیدکننده شکلات میباشد مدتی است که بحالت نیمه تعطیل درآمده و از ۱۵ کارگران بیش از ۱۰ نفر را اخراج کرده اند. کارفرمایان این کارخانه همگی از حامیان سرسخت رژیمنا بوده اند که اکنون نیز به احتکار محصولات و افزایش بی رویه قیمت آنها پرداخته اند. جالبست که یکی از کارفرمایان بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به کارگران گفته است که "این انقلاب آن انقلابی نیست که شما انتظارش را داشتید!"

آری، سرمایه‌داران زالوصفت بخوبی دریا افتاده اند که انقلاب بوده‌ها نیمه تمام مانده و رژیم جمهوری اسلامی هم برخلاف ادعاهایش و طبیعتاً نه دفاع از منافع کارگران و زحمت - کشان، بلکه دفاع از منافع سرمایه‌داران است!

درگیان اتحاد کارگران ما تشکیل انجمن اسلامی گردید

دو هفته پیش، کارگران کارخانه بستگی خاور طی یک اجتماع با شکوه به افشای عوامل سرمایه‌داران که قصد داشتند با تشکیل انجمن اسلامی، مبارزات کارگران را منحرف و سرکوب سازند، پرداختند و با اکثریت آراء اجازه تشکیل انجمن جاسوسی را ندادند.

جریان از این قرار بود که رئیس کارخانه فومنات و معاون فنی استانداری به همراه عده ای از افراد ناآگاه طی جلسهای تصمیم میگیرند که کارخانه را صرف کرده با کارخانه فومنات ادغام نمایند تا برای فریب کارگران در اجتماع کارگران خاور دم زکا کردن بسیاری رفاه کارگران میزند و دولتی کارگران که این مزدوران سرمایه‌داری خوب میشناختند فریب نخورده و حتی اقدام به اخراج یکی از سردمداران وابسته به کارفرما مینمایند. کارگران بدین می‌گفتند که انجمن اسلامی در کارخانه فومنات مدافع کارفرماست و لذا خواهان انحلال آن و تشکیل شورای واقعی خود گردیدند. بدین ترتیب نه تنها کارگران خاور اجازه تشکیل انجمن اسلامی کارفرمایان را در کارخانه خود ندادند، بلکه به همراه کارگران مبارز کارخانه فومنات در جهت انحلال انجمن اسلامی این کارخانه

ایجاد شکل واقعی کارگران، دست به مبارزه زدند. این مبارزات همچنان ادامه دارد.

مبارزه و اعتصاب در کارخانه ورزیده کار

کارخانه‌گونی پلاستیکی ورزیده کاردارای ۵۰۰ کارگر میباشند که مدتها حقوقشان را دریافت نکرده بودند. به همین دلیل کارگران خود اقدام کرده، ابتدا شورای کارگری تشکیل میدهند و سپس جلسهای کارخانه را بفروش رسانده و پول آنرا بین خود تقسیم میکنند. شخصی از جانب دولت برای نظارت و کنترل به کارخانه می‌آید که کارگران را به تولید بیشتر فرامیخوانند، این عنصر فدکارگر که کارگران را تحت فشار قرار داده بود، زما نیکه بیک کارگر سیلی میزند، موجب برانگیختن خشم کارگران میشود و در نتیجه کتک مطلق میخورد. پاسداران سرمایه‌داری دستگیری اعضای شورا بکارخانه می‌آیند و مقاومت و اتحاد کارگران مواجه میگرددند. در نتیجه دست از زبر بر میگرددند!

کارگران بکمال هوشیاری که حقوق خود را دریافت نکردند و دو چند روز هم اعتصاب میکنند اما اخیراً به علت تمام شدن مواد اولیه کارخانه میخوابد. مبارزات کارگران برای بدست آوردن حقوقشان و راه انداختن کارخانه ادامه دارد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



شماره ۵۴ "نبرد بلوچ" منتشر شد

پنجاه و چهارمین شماره نشریه "نبرد بلوچ" ارگان تشکیلات بلوچستان سازمان ما منتشر شد. این شماره حاوی سرفقاهای دفاعی ادارات دولتی، مقالات افشاگرانه، اخباری از مبارزات توده ها، مقاله های در مورد جنبش دانش آموزی در منطقه و سخنی با دانش آموزان انقلابی و... میباشد. نشریه پیکار موفقیت رفقای تشکیلات بلوچستان را در پیشبرد، سازماندهی و ارتقاء مبارزه ملی و طبقاتی زحمتکشان بلوچ و تلاش در جهت همبستگی خلقهای ستمدیده سراسر ایران را آرزو میکند.

چاپاول زحمتکشان توسط خوانین در بلوچستان

در تاریخ ۵۹۹/۹

عیسی خان مبارکی "همراه با عده ای بدهه "کوه جنگ" رفته و به اهالی زحمتکش میگوید: "تا به من پول ندهید با شما همراهانم در اینجا می مانم" زحمتکشان نهیست این دهه از بیم جان بهرترتیبی ۵۰۰۰ تومان تهیه کرده و در اختیار خان خونخوا قرار میدهند، دوروز بعد قاصد "بهرام خان شیرانی" به همان دهه مراجعه کرده و به زور از زحمتکشان پول گرفته و میرود البته این چندمین بار است که "بهرام خان شیرانی" از روستایان ستمدیده منطقه مالیات میکنند، خوانین بلوچستان از یکطرف تحت عنوان خودمختاری یا عوامل سرسپرده ای چون

۷۰ تن از مزدوران ضد خلق

در نبرد با پیشمرگان قهرمان کومله کشته و زخمی شدند

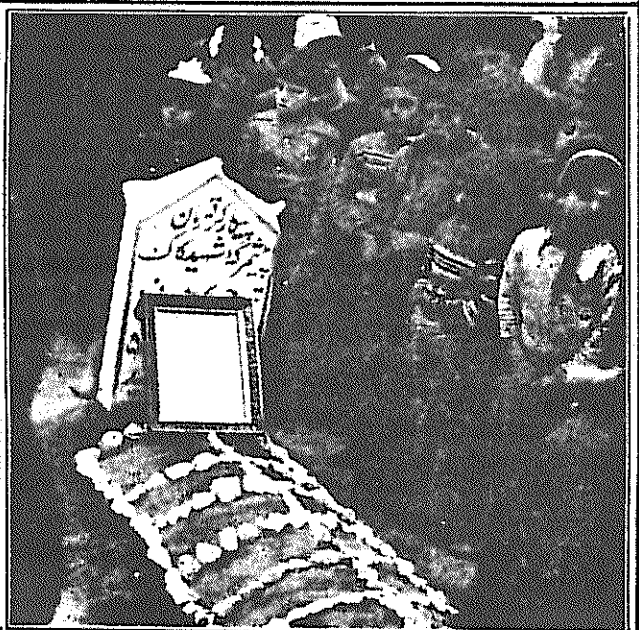
کا میاران ۹/۱۱

به پیشمرگان کومله (بل شهید یوسف) که از کمین روز قبل بیروزمندا به روستای "وشرهل" بازگشته بودند خبر میرسد که تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسداران به قصد روستاهای "وشرهل" "تازه آباد" و "خامان" از طرف پایگاه "گاشان" در حال حرکتند. بلافاصله پیشمرگان در بلندیهای اطراف "وشرهل" و "کنگره" سنگرمیکشند. ساعت ۱۲ ظهر ۹ خودرو دشمن در زیر حامت سلاحهای سنگین و توپخانه پایگاهها و گاشان در حال حرکت بطرف "وشرهل" در کمین پیشمرگان قهرمان افتادند. در نبرد پیشمرگان با نیروهای رژیم که حدود ۵/۵ ساعت طول کشید، بیش از ۷۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند، و چندین خودرو آنها منهدم گردیده. متأسفانه در این نبرد شجاعانه، ۶ تن از پیشمرگان جان برکف کومله شهید شدند و خون سرخ خود راوشیقه انقلاب وهایی بخش کارگران و زحمتکشان نمودند. اسامی پیشمرگان شهید کومله عبارت بودند از:

- ۱ - کاک عبدالله کمانگر: روشنفکر انقلابی مسئول سیاسی پل و اهل "کوانه" کامیاران
 - ۲ - کاک غلام دولابی: زحمتکش آگاه و انقلابی اهل روستای دولاب کامیاران نمونه باوری از قاطعیت و شجاعت انقلابی
 - ۳ - کاک بهروز شهبازی (وریا): زحمتکش آگاه و انقلابی اهل سندیج نمونه پاک صداقت و صمیمیت انقلابی
 - ۴ - کاک عابدین امانی: روشنفکر انقلابی ۱۸ ساله اهل روستای "بیرمقدار" کامیاران
 - ۵ - کاک علی حسینی: درجه دار آگاه و انقلابی مسئول نظامی یک دسته از پیشمرگان
 - ۶ - کاک حبیب الهادی قورقی: اهل روستای "قورق" از توابع کامیاران (نقل و تلخیص از خبرنامه ۹۹ کومله)
- بیکار ضمن تجدید بیمان انقلابی با خلق ستمدیده کرد و سازمانهای انقلابی آن خاطره انقلابی رفیق شهید از پیشمرگان انقلابی کومله را گرامی میدارد. درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد



عکسهایی از مراسم بزرگداشت رفیق پیشمرکه بیکار زکرتشیدتیمور حسینی در سوکان



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

محاصره اقتصادی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد

بیش از یکسال از محاصره اقتصادی کردستان میگذرد. آنچه که در تنگناترین حلقه این محاصره بیش از هر عامل دیگر موثر بوده، رد جنبش توده‌ای بطور عمده جنبش مقاومت خلق کرد بطور اخص اینکس و بحران اقتصادی حدت یابنده از سوی دیگر میباشند. بنا بر این محاصره اقتصادی کردستان علاوه بر اینکه حربه سرکوبگرانه ای در دست رژیم محسوب میشود، ابزاری است که رژیم از طریق آن از بار فشار بحران اقتصادی موجود بر روی خود تا اندازه‌ای کاسته و آنرا بر خلق زحمتکش کرد تحمیل میکند.

محاصره اقتصادی که از طریق محاصره نظامی هموارها با سرکوب و کشتار زحمتکش کردستان توأم بوده، در واقع آخرین حربه رژیم بعد از آزمودن کلیه روشها و شیوه‌های سرکوب جنبش مقاومت در طی دو سال گذشته میباشد. رژیم با اعمال سیاست محاصره اقتصادی در پی آنست که با تحمیل گرسنگی و قحطی بر خلق زحمتکش کردستان قهرمان را بسوی قحطی تمام عیار و مرگ و میر ناشی از گرسنگی و بیماری سوق دهد. هم‌اکنون، چهار راجا ده اصلی استان کردستان یعنی بوکان - میاندوآب - تبریز، بیجا رس، همدان، سنندج - کرمانشا و مهاباد - ارومیه تحت کنترل شدید ساداران و ارتش و جاسها قرار دارد. نیروهای سرکوبگر رژیم از انتقال هرگونه مواد غذایی و داروئی به کردستان بشدت جلو گیری میکنند، کمبود مواد سوختنی و گرانی و قحطی بویژه در فصل سرما پیدا میکنند. برنج کیلوئی ۴۰ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت در مناطقی اصلا وجود ندارد و در برخی نقاط بشکهای نزدیک به ۱۰۰۰ تومان، یک لنگه آرد ۱۸۰ کیلوئی نزدیک به ۷۰۰ تومان و دهمها نمونه زگوانی سرسام و مواد مصرفی، خلق زحمتکش کرد را در زیر شدیدترین فشار اقتصادی قرار داده است. به علاوه مزدوران رژیم، تسلای زحمتکش، بویژه روستا نشین کردستان را برای تهیه حداقل آذوقه مورد نیاز بسیاری زنده ماندنشان با وحشیگری سرکوب میکنند. در واقع اهمیت محاصره اقتصادی و تا شیر آن بر رونق جنبش مقاومت از این جهت برجسته تر میباشد که رژیم همزمان با انجام این محاصره وحشیانه تر از هر زمان دیگر به سرکوب خلق کرد پرداخته است. بنا بر این هدف رژیم از انجام محاصره اقتصادی کردستان در مجموع چیزی نیست جز سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کردستان. اما اینکه رژیم سیاست محاصره اقتصادی را چگونه در خدمت سرکوب کامل خلق کرد بکار میگیرد، نیا زمند تجزیه و تحلیل جزئیات سیاست محاصره اقتصادی خلق کرد و اقداماتی است که رژیم در کردستان انجام داده و خواهد داد. این جزئیات بشرح زیر میباشد:

مبارزه روستائیان جوانرود برای اخراج پاسداران سرمایه

روز ۲۱ آذر ۵۹ مردم روستای "غلفله" از طریق کوهها خود را به جوانرود رسانده و بر اساس اعتراض به جنایات پاسداران پس از یک راهپیمایی دست به تخریب زده و به مدت دو روز اعتصاب غذا کردند. خواسته‌های متضمن عبارت بودند از:

۱- اخراج پاسداران از منطقه جوانرود و روستا
۲- های اطراف، گماردن نمایندگان مردم در تمام ارگانهای دولتی، مجازات ۳ پاسدار مرتجع که در آزار مردم بویژه زنان و دختران نقش فعالی داشتند.

معاون فرماندار، رئیس سپاه پاسداران و فرمانده گروهان ژاندارمری با و در محل تخریب حاضر شده و ضمن مذاکره با ۲۰ نفر از نمایندگان متحصنین سعی میکنند تخریب آنان را برهم بزنند. نمایندگان متحصن وقتی با جوابهای سربالای مسئولین مواجه میشوند به مقامات جمهوری اسلامی میگویند: "شما همان کسانی هستید که فتنه‌انگیزی، سنجایی را آزاد کرده و برای سرکوب انما تهای زحمتکش فرستاده‌اید. ما می بینیم که شما نمیتوانید به خواسته‌های حقه ما رسیدگی کنید پس خودمان دستبالاتی زنییم و حق خود را میگیریم." در پاسخ آنها مزدوران رژیم گفتند که "شما چنین حقی ندارید و باید ادعا به کارهای شما رسیدگی کند ما ۳ پاسدار مزبور بسا وحشت از خشم توده‌ها فرار و برقرار ترجیح داده‌اند. آری! توده‌ها درمی یابند که حق گرفتاری است و با بد خود آنها از طریق مبارزه خستگی ناستدیر به تحقق خواسته‌هایشان برسند.

ادامه بمباران روستاهای پیرانشهر توسط رژیم جمهوری اسلامی

۵۹/۴/۱۴

رژیم جمهوری اسلامی در ... اعمال سرکوبگرانه اش روستای کردستان را همچنان مورد حمله هوایی قرار میدهد. بدنبال بمباران روستای "میرثاوی"، "خدرثاوی"، "بیلوک" و ... فانتومهای جمهوری اسلامی با بمب و راکت به روستای "کاشانی بلاغ" (پیرانشهر) حمله کردند. در آخرین حمله ۶ نفر از اهالی آنجا بشدت زخمی شدند و چندین خانه مسکونی ویران گردیده گروه‌های مدد پزشکی کومله در روستای مذکور به مداوای زخمی‌ها پرداخت. (نقل از خبرنامه کومله)

بختیاری و ویسی رابطه دارند و از طرف دیگر برای گرفتن امتیاز بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی و چپاول زحمتکش به زدوبند و ملاقاتهای پنهان و آشکار (چندی پیش "قلمبر" فرمائنده عملیاتی سپاه در زاهدان با محمدخان و ... دیدار داشته است) با فرماندهان نظامی و مسئولین دولتی مشغولند. آنها برای چپاول زحمتکش همراه با تفنگچیان خود از این ده به آن ده روانند و از مردم پول و مواد غذایی بزرور دریاقت میکنند. (نقل و تلخیص از نشر بدلولج شماره ۵۲)

"سربازان حرفه‌ای" و مزدور بر علیه خلق کرد

در شماره‌های گذشته استفاده از سربازان مزدور را برای سرکوب خلق کرد آورده‌ایم. اخیراً گروهی از این "مزدوران" را در اردوگاهی در روستای "قلو" در نزدیکی میاندوآب مستقر کرده‌اند. این مزدوران در یک ماهه دوره دیده‌اند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریاقت میکنند و با ۱۸۰ روز ما موریت نیز میگیرند. این سربازان حرفه‌ای در سرکوب زحمتکش شهرها و روستاهای مهاباد، بوکان، ما شین دژ، ... شرکت دارند و با توپهای دورزن زحمتکش کرد را به خاک و خون میکشند.

در روزهای اخیر، به گفته یکی از همسنگ مزدوران، دیده‌بانی "هدفی" را برای شلیک توپ معین میکنند. پس از شلیک توپ متوجه می‌شوند که تراکتوری ۴ سرنشین آن که دهقانان زحمتکش کرد بوده مورد هدف قرار داده و سرنشینانش را بطور فجیحی به قتل رسانده‌اند.

آیا این کشتارهای وحشیانه استقامت و مقاومت خونین خلق کرد را میتوانند بشکنند؟ مرکز!

دستگیری جاسها توسط پیشمرگان

سفر ۵۹/۹/۲۹

در این شب پیشمرگان جنبش مقاومت وارد شهر شده و چندین جاس را دستگیر کرده با خود بردند. این اقدام انقلابی پیشمرگان دلبر با استقبال پر شور مردم مواج شده و تا بیت نمودند که پیشمرگان به اتکا به حمایت بیدریغ اهالی شهرها قادر به نفوذ به شهرهای زیر سلطه رژیم میباشند. روز بعد مزدوران رژیم به تلافی وقایع شب گذشته به بازرسی بدنی عابریان پرداختند که این عمل ساواک گونه با نفرت عمیق اهالی مبارز سقز روبرو شد.

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد

بخشی از بیانیه "سازمان دانشجویان
ودانش آموزان پیکار"

"اوج نوین جنبش
دانشجویی - دانش آموزی
ووظایف مبرم ما"

جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی
بمنا به بخشی از جنبش خلق در طی این دوران
اعتلاء انقلابی با ویژگیهای خاص خود در ارتباط
تنگاتنگ با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان
همواره ادامه داشته است .

اوجگیری جنبش نمیتواند دانشجویان و
دانش آموزان انقلابی را در برنگیرد . مبارزات
دانش آموزان انقلابی اگرچه از آغاز سال تحصیلی
چدید نیز همواره وجود داشته اما در دوره اخیر
ارتقاء سطح مبارزه و خواستههای آنان را به
روشنی میتوان مشاهده کرد .

درمان حال که در کردستان سنگرهای
رزم قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی
حامی آن کلاسهای درس دانش آموزان انقلابی
را میسازد ، بازگشائی مدارس سقز تظاهرات عظیم
دانش آموزان انقلابی را در همان جو خفقان و
حکومت نظامی به همراه دارد . در مشهد و بیرجند
شهرهای شمالی کشور و شهرهای از استان فارس
تظاهرات وسیع و سراسری دانش آموزان
انقلابی با خواستههای مشخص سیاسی اوج نوین
جنبش انقلابی دانش آموزی را ترسیم میکنند در
شهران ، قم ، اهواز ، ... نیز مبارزات دانش -
آموزان انقلابی ، درگیریهای حاد و ... علیرغم
یکپارچه و متحد و سراسری شدن آنها درجات
بالای مبارزه را در اوج نوین جنبش دانش آموزی
را رقم میزند . در همین حین جنبش دانشجویی
مبارزات پنهان و آشکار خویش را متجلی میسازد
پرچمهای مبارزه برای بازگشائی سنگرهای
خونین دانشگاهها در دست دانشجویان انقلابی
فشرده میگردد تا به اهتزاز در آمده و عزم نویسی
از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پیش
برد .

سازمان دانشجویان و دانش آموزان
پیکار در چنین شرایطی بروظایف مبرم زیر تاکید
دارد :

وظایف عملی ما

اولین وظیفه ای که در برابر هر جنبش
انقلابی و کمونیستی در مواجهه با این اوج نوین
جنبش قرار دارد ، تعیین موضع نسبت بدان و
ارائه محوری ترین شعاری است که در جهت



تداوم و گسترش این مبارزه عمل نماید .
بنظر ما با بررسی سطح جنبش دانش آموزی
بخوبی میتوان مشاهده کرد که جنبش دانش آموزی
اگرچه در گریزات بسیاری ، از مبارزه برای
ابطحان دکانهای صنفی - سیاسی مبارزه علیه
فرهنگ آموزشی ارتجاعی کنونی ... گرفته تا
مبارزه با هر می در جهت گسترش انقلاب و نیز
مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ...
میباشد ولی عمومی ترین و محوری ترین
خواستی که میتواند با بدنبال جنبش انقلابی دانش -
آموزی را حول خود متشکل ساخته و به گسترش
انقلاب خدمت کند مبارزه در جهت کسب آزادی
فعالیت سیاسی میباشد . روشن است که این
خواست پیوندی عمیق با مبارزه کنونی زحمتکشان
آگاه جامعه علیه خفقان و شکنجه و ترور رژیم
جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی این فرزندان راستین کارگران و
زحمتکشان دارد .

دفاع از آزادی بخش اعلامیه ، نصب روزنامه
دیواری ، فروش نشریات انقلابی ، برپا نشانی
نمایشگاهها ، جلوگیری از اخراج دانش آموزان
انقلابی ... ابعاد و عرصه های گوناگون این
مبارزه را ترسیم میکنند ، نگرشی بر آنچه اکنون
در مدارس میگذرد نشان میدهد که مبارزه اصول
خواستهای فوق جنبه اصلی مبارزات دانش -
آموزان را تشکیل میدهد . آن وظیفه ای که در
پیش روی دانش آموزان انقلابی و کمونیست
قرار دارد آن است که با درک اولای سطح شعارهای
مبارزه و نشانها پتانسیل بالفعل جنبش انقلابی
دانش آموزی که تظاهراتهای سراسری و متحد
در جهت مبارزه برای کسب آزادی فعالیتهای
سیاسی را تصویر میکنند به سازماندهی آن
بپردازد . عدم درک این مسئله بویژه جنبه
سراسری بودن آن از انحرافات است که در
نقاط بسیاری عمل کرده و قطعاً به جنبش ضربه
میزند . این تظاهراتهای سراسری اکنون در
بسیاری نقاط کشور عملاً برپا افتاده است .
وظیفه ما است که با سازمان دادن تظاهرات
... های سراسری در جهت مبارزه برای کسب آزادی

دستگیری دانش آموزان
انقلابی ابرانشهر بوسیله
پاسداران ارتجاع

در تاریخ ۵۹/۹/۲۳ در ابرانشهر پاسداران
ارتجاع در تاریکی شب برای چندمین بار به
خانه های دانش آموزان انقلابی رخنه و نفر
از آنان را دستگیر می نمایند . پاسداران وحشیانه
بدرون خانه ها هجوم برده و در با زسی خانه ها
حتی داخل مواد خوراکی را هم جستجو می کردند .
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در
ابرانشهر در رابطه با این دستگیری ها اعلامیه
چاپ نموده که قسمتهای آن را در زیر میخوانید :

"یکبار دیگر در ابرانشهر پاسداران ارتجاع
با هجومی وحشیانه چند نفر از دانش آموزان
انقلابی را دستگیر و زندانی کردند . پیش از این
هم چندین بار شاهد اینگونه اعمال فاشیستی
در شهرمان بوده ایم . زسوزاندن نشریات انقلابی
گرفته تا اوج ، دستگیری ، حبس و تبعید کارگران
دانش آموزان ، معلمان و کارمندان مبارزان
انقلابی ...

"دستان دانش آموزان در شرایطی که تا حد
اعتدالی رو برد جنبش بوده ای هستیم دیگر سکوت
و تسلیم در برابر این اقدامات وحشیانه جایز
نیست . با بدبیا خیریم و همه با هم متحد و یکپارچه
صدای اعتراض خود را بگوش توده ها برسانیم و به
اشکال مختلف (اعتصاب ، تحصن ، تظاهرات و ...)
به مقاومت در برابر ارتجاع و افشای ما هیست
پلیدش بپردازیم .

امروز بی تفاوتی و سکوت تنها نمیتوانند
ارتجاع را تشویق به ادامه حرکات سرکوبگرانه
خود کنند . امروز سکوت ما مفهومی جز پشت کردن به
جنبش توده ای میهنمان و جنبش خلقها (بخصوص
خلق ستم دیده بلوچ) نخواهد داشت !

مستحکم با دیوبند جنبش دانش آموزی با
جنبش کارگران و زحمتکشان
مرگ بر ارتجاع دشمن آگاه توده ها
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار
ابرانشهر - ۵۹/۹/۲۴

فعالیت سیاسی "مبارزات را هر چه بیشتر از شکل
خود بخودی برد آورده ، آن را جهت دهیم و این
اثرم بر قدرت مبارزه انقلابی را به بهترین
صورتی در خدمت انقلاب قرار دهیم .

از مهمترین ابزارهای تحقق این عمل
برپا نشانی شورا های انقلابی دانش آموزان است .
از آنجا که اکنون صفوف پیشرونده انقلاب نیاز

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

پرچم نبرد انقلابی برای بازگشائی دانشگاهها را برافرازیم

اکنون که عوامفریبی های رژیم در زمینه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" دروغین و ارتجاعی او برای توده ها بیشتر و بیشتر آشکار می شود، اکنون که مسئله بازگشائی دانشگاهها در ذهن توده ها مطرح گردیده و جناحهای گوناگون رژیم را به موضعگیری بر سر آن کشانده است، اکنون که کارگران و زحمتکشان در نبردی بسیار شدت بیشتر به فتح سنگرهای جدید و گسترش انقلاب مشغولند، وظیفه ماست تا با برافراشتن پرچم مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها - اولاً شرکت فعال در گسترش انقلاب و فتح سنگرهای جدید و ثانیاً زسوی دیگر آلترنا تیوا انقلابی در رابطه با این مسئله مطرح برای توده ها را برافرازیم. به توده های زحمتکش نشان دهیم که در زیر کدا مپرچم باده بیاری دوستان واقعی و همیشگی ما در دانشجویان انقلابی بشتابند.

بازگشائی دانشگاهها همیشه و پیش از هر چیز برای ما از این زاویه مطرح است که دانشگاهها همواره از سنگرهای پایدار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است. بازگشائی دانشگاهها بویژه در شرایط کنونی که توده ها تشنه آگاهی انقلابی هستند قطعاً از پشتیبانی توده های بر خوردار شده و ثانیاً بر صدهای وسیعی از فعالیست انقلابی بشیوه علنی که از ضروریات پاسخگویی به مسائل کنونی توده ها است را به روی نیروهای انقلابی خواهد نمود.

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی توده های زحمتکش و مبارزان! اوج نویین جنبش توده ای و از جمله جنبش دانشجویی - دانش آموزی که در قله خویش افق خونین رهائی زحمتکشان را برپیشانی دارد به حرکت درآمده است. گسترش مبارزات توده های انقلابی و زحمتکش رژیم را مستأصل تر نموده و امکانات فراوانتری برای فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست فراهم آورده است و در همان حین وظایف جدیدتری را در برابر آنان قرار میدهد. مبارزه در جهت کسب آزادی فعلیتهای سیاسی و بازگشائی سنگرخونین دانشگاهها اکنون در دستور کار ما قرار دارد.

با تمام توان خود به تبلیغ حول این دو محور اساسی جنبش انقلابی دانشجویی - دانش آموزی و سازماندهی جنبش برای پیشبرد آن بشتابیم!

۵ دیماه ۵۹



به همسویی و فشرده تر شدن نیروهای انقلابی را در دوتنها با تمرکز و همسویی هر چه بیشتر و موقوف مبارزین انقلابی است که میتوان هر چه بیشتر و بهتر این اهرم را در دست گرفته بر آن مسلط شد و آن را در خدمت انقلاب قرار داد، اینجا دشواریهای انقلابی دانش آموزان از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. ارتباط فعال شوراهای انقلابی دانش آموزی مدارس مختلف از ملزومات سازماندهی و هدایت جنبش سراسری می باشد. روشن است که ما هرگز برپاشی شوراهای انقلابی دانش آموزی را آلترنا تیوی در برابر فعالیت مستقل خود قرار نمیدهیم. ما همواره بر تبلیغ و ترویج نظرات سیاسی - ایدئولوژیک تشکیلاتی خود پای فشرده و سازماندهی توده های دانش آموز حول این نظرات را در دستور کار خود قرار داده ایم. اصولاً تبلیغ آلترنا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی و آلترنا تیوا انقلابی دمکراتیک این جنبش آلترنا تیوی در برابر سر یکدیگر نیستند. عدم توجه به طرح و رشد آلترنا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی به غلبه بهترین خط مشی برجانبش انقلابی دانش آموزی ضربه زده و سبب میگردند تا خط مشی های انحرافی این جنبش را به کجراه بکشند. همچنین عدم توجه به آلترنا تیوا انقلابی دمکراتیک سبب میشود که در امر تمرکز و همسویی نیروهای انقلاب دچار شکست شده و تفرقه و تشتت و پراکندگی را افزایش دهد!

بسیار نیه سپس ضمن برخورد به انجمن اسلامی مدارس و دانشگاهها و لیبرالها و مواضع خائنانه سهجانبه آنها، توده ها و فدائیه (اکثریست) و نیز افشای تزلیات نیروهای انقلابی چون مجاهدین و راهکارگر و ضمن تأکید بر شرکت هواداران انقلابی مجاهدین در مبارزات دانش آموزی به تشریح موقعیت جنبش دانشجویی میپردازد و ما بخشهای دیگری را نیز در مورد جنبش دانشجویی میاوریم:

رژیم جمهوری اسلامی که در پافته بشود دانشگاهها این سنگرهای خونین مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اهرمهای اساسی در دست نیروهای انقلابی برای گسترش مبارزه و افشای رژیم هستند. رژیم جمهوری اسلامی که چه در طی سالها حاکمیت تنگین پهلوی و چه در دوران دوساله حکومت خود در پافته بود که این سنگرها سنگرهای همیشه جا و داند و هر یورش مزدورانش با مشت محکم و بولادین دانشجویان انقلابی پاسخ داده شده بود تنها راه چاره خود را در تعطیل دانشگاهها میدید. پس استفاده از همان حربه کهنه ارتجاع که رژیم مزدور پهلوی با رها از آن استفاده کرده بود مورد آزمایش مجدد رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد و "انقلاب فرهنگی" پوششی برای تحقق منافع مرتجعانه رژیم میگردد.

ساری: یورش ارتجاع و مقاومت مردم

بدنبال درگیری های ساری که منجر به شهادت داد و سلیماننی از هواداران مجاهدین خلق گردید (۲۶ آذر ۵۹)، در روز ۲۹ آذر ماه یکی از اوباش "حزب" قصد حمله به باط کتا بفروشی مجاهدین در خیابان طالقانی را داشت که موفق نشد و در حالیکه در دستش یک "سرا" می داشت فرار کرد. عده ای از مردم او را دنبال کردند تا دستگیرش کنند ولی وی در خیابان انقلاب "سه" را می "را بسوی آنان پرتاب کرد که در اثر انفجار آن ۶ نفر زخمی شدند و شیشه های چند مغازه شکست.

مردم زخمی ها را به بیمارستان برده و پساً تجمع در مقابل آن باشا را می "مرگ بر ارتجاع" "مرگ بر آمریکا" و... تنفر خود را از اعمال تنگین مرتجعین نشان دادند. در فاصله زمانی کوتاهی عده مردم به هزار نفر رسید که با شاره ها - پشان نفرت خود را از ارتجاع نشان دادند.

بدنبال این حوادث ۲۰ مارد مبارز برای اعتراض به بیورشهای مرتجعین در استاندار ساری ضمن کردند، آنان میخواستند از دستگیری پاسدار قاتل شهید سلیماننی و قاتلان ژیر کتاب کنندند "سرا"ی مطمئن شوند. ما در آن مبارز می گفتند که ایندو حجتاً از ادخوا هندند و لذا می - خواستند شا هد مجازات آنها باشند.

قم: اعتصاب مجدد در اندگان تاکسی

شنبه ۲۲ آذر: بدنبال اعتصاب رانندگان تاکسی قم در روز ۲۱ آذر ما جهت اعتراض به گرانی بنزین و نیز تحویل ۱۸ کوپن بجای ۳۰ کوپن و بدقولی مسئولین در رسیدگی بخواست آنان و نیز پرداختن ما به التفاوت (لیتری ۲۰ ریال) اکثریت رانندگان تاکسی مجدداً در روز شنبه ۵۹/۹/۲۲ دست به اعتصاب زدند تا صدای خود را بگوش زحمتکشان شهر برسانند. آنان پس از مراجعه به دفتر خبرگزاری پارس به سمت شهربانی حرکت کردند و در مسیر با مزاحمت دونفر از اوباشان مشهور قم روبرو شدند و پس از درگیری کوچکی در اثر همبستگی رانندگان و دخالت پلیس در جلو شهربانی اجتماع کردند. تاکسی رانان زحمتکش با دادن فرصتی به شهربانی در جهت انجام خواستهها نشان بطور مشروط بر سرکار برگشتند رانندگان تاکسی قم در اعتصاب قبلی موفق به دریافت ۴ کوپن اضافی شده بودند و به یقین با اتحاد و تشکل خود او را سه مبارزه به خواستههای عادلانه شان نیز خواهد رسید.

کلیشه عین دستخط مترجم دانشجویان خط امام که ترجمه خلاصه ای است مربوط به سند آقای بهشتی

۳ - یک نکته درج شده این سند: مترجم در بالای صفحه متذکر شده است که: (السته می دانیم که خطایش به دانشجویان خط امام بوده) "در صورت مهم بودن ترجمه کامل"

ولی کویا از نظر دانشجویان خط امام این سند حاوی هیچ مسئله مهمی نبوده که ترجمه کامل آن را نخواسته اند تا آنجا که حتی لازم ندیده اند همین خلاصه را برای مردم ایران افشا کنند.

از: سفارت

به: RUEHA/S.W.P :

کراشکر: LAINGEN

موضوع: ملاقات با بهشتی

شماره: 554

تاریخ: 29 OCT (۷ آبان ۵۸)

مرجع: CNI

آدرس سند: 554 شماره ۹ ترجمه خلاصه مطالب مهم در صورت خیلی مهم بودن، ترجمه کامل

۲- بهشتی با احساسات افکار عمومی را در مورد هرگونه کمکی به شاه مخلوع یادآور شد در مورد ارسال قطعات بدکی نظامی و قراردادهای بازرگانی سؤال کرد، و به شایعات وسیع در مورد دخالت CIA در کردستان اشاره نمود و گفت که حمایت لفظی آمریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف

۳- ما با تاکید بر نظرمان مبنی بر اینکه ایجاد نهادهای جدید دولتی بوسیله دولت موقت نمیتواند به منافع آمریکا و ایران خدمت کند آرزوهای نیکوی دولت و مردم آمریکا را ابلاغ نمودیم.

Precht نظرات ایشان را در مورد روابط ایران و آمریکا و آنچه در این زمینه انجام میشود جویند.

۵- بهشتی بر روی سه مسأله تکیه کرد، اول شاه اوگت ایران نمیتواند هیچ گونه حمایتی را از جانب هر کشوری که باشد نسبت به شاه تحمل کند

۶- مسأله دوم روابط بازرگانی بود و این که این روابط در دوران انقلاب با حالت عادی فسرک میکنند و آمریکا باید با جلوگیری از بسته شدن حسابهای ایران توسط دادگاههای آمریکا کمک کند.

۷- مسئله سوم این که آمریکا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر ایران قطعات بدکی نظامی را تعمیر نکرده و اطلاعاتش در زمینه نظامی کم بود

۸- من به مسأله شاه پرداخته و از ختم واز Precht خواستم تا نقطه نظرهای آمریکا را در مسائل ذکر شده توضیح دهد من تاکید کردم که همان طور که به سخت وزیر ویزدی گفته ام آمریکا شاه را به رسمیت نمی شناسد و فقط برای معالجه آمده و از هرگونه فعالیت سیاسی وی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران جلوگیری خواهد شد.

۹- بهشتی هیچ اعتراضی به این مسأله نکرد و

در مورد شایعات دخالت سیا در ایران، کردستان و غیره سؤال کرد، من گفتم این شایعات بسی اساسی است و نه سیا و نه دولت آمریکا خود را در هیچ مسأله ای که تمامیت ارضی ایران در آن مطرح باشد وارد نخواهد کرد، من این اطلاع را با آگاهی کامل از فعالیت های آمریکا در ایران می توانم به وی بدهم، این کاملاً برخلاف منافع ما در مورد تمامیت ارضی ایران است که بخواهیم به هر شکلی در کردستان مشکلاتی ایجاد کنیم.

۱۰- Precht گفت تا بحال برای حل بعضی مشکلات مالی آمریکا تلاش خود را کرده ولی از جانب ایران همکاری لازم با دادگاه های آمریکا نشده و ایران در بعضی قسمت ها کاملاً موفق بوده ما به دولت متذکر میشویم که از هر اقدامی برای حل این مشکلات و برای تحکیم روابط اقتصادی - تجاری با ایران فروگذار نخواهیم کرد، ولی دولت نیز باید بدانند که دولت آمریکا نیز به محدودیت هایی از نظر قانونی و غیره و ملاحظات سیاسی نسبت به نقشی که می تواند بازی کند روبروست.

۱۱- در مورد قطعات نظامی Precht مراحل را که توسط آمریکا متذکر شد و این که از ماه ژوئیه به این طرف هیچ مانعی برای نقل و انتقال قطعات از طرف دولت آمریکا ایجاد نشده.

۱۱- مشکلاتی در مورد ادخای بوده ولی آمریکا مایل است تا حرکت قطعات را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تأمین شود، ما همچنین خواستیم تا در مورد تهیه قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری کمک باشیم و در این زمینه احتیاج به اطلاعات مشخص داریم.

۱۲- بهشتی به پشتیبانی وسیع مردم از انقلاب اشاره کرد و گزارشاتی که شایع شده در مورد شوطه های منجمد در ارتش، و اگر چنین کودکانی نباشد بخود آمریکا به سبب نقش و سببش در ارتش مقرر شده خواهد شد سخن بهشتی از کودتا این طور نبود که احتمال موفقیت برای آن قائل باشد بلکه موفق نخواهد شد و هرگونه تلاشی از این نوع مشکلات جدی برای دولت آمریکا در ایران ایجاد خواهد کرد، رهبری انقلاب تصمیم گرفته تا در چهارچوبی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود، ولی آنها عمیقاً بدبین هستند.

۱۳- با احترام به روابط نظامی ما با ایران فرمت ها را منتهم شدیم تا به اندازه ای گروه ارتباطی نظامی ما اشاره کنیم، هیئت مستشاری ARMISH/MAAY از نظر تعداد خیلی زیاد بودند اکنون به غیر تقلیل یافته فقط به منظور حفظ تماس با طرف ایرانی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت می باشد.

۱۴- Precht یادآور شد که در دفترش درواشنگتن گاهی با افرادی از طبقه متوسط و حرفه ای بر خورد نموده که این احساس را داشته اند که در فضای سیاسی ایران جایی برای آنها نیست در حالی که قبلاً با شاه نیز مخالف بوده اند، و از

بهشتی خواست تا نظر رهبری انقلاب را در مورد کسانی که بطور روزافزونی دلسرد و مخالف با جریان انقلاب میشوند توضیح دهد.

۱۵- بهشتی قبول کرد که اشتباهاتی شده که غیر قابل اجتناب بوده، رهبری می دانند که نمی تواند دیواری به دور ایران بکشد و آن را از نفوذ خارج منفرد سازد، ایران را از منابع تکنولوژی و بازرگانی که در مورد دنیا از آن است محروم سازد، رهبری انقلاب "مرزهای باز" می خواهند مرزهای بسته اکثریت به اقلیت یک میلیونی که حامی انقلاب نیستند اجازه اعمال نظرنمی دهد البته نظر رهبری آنست که اقلیت نیز به کار گرفته شوند و در این جهت تلاش میکنند.

۱۶- تفسیر: اظهارات بهشتی بیشتر این طور به نظر میرسد که منافع آمریکا را به مایه آوری می کند تا منافع ایران.

اظهارات بهشتی به نظرمیرسد که برای یادآوری این نکته به ماست که کوشش برای تثبیت روابطمان بیشتر به نفع آمریکا است تا ایران ایران انقلابی به نفع همه حمایت آمریکا خوش آمد خواهد گفت، لیکن به هیچ وجه قصد ندارد بدین وابستگی پیدا کند.

لینکن

حالا یکبار دیگر متن سند را مرور میکنیم:

۱- (بند اول مهم نبود!)

۲- بهشتی در بند دوم احساسات و افکار عمومی مردم علیه رژیم شاه و هر کسی که به شاه کمک کند اشاره میکند و در واقع دشواری وظیفه ای را که در سازش با دشمن بعهده دارد دست او را تا حد زیادی بسته است یادآور میشود، او خواستار قطعات بدکی نظامی است و خواهان

ادامه قراردادهای بازرگانی، رژیم جمهوری اسلامی البته برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و بازسازی ارتش، چشم براه کمک آمریکا بوده است، اما میدانید چه وقت آقای

بهشتی چنین انتظاری را از آمریکا داشته؟ در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ یعنی ۷ آبان ۱۳۵۸ یعنی ۶ روز پیش از تصرف سفارت بوسیله دانشجویان پیرو...

۳- آیا میبینید که آقای بهشتی رژیم جمهوری اسلامی چقدر "فدا میرا لیست" است؟! (بند سوم هم مهم نبود!)

۴- در بند چهارم آمریکا شیها از طریق جاسوس و ما مورخه دار تا کیدسی کند و آرزوی شما بندگان دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد

نهادهای جدید دولتی به منافع آمریکا و ایران خدمت کند، چگونه ممکن است دولت و کلا رژیم جدید ما هیتی خلقی داشته باشد و در عین حال

آمریکا انتظار داشته باشد که منافع خود را در آن منعکس ببیند، آیا این تنها هم بین بهشتی و شما بندگان امپریالیسم دقیقاً دنیا له همان سازش و توافق نیست که بر سر نوشت انقلاب

بین آمریکا و ارتجاع داخلی بعمل آمده؟ سولیوان آن آخرین سفیر آمریکا در تهران، در

سولیوان آن آخرین سفیر آمریکا در تهران، در

مجله مسائل خارجی چاپ آمریکا نوشت: "توصیه من به دولت آمریکا این بود که با یدار متلاشی شدن ارتش در اثر انقلاب جلوگیری کنیم، به عقیده من بسبب ارتباط خاص آمریکا با ایران ما می بایستی می دیدیم که آیا می توانیم ترتیبی بدهیم که نیروهای مسلح ایران دست نخورده بمانند یا نه؟" (بیکار ۷۲ مورخه ۲۴ شهریور ۵۹)

آیا تلاش بهشتی برای تحکیم روابط با آمریکا و تسریع در ارسال و تعمیر قطعات یدکی و "بجا دهنده های جدید دولتی" جز به منظور خدمت به منافع آمریکا و ایرانی که بدان وابسته می باشد بوده است؟

۵- در بند پنجم و ششم و هفتم هیچ سخنی از قطع وابستگی و امثال آن که اینهمه میلیون ها نفر از توده های زحمتکش میهن ما آنرا فریاد زدند و در آستان اعتصاب کردند، به غیاب آنها ریختند و گشته و زخمی دادند، مطرح نیست. فقط موضوع شاه مطرح است آنها البته از ترس مردم! مساله دوم اما به روابط بازرگانی است که بهشتی روی آن تاکید میکنند و از آمریکا کمک می خواهد که نگذارند حسابهای بانکی ایران در آمریکا بوسیله دادگاههای آن کشور بسته شود.

مساله سوم تا مبنی و تعمیر سریع قطعات یدکی نظامی است. بهشتی از آمریکا کله میکند که "چرا با سرعت کافی و به میزان مورد نیاز قطعات یدکی نظامی بوسیله آمریکا تمهیدات نشده است!"

۸- در ماده هشتم ما مورسفات نظر دولت آمریکا را در اثربرابر اینکه از نظر دولت متبوع او شاه دیگر بعنوان یک مقام رسمی تلقی نمی شود و اینکه آمریکا خواستار "استقلال و تمامیت ارضی ایران" است را با زکومی نماینده و بهشتی هیچ اعتراضی ندارد.

۹- در ماده نهم ما مورسفات "تاکید میکنند که آمریکا در کردستان نقشی ندارد و اینک به ایجا دشمنی در کردستان برای رژیم جدید ایران "بهرخلاف منافع آمریکا" میباید.

۱۰- در بند دهم با زسخن از حل مشکلات مالی و همکاری دولت آمریکا با ایران در دادگاههای آمریکا است تا هرگونه مشکلی از سر راه تحکیم روابط اقتصادی و تجاری آمریکا با ایران بر نداشته شود.

۱۱- در بند دوازدهم یکی دیگر از ما مورسفات سفات بنام "پشت" تاکید می نماید که از ماه مرداد ۵۸ برای ارسال قطعات یدکی نظامی به ایران مانعی ایجاد نشده است. طبیعی است وقتی رژیم ایران اسلحه را برای سرکوب خلق کرد و دیگر خلقهای مبارز ایران می خواهند، وقتی می خواهند کمونیستها و انقلابیون را نشان ندهند، وقتی هدف ایران از دریافت اسلحه سرکوب مبارزان و زحمتکشان است، چرا آمریکا اسلحه ندهد؟ هم میداند نیمه گس زمانیکه اولین جنگ کردستان (درپاوه) شروع

شد و آقای جمران "برای بزم روزم" به کردستان میرفت، آمریکا ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه به ایران تحویل داد. حتی پس از جریان سفارت و "تجریم اقتصا دی" و غیره با هم بطور مستقیم و غیر مستقیم اسلحه آمریکا بی ایران وارد شده است. ما اخبار و اسناد زیادی در این رابطه در بیکار (شماره های اخیر) منتشر کرده ایم.

۱۱- (مکرر در اصل) در این اسناد ز طرف آمریکا شایه تاکید میشود که آمریکا مایل است تا حرکت قطعات یدکی نظامی را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تا مبنی شود. در مورد قطعات یدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری هم آمریکا اعلام آمادگی مجدد می نماید.

۱۲- در بند دوازدهم بهشتی تاکید میکند که "رهبری انقلاب" تصمیم گرفته تا در چهار چوبی "دوستانه و مشیت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. حالا خوب معنی "نه شرقی نه غربی" را می توان فهمید که این تقدیری شرمانه بر سر آن داد و فریاد بر راه می اندازند.

۱۳- در بند سیزدهم ضرورت وجود هیات مستشاری نظامی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت جمهوری اسلامی مورد بحث و تا شدیداً بر میگیرد.

۱۴- در بند چهاردهم و پانزدهم ما مورسفات سفات تلویحاً سخن از لیبیرالهاشی بعمل می آورد که در حال حاضر در آمریکا هستند و رژیم فعلی ایران ناراضی هائی دارند و آقای بهشتی می پذیرد که اشتباهاتی شده است.

هموطنان مبارز ما توجه دارند که منظور از اینگونه "اشتباهات" همان فشارهاشی است که توده های انقلابی میهن ما علیه کلیه وابستگان به رژیم سابق و امپریالیستها داشته اند. همان فشارهاشی که آقای بازرگان آنرا به "سیل" تشبیه کرد و گفت ما "باران می خواهیم، سیل آمد!" (ترس از انقلاب و توده های انقلابی) با لاجرم آقای بهشتی که از دامه آن "سیل" که بنیان امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را می خواست از ایران براندازد، در جود خود جلو گیری ننموده از طرف رژیم جمهوری اسلامی تاکید می کند که "رهبری انقلاب" خواستار "مرزهای باز" می باشد نه "مرزهای بسته"! این حرف اگر مخالف صحبت آیت الله خمینی است که گفت "ما بهتر است دور خودمان دیوار بکشیم" تعجب نکنید. آخر حرف بهشتی مصرف خارجی داشته و حرف آیت الله خمینی برای مصرف داخلی گفته شده است و هر دو در یک خط است.

۱۶- در بند شانزدهم و در پایان گزارش ایمنی ملاقات فضاحت بار، آقای بهشتی، چنان چشم اندازی را برای روابط ایران و آمریکا ترسیم نموده که ما مورسفات می نویسد: "اینطور بنظر میرسد که بهشتی "بیشتر منافع آمریکا را به ما با داری می کند تا منافع ایران را!" این را میگویند که تولید ترازی با آقای

بهشتی از خود آمریکا شایه هم بیشتر برای منافع آمریکا دل میسوزاند و میکوشد تا آنرا از چشم توفنده انقلاب توده ها محفوظ نگاه دارد!

آقای بهشتی تاکید میکند که "ایران انقلابی (منظور رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی است) به تنهایی و حمایت آمریکا خوش آمد میگوید!"

تنگ و نفرت برای بنه خیا نت و مردم فریبی که بهشتی و امثال او دارند؛ از یک طرف گوش فلک را از با صلاح مبارزه ضد امپریالیستی پر کردن، آنگاه برای منافع آمریکا سینه چاک دادن و به انقلاب ضد امپریالیستی توده های خلق خنجر زدن.

۳- چهره دشمنان خلق را هر چه بیشتر افشا کنیم
۳- توده ها را نسبت به دشمنان نقابدار نشان
هر چه بیشتر آشنا سازیم

۳- با کار و فعالیت انقلابی و کمونیستی، هر چه انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی را در راه برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و بسوی جامعه سوسیالیستی همسواره برافراشته نگاه داریم و به پیش روییم از زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۰/۱۲

اعلامیه شماره ۱۰۴



مبارزه موفقیت آمیز دانش آموزان در شهر کرد

روز ۲۵ آذرماه، اعلامیه نیروهای انقلابی به دیوار "هنرستان صنعتی" شهر نصب شده بود که پس از چند دقیقه توسط معاون هنرستان کنده شد این عمل ارتجاعی موجب خشم و اعتراض هنر جوان کردید و با شعار "مرگ بر ارتجاع" در مقابل آن ایستادند. فردای آن روز، طرفداران "حزب جمهوری" دست به توطئه زده و اعلام کردند که یکی از هواداران نشان در اثر ضربه مشت یک دانش آموز انقلابی مریض شده است و خواستار اخراج وی شدند. روز پنجشنبه ۵۹/۹/۲۷ از طرف دفتر هنرستان ورقه اخراج آن دانش آموز انقلابی به دیوار زده شد. دانش آموزان مبارز با اعتراض به تصمیم ارتجاعی هنرستان دست به تظاهرات زدند. آنها شعار میدادند: "مجلس میرزمد، ارتجاع امپریالیسم میلرزمد"، "فعالیت سیاسی آزاد باید گردد"، "فرهنگ استعماری نابود باید گردد"، "خواسته توده ها، فرهنگ انقلابی است" تفتیش عقاید، توطئه ارتجاع است، آزادی سیاسی خواسته توده ها است و... دانش آموزان انقلابی با مبارزه خود توانستند به خواسته خود مبنی بر نصب نشریات و اعلامیه های انقلابی را عملی سازند. یکی از هواداران "اکثریت" می گفت که "اکگر بجای مدیر بودم، نمی گذاشتم نشریه های سازمان "بیکار" را به دیوار بزنند. آری رویز - بونیست های مرتد در خدمت به بورژوازی چنان از نیروهای کمونیست و انقلابی وحشت دارند که حاضرند تن به هر کاری بدهند.

"توبودی رستم دستان" نه با کاووس، بر کاووس" یادی از جهان پهلوان تختی بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادتش

۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ دستان تبهکار رذخیمان ساواک به زندگی کوتاه و شرافتمندانه غلامرضا تختی، فرزندی مبارز "خانی آباد" پایان داد. او در شهریور ۱۳۰۹ در تهران دیده به جهان گشود و زندگی سراسرنج و مشقت مردم جنوب تهران - که خود از زمان آنان و در میان آنها بود - او را با واقعات زندگی زحمتکش آن آشنا ساخت و او را بمبارزه علیه بیداد و زور و جورگشاند. تختی خیلی زود در صحنه ورزش درخشید ولی نه تنها همچون حبیبی ها... حاضریه چابلیوسی رژیم شاه نگشت بلکه ورزش و تشک کشتی را در خدمت فعالیت‌های سیاسی خود قرار داد. رفتار رومنش توده‌ای او، وی را محبوب توده‌های زحمتکش نمود و او این محبوبیت را در خدمت مبارزه علیه رژیم قرار داد. روحیه سلحشور و مانع از آن شد که یکدم ز فکر توده‌های با برهنه غافل بماند و در نتیجه رژیم و وابسته‌ها به وحشت افتاد و کمر بر سر قتل او بست. شهادت تختی، حرکت مبارزانه‌ای بی نظیری را در میان توده‌های مردم و بویژه جوانان انقلابی دامن زد و جنبش دانشجویان انقلابی "شب هفت" و "چهلیم" تختی را یکی از پر شورترین تظاهرات توده‌ای در آن سالهای سیاه خلقان علیه رژیم شاه و امپریالیسم بسدل ساخت و برای اولین بار در آن سالهای اختناق فریادها شیکه با "درود بر تختی"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گردید" شروع شده بود. رستاخیز و باطنین "مرگ بر شاه" تجلیلی را که شایسته تختی بود به تجلیل از مبارزه او - برپا داشت. شهادت نیز چون زندگیش در خدمت مبارزه توده‌ها و خروش خشم انقلابی آنان قرار گرفت.

یادش گرامی باد

راهپیمائی اعتراضی رانندگان وانت بار

جنگ ارتجاعی همچنان زحمتکشان را زیر فشار قرار داده است. بدنبال گرانی بنزین رانندگان وانت بار با مشکلات بی شماری روبه رو شدند. اتحادیه انقلابی مرتباً آنها را سردوانده و با نیکه نیز از دادن کوبین بنزین خودداری کردند روز شنبه ۲۲ آذر ماه رانندگان زحمتکش در مقابل "اتحادیه" تجمع کرده و خواهان گرفتن حق خود بودند. مسئولین اتحادیه بجای رسیدگی به مشکلات رانندگان، پاداران را به مقابله آنها فرستادند که آنها با تیراندازی هوایی سعی در متفرق کردن رانندگان نمودند. ۲۰ نفر

اندر بشردوستی امپریالیسم آمریکا و افاضات رهبر حرکت اسلامی افغانستان

در سالگرد تاجا و زوسیا ل امپریالیسم روس به افغانستان، لیبیرالها همگوت را جابیز شمرندند. روزنامه "انقلاب اسلامی" مصاحبه‌ای کرده است با "مولوی محمدبنی رهبر" حرکت اسلامی افغانستان. "کدرشما ره پنجاه و پنج ساله ۴ دی - ماه ۵۹ آروزنا مه چاپ شده است. در تسمتی از این مصاحبه "از وی سؤال شده است که: "اگر آمریکا به شما کمک کند قبول میکنید؟" وی جواب میدهد: "اگر از وی بشردوستی و بدون قید و شرط و بدون تعهد و قرار داد کمک کند قبول میکنیم... در جای دیگر از وی سؤال میشود:

"۳. آیا شما با ضیاء الحق ارتباط دارید؟" و رهبر حرکت اسلامی افغانستان پاسخ میدهد: "بله و بسیار نظر دوستانه دارد. از اینکه روسیه ظلم میکند به کشور ما و تاجا و زکرده است رنج میرد حضرت محمدبنی در پاسخ به این سؤال که: "امور مالی شما چگونه تامین میشود؟" میفرماید: "از کمک و خدمات مردم مسلمان است برخی از افراد متمول در افغانستان و پاکستان یما کمک می کنند". این سه مطلب را کنار هم بگذارید تا واقعیت ماهیت "حرکت اسلامی افغانستان" را بهتر

دریابید. "حرکتی" که رهبرش انتظار بشردوستی از امپریالیسم آمریکا داشته و حاضریه قبول کمک - های آن یا شاد و ژنرال ضیاء الحق - مزدور پاکستانی امپریالیسم آمریکا با آنها "نظر دوستانه" داشته و امور مالی "شان نیز توسط "افراد متمول در افغانستان و پاکستان" رفع و رجوع شود، روشن است که چگونه "حرکتی" است بی جهت نیست که سردمداران رژیم جمهوری اینتارد در باره "مجا هدی اسلامی" افغان داد سخن میزنند.

البته پس از "اعترافات" حضرت محمدبنی رویزیونیست‌های حزب توده (و احیاناً برادران "اکثریتی" شان) نیز ساکت نخواهند نشست و سخنان مرتجع افغانی را شادی بر "اشبات" "حقانیت" آنها چارتنش شوروی به افغانستان و به خاک و خون کشیدن خلق این کشور خواهند آورد. رویزیونیست‌های خائن جزئیروهای ارتجاعی، امپریالیستی و وابستگان نشان نمی‌توانند چیزی دیگری را ببینند. آنها برای توجیه پشتیبانی شان از تاجا و زوسیا ل امپریالیستها و نوکر بی‌مقدارشان "ببرک کارمل" مجبورند که خلق افغانستان و نیروهای کمونیست و انقلابی افغانستان را که با مرزبندی قاطعانه با مترجمین و فئودالهای وابسته به امپریالیستها ی غربی با زوسیا ل امپریالیسم و رژیم دست نشانده - اش مبارزه میکنند، تا دیده گرفته و آنها را با نیروهای وابسته به غرب دریغ بریزند. اما آفتاب حقیقت برای همیشه در پشت ابرها پنهان نمی‌ماند.



زمین نشسته و خواستار مازدا کره با نمایند نخست - وزیر شدند، آنها خواسته‌ها یشان را مبنی بر: "القای "اتحادیه" فعلی و تشکیل اتحادیه واقعی، تحویل کوبین و کارنا مه از طریق بانک تحویل لوازم یدکی، توزیع بنزین عادلانه تشکیل اتحادیه برای رانندگان وانت بار بپلاک سفید، پرداخت ما به التفاق بنزین ماه قبل و... اعلام کردند و بدون توجه به تحریکات کسانیکه از طرف نخست وزیر صحبت میکردند تصمیم گرفتند تا رسیدن به خواسته‌هایشان به مبارزات خود ادامه دهند.

از رانندگان را دستگیر کردند، بقیه را زندگان به اعتراض بلند کردند و چون نتوانستند با اتحادیه به توافق برسند تصمیم گرفتند به نخست - وزیر بروند آنان در مسیر با شعارهای: "اتحادیه انقلابی منحل باید گردد"، "اتحادیه واقعی ایجاد باید گردد"، "بنزین عادلانه توزیع باید گردد" و... خواسته‌هایشان را بگوش سردمدار میرسانند در مسیر نیز رانندگان دیگری آنها می پیوستند. در حدود ۴۰۰۰ راننده وانت بار در این راهپیمائی اعتراضی شرکت داشتند. در مقابل دفتر نخست وزیر زحمتکشان را زنده بر

از اشغال نظامی افغانستان یکسال گذشت افغانستان، گورستان تجاوزگران روسی

ششم دیماه مصادف بود با اولین سالیکرد
اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش تجاوزگر
سوسیال امپریالیسم روس. بیش از دهها هزار
سرباز روسی با مدرنترین سلاحها، افغانستان
را اشغال کردند تا با کشتار و سرکوب زحمتکشان
افغان صفحہ جدیدی از جانیات امپریالیسم روس
بگشایند.

خلقهای جهان این تجاوز امپریالیستی را
محکوم کردند. امپریالیستهای فریبی و
وابستگانشان نیز از زاویه منافع خود با جوار
جنجالهای شوخالی و فریبکاریانه به اعتراض
علیه شوروی پرداختند که تپانی وزدوینندههای
پشت پرده را در نشان بدسپال داشت. رومیو -
نیست ها و اقمار شوروی نیز طعنا و بیعتنا و بیسن
مختلف بدفاع از این تجاوز آشکارا برخاستند.
زحمتکشان آگام افغانستان پس از تهاجم
شوروی نه تنها دست ارمقاومت نکشیدند، بلکه
پیگیرانه به نبرد با تجاوزگران ادامه دادند.
در این میان نیروهای مترجم محلی با حمایت
امپریالیستهای غربی، بخشی از توده های نا -
آگاه را بدور خود گرد آورده و برای تامین منافع
آریابانشان به مبارزه با رژیم دست نشانده شوروی
پرداختند.

تاریخچه نفوذ شوروی در افغانستان

اشغال نظامی افغانستان نتیجه منطقی
تکامل نفوذ شوروی در این کشور بود. آغاز نفوذ
نظامی، اقتصادی و سیاسی شوروی به اوایل
سالهای ۱۹۵۰ و اوائل سالهای ۶۰ بر میگردد.
پس از آنکه رژیم استبدادی ظاهر شاه برای مقابله
با پاکستان در کشمکش بر سر ایالت پشونستان
از آمریکا کمک تسلیحاتی خواست و در دست
کابل برای دریافت اسلحه و کمکهای اقتصادی
به شوروی روی آورد. قبل از آن امپریالیسم
آمریکا در برنامهای اقتصادی افغانستان
نقش بیشتری داشت ولی در برنامهای پنجاه
سوم افغانستان، آمریکا با ۱۸ میلیون دلار وام
پس از شوروی قرار گرفت.

سالهای ۵۰، با اوچگیری مبارزات مردم
افغانستان بر علیه استبداد ظاهر شاه و نفوذ
امپریالیسم و نیز قیامهای مسلحانه خلقهای
بشتون و بلوچ مقارن بود. رژیم سلطنتی که
"داود" سخت وزیر آن بود، در پی سرنگونی اش
خلق بیخاسته افغانستان کمربند سرنگونی اش
بسته است. لذا برای سرکوب جنبش به کمسک
امپریالیستها نیاز داشت و سوز و آزی نویای
شوروی از این فرصت نهایت سود را برد. شوروی
در این دخالت، دورنمای دستیابی به اقیانوس
هند را پیش چشم داشت. در نتیجه، سیل سلاحهای
کهنه شوروی به افغانستان سرازیر گردید. در
ازای این کمکها، روسها کار افغانستان را با
قیمت پانزده جپانی به غارت بردند. روسها در
اراء و امهائی کمربند با با زلفتین قیمت ها به
بهره برداری از بخش عمده معادن، مواد خام،
مصولات کشاورزی و... با افضاء قراردادهای

۲۰ ساله و با قیمت ثابت برای این مسدودت
پرداخت و قسمت عمده با زرکاشی خارجی افغانستان
را با تحملا خود در آورده بخش اعظم سرباهای
اقتصادی و اجتماعی کشور را در اختیار گرفت.
البته امپریالیستهای غربی نیز بنوع خود در
غارت و استعمار خلق افغانستان سهم بودند
ولی نقش شوروی در درجه اول اهمیت قرار داشت.
در سال ۱۳۴۲ "حزب دمکراتیک خلق" رهبری
نورمحمد ترهکی خاشن تاسیس (ویکسال بعد به
انتشار روزنامه "خلق" پرداخت) و در خدمت تحقق
اهداف شوروی درآمد. این حزب چندین بعد به دو
جناح "خلق" و "برجم" منقسم شد. در شرایطی که
خشم انقلابی نوده ها روز بروز با شدت بیشتری
میافت و جنبش دمکراتیک نوین (شعله ها وید) -
بمنابیک سازمان انقلابی به تبلیغ و ترویج
مبارزه قهرآمیزی پرداخت، رومیو نیستیهای
"خلق" و "برجم" با دست بوسی ظاهر شاه و اعصاب -
شکبی به تبلیغ "پارلمانیتاریسم" و "راه مسالمت
- آمیز" پرداخته و شاه را "غیر مسئول" و "واجب -
الا احترام" و "دمکراتترین شاه آسما" قسبی -
خواندند. آنها در آرزوی سهم شدن در قدرت
و از زاویه دفاع از منافع آریابان روسی به
مخالفت با محافل وابسته به امپریالیسم غرب
می پرداختند. اما سلطنت تشدید روز افزون بهران
- های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و همراه
با آن اوچگیری سریع مبارزات طبقاتی نوده ها
در طی سالهای ۴۷ تا ۵۲ سوسیال امپریالیسم
روس و امپریالیستهای غربی به تهاجم و نیبانی
رسیدند.

سوسیال امپریالیسم شوروی با استغاده از
موقعیت ممتاز خویش و پیویژه نفوذش در ارتش
و با تکیه به جناحهای وابسته بخود و ستون پنجم
خویش ("خلق" و "برجم") موفق شد با کودتای ۲۶
تیر ۱۳۵۲ "داودخان" - از مهره های طرفدار خود -
را به قدرت برساند. هر چند که وی عنصری لیسبه
مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای امپریا -
لیستی شوروی بشمار میرفت، اما او و اصمغاع
افغانستان و موقعیت "داود" و برخی اطرافیان
سبب گشت که دستگا دولت به صحنه رقابت های
گروههای مترجم وابسته به شوروی و غرب تبدیل
گردد. با تشدید بحرانهای اقتصادی و اجتماعی
و... این تهاجمات نیز خادتر شدند. ارمخصصات
دیگردوران داودخان ظهور یک دیگمان سوری خشن
و غریبان بود. در این دوران توده های میلیونی
در اشرف و فو لاک محصور به ترک وطن و روی آوردی
به ایران و پاکستان و... گردیدند. بدین -
ترتیب تحت شرایط اخلت و سرکوب وحشیانه

جس انغلاسی فروکش کرد.
رومیو نیستیهای "خلق" و "برجم" که
رورگاری خواب بدست آوردن قدرت از طریق
"مسالمت آمیز" و "تدریجی" را میدیدند، در این
دوره چشمه "انقلاب" را بالا (در واقع کودتاسا)
دوخته و تا دانشه قدرت به خیا با آنها ریخته و
سرود وصف "سوسیالیسم" را و دی را سر میدادند.
از ویژگیهای رومیو نیستیهای خاش افغانسی
شدت اختلافات دروسی نشان بود، تا حدی که
ارتدایهای "خلق" و "برجم" آشکارا این جنسک
قدرت را با حمله سبک دگر مسکس میگردند.

سندید بحرانها، با توانی در سوار و رده
- وعیدها و در اثر فشار و آرزوی محافسل
وابسته به غرب "داود" را به طرف امپریالیستهای
غربی سوق داد. این چرخش موجبات سقوط او را
فراهم کرد. با کودتای ۷ اردیبهست ۱۳۵۷، و روی
- کار آمدن دولت دست نشانده روس، وابستگی
به سوسیال امپریالیسم شدت گرفت و روسها
توانستند با امضای ۲۰۶ قرارداد و استعمار
در دوران ترهکی - امن علاوه بر غارت منابع
خلق افغان، حق مداخله نظامی در آن کشور را
نیز بدست آورند. با اوچگیری جنبش انقلابی و
برای فرو نشاندن آن شعبه های زیبای سیاسی
شروع شد. "حفظه الله" امین "به صحنه آمده و
"استاد توانای" خود را با حمله گرفت. اما
جنبش اوچ گرفت. و این موجب شد که کودتاگران
جدید از دهان نوب ها و تکیهای ارتش شوروی
بیرون آمده و "مرحله سون حرب" و "حد مکرانیک"
اعلام کردند. احزاب منخاص قبیلی دوباره "واحد"
شدند و بقول افغانی ها هفتمین "زدواج خلق
و برجم" صورت گرفت. بزرگ کارمل در کتساب
"کوشه ای از زندگی نورمحمد ترهکی" (از انتشارات
"برجم" - ۱۳۵۵) بدترین لقب ها را به ترهکی
داده بود ولی اینک این "ناکرد و فادار" ترهکی
یعنی حفیظ الله امین است که از چشم آسای
کارمل عامل سنا و امپریالیسم بوده است. آنچه
بزرگ کارمل "مرحله سون انقلاب" متنامد در
واقع چیزی نیست مگر سخت سلطه در آمدن کارمل
افغانستان سوسیله ارتش مسلح امپریالیستی
شوروی.

اوضاع کنونی افغانستان

نفسه های سوسیال امپریالیسم روس که
کمان میگرد میخواستند مفاومت دلیرانه خلق
افغانستان را درهم شکند، با خشم و طغیان
سوده ها نفس برآوردند. هنگامیکه از خلق
افغانستان صحبت میکنیم جناح دیگری از
طبعات ارتجاعی شامل بخشی از فئودالها
(بخش دیگرتفادار کارمل هستند)، رهبران
مترجم مذهبی وابسته به غرب، کمبرادورها،
سورگوانهای نظامی و غیر نظامی وابسته و
-
- شعله ها وید "بعدها دغا را نشعب کردید و یک
جریان "سه چپایی" ارمسان استعاب بیرون آمد

آدم ربائی، شکنجه و ترور

از اینگونه اقدامات که یک انقلابی را در خیابان بریابند، او را شکنجه کنند تهدید بمرگ نماید و حتی او را بکشند یا رها در رژیم جمهوری اسلامی هم تفاق افتاده است که یک نمونه آن ربودن و قتل دور فقیق شهید ما سعودا لعی را در وطیب نجم الدینی بود، از دیگر انقلابیون وابسته به نیروهای دیگر مثل راه کارگر، مجاهدین و فدائیان خلق (اقلیت) و غیره نیز نمونه های متعددی دیده شده است.

حدود دو هفته پیش یکی از هواداران فدائیان خلق (اقلیت) را در حالیکه مشغول فروختن شربیات انقلابی بوده بزرگ دستگیر کرده او را به زور سوارا تومبیلی میکنند چشم او را میبندند و با کتک و فحش به بیابانهای اطراف تهران پارس میبرند. او را کمالا لخت کرده و در سرما شکنجه میکنند منجمله برای ترساندن او کار بدیه خلقش می مالند! او را رها میکنند.

این رفیق انقلابی پاچه را از روی چشم - هایش بازمیکند و میکوشد لباس هایش را کپس اینسو آتسو انداخته بپوشد و بدو پیوسته فدائیان انقلابیون دوباره بر سرش میریزند و پس از کتک زیبا او را رها میکنند. این رفیق انقلابی و مقاوم با دشواری زیاد خود را به شهر میرساند. خدا انقلاب باید مطمئن باشد هیچیک از این شیوه های سرکوب جلوی پیشروی انقلاب را نمیگیرد!

در خاتمه ضروری است برای سازمانها و گروههایی که در افغانستان فقط دنیرو و دو موضع (آمریکا و شوروی) را می بینند و در نتیجه برخورد های انحرافی، متزلزل و بیارویزیونیستی از خود نشان میدهند و نکته را با دآوری کنیم: ۱- با حرکت از تحلیل ماهیت شوروی، لشکر کشی وی را به افغانستان ارزیابی نمائید. اشتباه شما در این است که فقط با حرکت از ماهیت و نقش امپریالیسم آمریکا به مسئله افغانستان نگاه میکنید و با نظر گرفتن این مسئله به موضع کمالا انحرافی و رویزیونیستی در مورد نقش شوروی در افغانستان میرسید.

۲- کوشش نمائید تا با حرکت از موضع مبتذل خلق مبارز افغانستان به بررسی نیروهای موجود در این کشور پرداخته و در نتیجه به پشتیبانی از انقلاب افغانستان و نیروهای انقلابی آن برخیزید.

توطئه های امپریالیسم غرب در افغانستان را اقلیتها نمائیم! پیروزی دمایزات خلق قهرمان افغانستان بر علیه رژیم سربرنده سوسیال امپریالیسم! پیروزی دای انقلاب رها شیخ خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم جهانی!

سربازان روسی با زار "جمهوریت" کابل را مورد دستبرد قرار داده و برای ردگم کردن آنجا راه آتش کشیدند. فرهنگ رویزیونیستی و امپریالیستی جز این نمیتواند نبیا آورد.

پس از دو سال جنگ مسلحانه در افغانستان هیچیک از دو جناح (وابسته به شوروی و غرب) موفق به جلب پشتیبانی شده ها نگشته و نتوانسته اند حاکمیت سراسری خود را استوار سازند. در این میان تنها نیروی رشدیابنده، نیروهای انقلابی هستند که با اتکاء به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند و با طراپس هراس مشترک امپریالیستها از انقلاب دورنمای تپانی و مماله پنهانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای یافتن "راه حل" مشترک شبایبنا دیده گرفته شود. این روزها شایعات فراوانی در مورد روی کار آمدن ظاهر شاه خائن بعنوان "راه حل" مشترک در افغانستان وجود دارد.

سه نیرو در برابر هم

علیرغم تصورات نادرست تبلیغات ارتجاعی که فقط دنیرو را در افغانستان در مقابل هم قرار میدهند در این کشورها با سه نیرو و سه موضع مختلف روبرو هستیم:

الف - سوسیال امپریالیسم و با نده های داخلی وابسته به آن چنانچه اشاره شد شیوازه گروههای حاکم "خلق" و "پرچم" و فراکسیونهای منشعب از آنها کمالا از هم پاشیده شده است. و تفادهای درونی آنها بحدانفجاری رسیده است.

ب - امپریالیستهای غربی و احزاب "اسلامی" وابسته به آن که اساسا زیر نفوذ فئودالها قرار دارند.

ج - موضع خلق افغانستان و نیروهای انقلابی، مترقی و مبارز کمونیستها و انقلابیون راستین افغانستان تنها با مرزبندی قاطع و دقیق با ایادی امپریالیسم ویرانه انداختن یک جنبش وسیع آزادی بخش در دفاع از منافع خلق میتوانند راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی را هموار سازند. توضیح این نکته ضروری است که رویزیونیستهای خائن سه جانی که در "مخالفت" با سوسیال امپریالیسم آتش تندی از خود نشان میدهند در حقیقت در حرف و عمل رهبری عمال امپریالیسم آمریکا را پذیرفته و شعرا و وحدت بنیر پرچم این "رهبری" را تبلیغ میکنند. آنها با اقرار گرفتن در کنار نیروهای مرتجع مذهبی در برابر خلق افغانستان قرار گرفته و به منافع خلق خائنات میکنند. رویزیونیستهای خائن سه جانی "نجبران" نیز در قبال خلق زحمتکش افغانستان چنین موضعی را اتخاذ کرده اند.

رویزیونیستهای خائن "حزب توده" و "اکثریت" فدائیان را لاشتها در دفاع از سوسیال امپریالیسم انجام داده و در صف دشمنان خلق افغانستان قرار گرفته اند.

عده ای از افراد فراری حزب "خلق" که در جهت تامین منافع امپریالیستهای غربی بویژه آمریکا و استقرار مجدد نظام ارتجاعی سنتی حرکت میکنند، مرزبندی قاطعی داریم. آنها شی که دردها گروه و حزب مذهبی افغانی در ایران و پاکستان کرده اند و بدبخا طرایعی نقیض خائنانه شان خیانتکار نسبت به خلق افغان میباشند. آنها و ارتجاع حاکم از نظرها هیست و وابستگی خود برای نیروهای انقلابی یکسانند با ندهای "اخوان المسلمین" دشمن عمده شانرا نه روسها بلکه انقلابیون چپ افغانستان میباشند. اغلب این با ندهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب و از جمله آمریکا میباشند و مقابله آنها با شوروی نه از موضع دفاع از انقلاب و منافع توده های زحمتکش، بلکه از موضع ارتجاعی و سرپرستی شان میباشد.

امروز نیروهای واقعا انقلابی و توده های آگاه از موضع فدا امپریالیستی به مبارزه خود علیه مرتجعین - امپریالیستها و بخصوص شوروی ادامه میدهند. در طول ۶ - ۷ ماه گذشته در هرات و حوالی آن تاج و زگران روسی همراه با با ندهای خلق و "پرچم" برای سرپا زگیری خانه های مردم را محاصره کرده و اقدام به دستگیری جوانان با لاتراز "۱۶" سال نموده اند چرا که توده ها از آنها گریزانند. با وجودیکه شب و روز صدای رگبار مسلسل و غرش تانکهای تاج و زگران لحظه ای قطع نمیشود ولی توده ها که در میان آنهاست نوجوانان و دختران دانش آموز نیز با دپشم میخورند. حماسه های پرشوری از مفا و مست و مبارزه میآفرینند.

در اینجا جا دارد از رفیق ملالی دختر - دانشجوی کمونیست از تشکیلات "اخگر" یاد کنیم که پس از تحمل شش ماه شکنجه و حبس در جلادان در زندان "پلچرخ" و مقاومت حماسه آفرین تنها جایی که حتی از افشای نام خانوادگی اش نیز خودداری کرد و همراه با گروه عظیمی از انقلابیون دیگر روانه کشتارگاه گردید. این واقعیتی است که هزاران زندانی سیاسی که در زمان تره کی - امین در شکنجه گاهها و سیاهالها و در راه آزادی بشهادت رسیدند، از کمونیستها و روشنفکران انقلابی بودند. در میان هزاران انقلابی که در دوره زمانمداری بپرک کارمسل شهید شده اند با یاد "مجدد کلگا" می یاد کنیم که پس از ۱۵ سال مبارزه سرانجام بدست مسز دوران سوسیال امپریالیسم دستگیر و در ژوئن ۱۹۸۰ (۱۸ خرداد ۵۹) در راهائی زحمتکشان اعدام گردید.

با شهیدان بخون خفته خلق افغانستان را گرامی میداریم!

در حال حاضر در بین سربازان و افسران روسی آنچنان فساد و انحطاط اخلاقی موج میزند که آنها در هر تها جمی به محلات و روستاها به زنان و دختران تاج و زمینها بیدار موال زحمتکشان را به سرعت میبرند. در سال گذشته گروهی از

گرمای باد خاطره رفقای شهید



محمد باقر عباسی

- تولد در ۱۳۲۵ در قم
- آشنائی با زحمتکشان از دوره دبیرستان و مبارزه با امپدرهاشی آنان .
- پیوستن به یک جریان مذهبی مبارز و مخفی بنا م حزب ملل اسلامی و دستگیری و محکومیت ۳ ساله در ۱۳۴۳
- ادا مه فعالیت مبارزاتی پیراز آزادی از زندان و تشکیل یک گروه انقلابی همراه با چندتن دیگر از مبارزین .
- علیرغم آنکه او به مارکسیسم گرایش داشت ، چون سازمان مجاهدین را سازمانی انقلابی میدانست همراه با عده ای دیگر از همزمانانش منجمله رفیق علیخا ساسی به این سازمان پیوست
- شرکت در عملیات نظامی و فعالیت های تبلیغی و افشاگرانه علیه رژیم شاه خا شن و انجا موظف بیست سازمانی با فداکاری و گذشتی که زیبا نزد رفقا بود
- رفیق باقر عاشق مبارزه در راه آزادی زحمتکشان خلق بود او اولین فرد انقلابی در درون سازمان مجاهدین خلق بود که به حقیقت ما رکیسیم - لنینیسم دست یافت و اینرا پس از دستگیری در سال ۵۱ از پشت میله های زندان با افتخار و صدای بلند فریاد میکرد .
- شهادت او در ۲۱ دیماه ۱۳۵۱ بود که همراه با یکی از همزمانانش مجاهد محمد مفیدی بدست جلادان رژیم شاه خا شن تیرباران گردید .



لیلا زمردیان

- تولد در ۱۳۲۸ در خانواده ای مرفه و مذهبی
- آشنائی با مسائل اجتماعی و سیاسی از طریق شرکت در محافل و مجالس مذهبی نظیر حسینیه ارشاد
- دانشجوی رشته مددکاری اجتماعی و آشنائ شدن با رنجهای توده های زحمتکش در جریان تحقیقاتی که در مناطق جنوبی شهر تهران می نمود
- آشنائی با سازمان مجاهدین خلق و سپس پیوستن بدان در سال ۵۱
- ادا مه فعالیت انقلابی و مخفی شدن در سال ۵۲
- کار آموزشی و سیاسی تشکیلاتی در درون کارخانه ها منجمله کارخانه داروسازی دکتر عبیدی ترقره زیبا و کفش ملی ...
- آشنائی با مارکسیسم لنینیسم و پذیرش آن در سال ۵۴
- ادا مه فعالیت انقلابی ، تا زمان شهادت در ۱۴ دیماه ۱۳۵۵ بدست مزدوران ساواک
فدائی خلق حسن شروزی
- تولد در ۱۳۲۴ در یک خانواده کارگری در محله راه آهن تهران
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی رفیق مسعود احمدزاده
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین عملیات نظامی و انقلابی علیه رژیم شاه خا شن و امپریالیستهای آمریکائی شرکت داشت
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران رژیم در منطقه لریستان به شهادت رسید



فدائی خلق حسن نوروزی

- تولد در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده کارگری در محله راه آهن تهران
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی رفیق مسعود احمدزاده که در سالهای بعد به مرکزیت سازمان ج.ف.خ.ا رسید .
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین عملیات نظامی و انقلابی علیه رژیم شاه خا شن و امپریالیستهای آمریکائی شرکت داشت .
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران رژیم در منطقه کردستان شهادت رسید
یکی از رفقای ما که در آن زمان هوادار سازمان چریکهای فدائی بود ، یادداشتی به مناسبت شهادت رفیق فرستاده و چنین مینویسد : "من در آن زمان از سمیاتیهای سازمان چریکهای فدائی خلق بودم و بار رفیق حسن از قدیم دوستی داشتیم بین سالهای ۵۱-۵۲ و تا چند هفته قبل از شهادت او راسی - دیدم و در قسمت تدارکات فعالیتهائی داشتیم . بیاد می آورم عشق عمیق او را به کارگران و زحمتکشان طبقه اش و بیسه آرمانش و سوبالیسم و کینه و نفرت طبقاتی او را نه تنها نسبت به رژیم و دشمنان خلق بلکه به رویزنیوتیستهای خائن کمینته مرکزی حزب توده (نمونه برخورد پدرش که در مقابل حرکت اپورتونیستی و خیانتکارانه مرکزیت حزب توده و وفار آنها ، از حزب جدا شده و در راه تداوم مبارزه شهید گشت ، برای او نمونه وفاداری به خلق بود) . بیسا د میآورم که رفیق مرزبندی انقلابی ای با رویزیونیسم و خروشچی داشت و همیشه رهبران رویزیونیست شوروی و برژنف را خائنین به طبقه



فدائی خلق یوسف زرکاری

- تولد در ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری
- برای امرارصا ش از او ان کودکی بدکارگری برداخت .
- در اوا خردهه ۱۳۴۰ با پیوستن به سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد
- در سال ۵۰ دستگیر شد و پس از یک سال آزاد گردید
- نویسنده کتاب "خاطرات یک چریک در زندان" که حاوی تجارب او در مقابل پلیس و نیروهای سرکوب - کر رژیم شاه است .
- در ۱۷ دیماه ۱۳۵۲ در یک درگیری در اصفهان به شهادت رسید .

کارگرها نی به سوسیالیسم و جنبش های آزادی بخش میدانست . و آنها را مورد تمسخر قرار میداد .
رفقای قهرمانی چون حسن ، مسعود احمدزاده ، حمید مومنی و ... مبارزه علیه سرما به داری را جدا از مبارزه علیه رویزیونیسم (رویزیونیسم خروشچی در آن زمان) نمیدانستند اما امروز در دنان ما زمان چریکهای فدائی خلق (اکثریتی) های خا شن (که با لمدادن برخون رفقای قهرمانی چون حسن می - خواهند بروشی برای خود دست و پا کنند ، نمیخواهند بداندند که این رفقا علیرغم کمی چریکی خود که انحراف از مارکسیسم است بسا رویزیونیست ها مرزبندی انقلابی داشتند و خا ضربه هیچگونه مصالحه ای با آنها ننموده اند
با دشمنان کرامی باد!

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

گزارشی از وضعیت آوارگان دربندرعباس

گزارشی که در زیر میاید بخوردی همه جا نبه به وضعیت نابسامان آوارگان اسکان داده شده دربندرعباس میباید که ضمن نشان دادن ماهیت کشیف رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات فریب - کارانه اش، شناخت جدیدی جهت پیشبرد ورهیری مبارزات برحق زحمتکشان آواره در اختیابار کمونیستهای بیکیفر قرار میدهند:

"در اولین روزهای آغاز جنگ ارتجاعی بورژواها و خرده بورژواهای مرفه مناطق جنگزده شهرها را ترک کردند که اینها را نمیتوان جزو آوارگان دانست. در ادامه جنگ قشر متوسط خرده بورژوازی نیز از شهرها رفته و در نقاط دیگری ساکن شدند. آخرین کسانی که شهرهای جنگزده را ترک کردند، کارگران و زحمتکشان بودند زیرا به علت نداشتن پس انداز قبلی و یا ترس از دست دادن کارشان قادر به ترک شهرها نبودند. اینان مصائب و فلاکت و بدبختیهای جنگ - ارتجاعی را چه زمانیکه در خانه و شهر خویش بوده و چه در زمان آوارگیشان بخوبی حس کرده اند. دربندرعباس هم وضع بهمین منوال است. زحمتکشان در اردوگاهها تنها نگردی (کوی ۲۲ بهمن) بطور دسته جمعی و در نقاط دیگر بمورت پراکنده جای گرفته اند و عده ای در بیابانها و دریاها و حتی کوچه ها میخوابند.

هیچکدام از مناطق که زحمتکشان در آنها جای گرفته اند برق ندارند و فقط اردوگاهها و جاهای نگردی آب لوله کشی دارند و آب مناطق دیگر را با تانکرها مین میکنند. تعداد آوارگان بطور دقیق مشخص نیست. استاندار میگوید آنها را تا ۱۵۰۰۰ نفر در سطح استان اعلام کرده است. البته استان داری برای اینکه از پذیرفتن آوارگان بیشتری خودداری نکند و با زیاده بودن آوارگان را دلیل عدم رسیدگی به آنها ذکر نماید از ذکر تعداد واقعی آوارگان سر باز میزند.

اردوگاهها تنها نگردی:

اردوگاهها تنها نگردی در ۸ کیلومتری مرکز شهر در جنوب غربی کنار دریا قرار دارد و دارای ۵۰ اتاق و ۶۲۰ جا در است. در هر اتاق یا چادر یک تا سه خانوار جای گرفته اند (بطور متوسط ۹ تا ۱۰ نفر). تعداد آوارگان اردوگاه در حدود ۱۰۰۰ نفر است. اغلب این افراد (حدود هشتاد درصد) کارگران (شهرداری - کشتیرانی آریا - آشیز کشتی و...) و بقیه از قشر پایین خرده بورژوازی میباشند. بیشتر آوارگان اهل خرده شهر و آبادان هستند.

بهداشت اردوگاه:

اخبار جنگ

اردوگاهدارای توالتهای بسیار کشیف و ۴ یا ۵ حمام میباشد. که حمامها بطور کلی غیر قابل استفاده شده اند. فضولاتی را که از توالتها بیرون کشیده اند در اطراف چادرها خالی کرده اند که انبوه مگسهای روی آن تا قلین اصلی بیمارها هستند. آشغال، مدفوع سگ، گربه و انسان در اطراف چادرها منظره ای غیر عادی است.

بیماریهای اسهال، استفراغ، آنفولانزا، چشم درد و... بسیار شایع است و تا تک بهداری و بهزیستی دکوری پیش نیست. خانم دکتر "مکتبی" در مانگاه اغلب بیمارها را به مراکز درمانی داخل شهر معرفی میکند. اکثر بیماران با پیدا روهای خود را از داروخانه های شهر خریداری میکنند. این خانم دکتر "مکتبی" از معاینه غیبی از زنان به بهانه نداشتن تخت معاينه و یا اینکه "بنتها مرد وجود دارد و صیغ نیست معاينه شویید" خودداری میکند. در حالیکه میتوان گفت هنگام معاينه مردها از اتاق بیرون بروند. برای اینان مکتب و اصول ارتجاعیها ن مهم است نه درد و رنج زحمتکشان! در تمام اردوگاهها شیر آب برای استفاده عموم وجود دارد که گاهی بخاطر شلوغی دعسواي مختصری هم بوجود میاید. زنان زحمتکش ظرفها را بخاطر نبودن ظروف شوئی با شن و ماسه می شویند که بدلیل غیر بهداشتی بودن کل محیط بسیار خطرناک است. با زهم مکتبی ها شعار میدهند: "الانظافته من الایمان!"

خواروبار:

بعد از آنکه غذای روزانه ای را که از طرف نیروی دریائی در اختیار آوارگان قرار میگرفت قطع کردند مقدار خواروبار رو کمی وسایل در اختیار خانوادها قرار دادند و قرار شد برای هر نفر ماهانه ۵۰ تومان بپردازند که این پول صرف خرید صبحانه، شام، نهار، سیب زمینی، پیاز، کره و روغن و آرد و موهه و سایر ضروری دیگر شود. به آوارگان گفته شده که با بیرون بردن زباله ها کوپن خواروبار دریائی آنها پیدا کند. اما در شهر هم به آنان میگویند چون شما آواره هستید بسا بسا از اردوگاه خواروبار دریائی گرفتید و در این میان مردم برای مدتها بی خواروبار مانده اند.

انتظامات اردوگاه:

انتظامات را عمدتاً با سازمان در دست دارد و آنها بیش از هر چیز موظفند که "غریبه ها" وارد اردوگاه نشوند تا تماس مردم با آوارگان قطع شده و مانع افشاگریهای آوارگان برای توده ها شوند. این با ساداران حتی بیظا هر برای

راهسائی و در واقع برای اطعیان بیسر تاز و اردین را تا اتاق و چادر مورد نظرشان همراهی میکنند تا در ضمن آوارگانی را که با بیرون تماسی دارند شنا سائی کنند. کمیته مسئول توزیع:

افراد این کمیته را مردم انتخاب نکرده اند بلکه از طرف رژیم به آنها مسئولیت توزیع خواروبار و سایر چیزها داده شده است. این مسئولین از زهم میدهند که مردم کمکهای خود را مستقیماً به آوارگان ندهند و این کمکها را بنام کمیته و هلال احمر بین آوارگان تقسیم میکنند. مسئولین از اینجا دیک رابطه عاطفی ما بیسن آوارگان و دیگر مردم و ارتقاء آن وحشت دارند. چندین شب پی در پی از انبوا خواروبار سرقت شده است و تقریباً همه مطمئن هستند که این کار افراد مسئول است. کارگری میگفت: "با دو چشم خود دیدم که پتوهای را که قرار بود به ما بدهند توپا زار میفروختند."

اوضاع افراد اردوگاه

- بچه های که به مدرسه نمیروند معمولا همیشه در خاک و شن با پایهای لخت بازی میکنند. - بچه های که به مدرسه میروند اگر همیشه سرکلاس حاضر شوند مثل بچه های خوب! در شان را بخوانند (البته بدون کتاب) میتواندند با بردن گواهی از مدرسه به آموزش و پرورش مبلغ ۲۰۰ تومان برای خرج تحصیلی یکساله دریافت کنند. - مردانی که میتواندند بچکنند و پسران بالای ۱۶ سال هیچ کوپنی دریافت نمیکند و رژیم ارتجاعی با اینکار قصد دارد که آنها را وادار کند تا به جبهه بروند. بهمین خاطر آنان از خواروبار چیزی که به بقیه خانوادها تعلق میگیرد استقا فده میکنند.

زنان زحمتکش آواره همه مسئولیت خانوادها را به عهده دارند. از بخت و بجز گرفته تا دریافت خواروبار و اتاق و... و چون درگیر با مشکلات هستند حالت تعرضی شان نسبت به مردان بالاتر است. زن زحمتکش میگفت: شوهرم کارگر شهرداری خرده شهر بود و حالا به بهبهان منتقل شده اند. پس از سه ماه کنار تازه ۲۵۰۰ تومان داده اند. ماده نفریم با این ۲۵۰۰ تومان چکار کنیم. اینها هم هیچ کمکی نمیکند. و میگویند: با پیدا اعتماد کنیم تا حقمون بگیریم. ۵۰ تومان نمیخواهیم با یسد بیشتر بدهند.

چندی پیش یکی از مسئولین کمیته با جانشین نما بینده ما مبه اردوگاه آمده و در مقابل اعتراض زنان زحمتکش میگوید: "اگر ما روزی ۱۰ تومن به هر نفر بدهیم در ماه میشود ۳۰۰ میلیون تومن و ما این پول را نداریم. هر کس به این

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

خانواده‌های سربازان مقتول در جنگ ارتجاعی، قاتلان فرزندانمان را نمی‌بخشند

شکشان بزرگ شود ما کشته‌بدهیم" و پدر سرباز قسم خورده بود که هر مشغولی را که دم دستش بود بکشد. اما فرد دیگری دریا سخ وی میگفت: "صبر- کن بزودی آنچنان به حساب آتانا خواهندرسید که دیگر برای من وتوفرصت باقی نخواهدماند" وزن دیگر که او هم کشته‌داد بود میگفت: "همه‌کارها را خودشان میکنند، برای کشتن خودشان برنا مه درست میکنند وخودشان میفرستند بعدا ز مردن هم حتی اجازة نمیدهند که ما زیر تابوت را بگیریم، خودشان زیر تابوت را گرفته و برای فریب ما اسم شهید رویش گذاشته وجسدرا دفن میکنند این وسط ما بدبختها هستیم که یک عمر با بداداغ بدلمان بماند"

روزی پنج تنبه ۲۵ آذر، جسد چند ارتشی و با سدارا که در جبهه دزفول و در جنگ ارتجاعی کشته شده بودند به طرف بهشت زهرا تشییع میکردند. رهبری مراسم در دست کمیته وسپاه پاسداران بود و یکی از آنها پشت بلندگو جمعیت را دعوت کرد که شعار "الله اکبر، خمینی رهبر را بدهند" ما برادر یکی از سربازان کشته شده جلو آمده وی گوید: "اینجا هم دست از عوا مفریبی برنمیدارید جوانهای ما را به کشتن داده اید و خودتان هم که حال میخواهید ما را زش کنید، دیگر از جان ما چه می- خواهد؟" چیزی که جلب نظر میکرد، عده ای زن و مرد کودک بودند که هیچ نسبتی با افراد کشته شده نداشته و عمدتا همانها هم بودند که شعارهای پاسداران را تکرار میکردند، در شب سویم آنها، افسری که شا هد کشته شدن آنها بوده، می گفت: "بی نظمی در ارتش در اوج خود است و زبا دفر به میخورد و خیلی پراکنده است، روجه پرسنسل ارتش برعکس آنچه که میگویند خیلی خراب است" و میگفت: "وقتی دولتی مردم را پشت سر خود ندانسته باشد نمیتواند پیروز شود همه از شهرها رفته اند، برایستی مادر سربازی که کشته شده بود به همراه ناسازی - گفت: "تقصیر ما چیست که آنها قدرت میخا هندتا

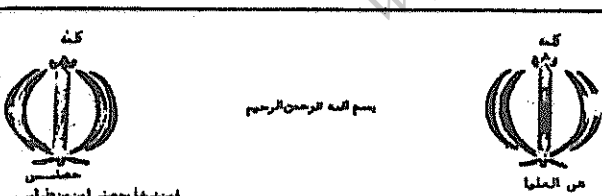
رژیم فدخلقی با بر ا ه ندا ختن جنگ ارتجاعی از یکطرف زحمتکشان را و آواره میسازند و از طرف دیگر فرزندان زحمتکش را به گوشت دم-توب سرما به داران تبدیل مینماید، اما هر روزی که از ادا مه این جنگ ارتجاعی میگذرد توده‌های زحمتکش بیشتری به ما هیت رژیم برده و حقا نیت حرفهای کمونیستها بیشتر برایشان اشبات میشود!

۵۰ تومن اعتراض بکنند خدا انقلاب وستون پنجم است و میتوا نیم همین جا تیر با را نش کنیم". آری رژیم فدخلقی وسردمدارانش میتوانند ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه صرف کنند اما نمیتوانند وضع رفاهی آوارگان را درست نمایند، مردم میگویند چه بگوئیم؟ به چه کسی شکایت کنیم، همشون دزدند، یکی از زنان زحمتکش خطاب بوی میگفت: "شما که نمیتونین به جنگ زده ها برسید چطور میگویند که ما دایم تا بیست سال بجنگیم" پیر مرد زحمتکشی میگفت: "بله معلومه که وضع اینطور نیماند، مردم بلند میشوند، جنگ میشه، انقلاب میشه و خلاصه ایسن دولت سرنگون خواهد شد."

رویزویونیستهای خاش اکثریت وتوده انبهای مزدور همبای ارگانهای دولتی و حتی گاهسی جلسواتر از آنها، سعی در فریب آوارگان دارند، آخر بقول رفیق لنین رویزویونیستها نوکسر بورژوازی هستند و بیشتر از خودا وبه وی خدمت میکنند، هوا داران اکثریت با رنگ زدن اتاقها و کمک به هلال احمر و کمیته سعی در حفظ نظم و آرامش و فریب آوارگان دارند، آنها مدام در گوش آوارگان میخوانند که حرفهایتان را به ما بریزید، خودمان هر کمکی که بخوا هید میکنیم لازم نیست به دیگران بگوئید، ما واکیها بیسن شما میا بیند و فریبتان میدهند، به حرفهایشان گوش نکنید... بیشتر می و خیانت برای رویزویونیستها حدی ندارد، زن زحمتکشی دریا سخ به این خاشنین میگفت: "آمدند روضه شونو خوانند و در وقت دولی ما رنگ کمکهای بیدریشان را ندیدیم!"

اکثریتی ها برای اینکه رژیم فدخلقی توبه اشان را ببذیرد از هیچ خوش رقصی کوتاهی نمیکند، براستی که آنها چقدر نفرت انگیزند.

گرفتن تعهد برای جلوگیری از فرار داوطلبین بسیج



بسم الله الرحمن الرحيم

با اهدای این برگه به مسئولین

اینجا نام، شماره شناسنامه، شماره از، شهرت، فرزند، سال و محل تولد

- ۱- در هنگامه الله ویا هرگز مرصا له طه وگه تعهد میکنم که قرآن کریم سوگند میخورم که بفساد تعهد خویش بخرج نریزم تا بم.
- ۲- حد اقل در راه در منطقه جنگی باشم.
- ۳- هر جا و هر جبهه ای که ستاد عملیات آباد، اورشیرشیرتعمین و ابلاغ نماید ستاد و ابلاغ مانتسه مایه بیت محل خود را از آنجا نکم و تعهد میکنم که ابیح اوامر سرگزیده و فریاده عود باشم و در تمام مدت حضور در منطقه انضباط و مقررات را قاعده ای رعایت کنم.
- ۴- در صورت تعهد و سبب و هر امر دیگری که مامورین مقومین پاک سربازانله و سربازان اسلام است با اکثر به جبهه بهمت تمام طبق مقررات زمان جنگ در راه انگاه انقلاب اسلامی بماند پاک نظامی سناکمه عزم.
- ۵- گبه فداام جنگی و فرزندم را که از امان من جنگ و یا هر جاد دیگری است مأورم در حال رسیدن به متحول بنام.
- ۶- اولاً از جبهه‌ها و ریزان که در اختیار من گذارده میشود بتموایم نگه دارم و در تمام مس پس از اتمامه مایه بیت و هنگام محنت از منطقه در حال رسیدن تحول سرفروین من بر طه تمام که در جنگ بین اسلام و کفر و اعدای براد زان سلمان در بگرفراگزرد.

فان الله اعلم بالصواب

اسم و شهرت و امضاء

داوطلبین اعزامی از طرف بسیج "به جبهه های جنگ که ا غلبان را عناصر رتاه و جوانان کم سن تشکیل میدهند پس از دیدن واقعات جنگ خاشمان برانداز و نیز کشته و مجروح شدن عده زیادی از آنان شروع به فرار از جبهه های جنگ نمودند به همین جهت اخیرا از آنان تعهد کتبی گرفته که خدا قل دوما ه در هر جبهه ای که "ستاد عملیات آبادان و خرمشهر تعیین نما بدیمانند و بنده این تعهدنامه نیز جالیست از آنها خواسته میشود که کلیه غنا شم جنگی و غیر جنگی را که از میان دین جنگ ویا هر جای دیگر بدست میا ورنده مسئولین تحویل نمایند، آ یا غنا شم غیر جنگی که جای دیگری از میان دین جنگ بدست می آمده جزا موال و انا شیه مردم آوار ه جنگ است که از خانه های آنها چپا ول می - شودا بین سند در واقع "جازه - نام" چپا ول وغارت اموال مردم جنگ، زده نیز هست!

فرار نظامیان از جبهه جنگ ارتجاعی

سربازانی که در خط مقدم جبهه جنگ ارتجاعی هستند بعدا از یکماه خدمت به یک مرخصی یک ماهه فرستاده میشوند که طی آن استراحت کرده و آمادگی مجدد برای جنگیدن در خط مقدم جبهه پیدا نمایند، طبق مقررات رسیده پیش از ترمیمی از این افراد پس از مرخصی یک ماهه دیگر به جبهه باز نمیگردند، برای مثال نسیمی از سربازان "گودان امید" که یکی از واحدهای ارتش جمهوری اسلامی در جنگ فعلی میبنا شد پس از انتقال به پیشست جبهه در مدت مرخصی فرار کرده و دیگر بازنگشته اند، هر چه جنگ ارتجاعی فعلی ادا میا بهیست سربازان و در جده داران جزء ارتش به ما هیست رژیم بیشتری برده و با افشای فرماندهسان مزدور خود، از شرکت در جنگ ارتجاعی رویگردان میشوند، آنها بی میبیرند که گوشت دم-توب سرما به داران هستند.

پای صحبت آوارگان زحمتکش

در پی ادامه جنگ ارتجاعی و فشار روزافزون رژیم به توده‌های آوارهای صحبت عدای از آنان می‌نشینیم حرفهای این زحمتکشان ماهیت رژیم ضد خلقی را هر چه بیشتر برای توده‌ها افشا میکند
یکزن زحمتکش عرب ساکن ماهشهر:

سؤال : از کجا آمده‌اید؟
جواب : از "طره" نزدیک آبادان
سؤال : مقامات محلی چه کمکی تا بحال شما کرده‌اند؟
جواب : تا اینجا نه ما موری و نه کسی سراغ ما آمده و نه هیچگونه کمکی به ما کرده‌اند.
سؤال : مثل اینکه پیرو و سایل دیگر به شما میدهند؟
جواب : فریادت بگردد، بنحاه، نصت تاپتو

می‌آورند و میخواهند به این همه جنگ زده بدهند، آخر به کجا میرسد؟ هر روز و شب از دیو میشنوم که اعلام میکنند: ۲۰۰ تا ۳۰۰ پیرو چیزهای دیگر به مناطق جنگ زده برده شده است ولی مثل اینکه آب میشود و به زمین میرود. مگر ما جنگ زده نیستیم پس چرا این همه کمکها چیزی به ما نمیرسد؟
سؤال: در جنگ چه صدماتی دیده‌اید و فکسر میکنید آیا دولت حاضر است برای شما کساری انجام دهد؟

جواب : با غنا و نخلستانهایمان تمام ما از بین رفت و همه دارائی ما را از دست داده و آواره شده‌ایم. دولت باید به مردم کم بدهد، و بعد از جنگ به ما پول بدهد تا خانه و وسایل دیگر را که در جنگ خراب شده‌اند، دوباره بخریم ما با بلاهایی که تا حالا سرما آورده، فکر نمیکنم کاری برایشان انجام دهد.

آری زحمتکشان آوارها در هر تجربه درمی - با بندگانه تنها رژیم زبیا سخ به خواسته‌هایشان ناتوان است بلکه پاسخ مبارزانشان را با سر - کوب و کشتار روزندانی میدهد.

"زحمتکش آوارهای کمک پایش آسیب دید ما است"

سؤال : اهل کجا هستید؟
جواب : آبادان
سؤال : الان در کجا بسر میبرید؟
جواب : در شادگان، ۱۹۰ سرعانه هستیم که در یک اتاق زندگی میکنیم.
سؤال : دولت تا بحال چه کمکی به شما کرده؟
جواب : چندین بار به فرمانداری رفتیم و گفتیم که چا درمها بدهید، آخر هم تدا دند، تسازه

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

آوارگان بروجرد فریاد بر آوردند: شماره آواره نان، مسکن، آزادی

عده‌ای از جنگ زدگان مستقر در مدارس که حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر میشدند، مقابل فرمان - داری شهر اجتماع کرده و در حالیکه شعار میدادند نسبت به وضع خود طرح انتقالاتی به "جبرفت" اعتراض نمودند، تظا هر کشتندگان با روحیه‌ای ترضی شعار میدادند:

فرماندار رفاری احضار باندگردید!
ما از بروجرد شمیریم، حتی اگر شمیریم!
شعارها و آوارها ن، مسکن، آزادی!
شورا های واقعی، میان آوارگان ایجاد باید گردید!
تا خون در رک ما ست، مدرسه مسکن ما ست!
خوزستانی بیدار است، از تو طشه بیزار است!
آوارگان قیام کنید، از حق خود دفاع کنیم!

تعداد آوارگان و انبوهی از ساکنین بروجرد که به منظور حمایت از تظا هر کشتندگان دور آنها حلقه زده بودند، هر لحظه بیشتر میشد. آوارگان سپس در خبا با نهایی اصلی شهر شروع به راه هیمائی نمودند، مسیر را هیما یا ن بسوی خانه آیت الله نجفی نماینده اما موبود، شعارهای "اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" و "نان، مسکن، آزادی" در بین راه، مقامات مسئول شهر و پاسداران آیت الله نجفی را بوحشت انداخته بود، آنها از وحشت حرکت انقلابی آوارگان به آنها قول دادند که به خواسته‌های آنان عمل کرده و آوارگان در همان در مدارس مستقر باشند، توده‌های زحمتکش با وجودیکه تظا هرات پیروز -

مندانهای را آزموده بودند، لیکن به قولهای آقا یان چندان خوشبین نبودند و به همین خاطر نیز هنگامیکه پراکنده میشدند تظا هرات روز بعد را کذا شدند.

یکشنبه ۵۹/۹/۲۳ - تظا هرات آوارگان که این بار از میدان شلوغ و بیرفت و آسودی آغا زده بود، گسترده تظا روز قبل بود و وسیعاً از جانب زحمتکشان بروجرد مورد حمایت قرار داشت. بلاکهای یکپارچه و شعار "نان، مسکن، آزادی" شهر را به هیجان آورده بود و دستجات حزب الهی و فلالانها را لرزاند، آنان که آمده بودند تا ما نند همیشه به صفوف تظا هر کشتندگان حمله نما بندگان تظا هر کشتندگان خود را از اینها ده - روها نزدیکتر بکنند، و در مقابل شعار "اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" ترسیده و تکبیر میگفتند.

هنگامیکه جمعیت به نزدیکی فرمانداری رسید دستجات ضد انقلابی حزب الهی قوت قلب گرفته و به صفوف تظا هر کشتندگان حمله ور شدند و وحشیانه با چماق و کلوله‌های برقی به تظا هر - کشتندگان یورش آورده و شعار میدادند: "لرستان را گورستان بیکاری و خوزستانی میکشیم!" آوارگان جنگ و همچنین مردم مبارز بروجرد از این اقدام ضد خلقی و وحشیگری ارتجاعی بخشم آمده بودند، در همین حین یک کامیون پلیس به حمایت از فلالانها وارد میدان میشوند، آنها گرچه صفوف تظا هرات آوارگان جنگ غیر ما دلانه را تظا هر کشتندگان، لیکن این دوروز نبرد توده‌های ستمدیده، قدرت یولادین و همبستگی عالی آنان را به نمایش گذاشت اما چهره پلیدی و ما هیت ضد خلقی رژیم را با ردیگر به توده‌ها شنا ما نند و انتقال و تبعید آوارگان (حداقل برای یکدوره) را به عقب انداخت.

"به نقل از فریاد آوارگان شماره ۸
۱۴/۱۰/۶۱ با اندکی تلخیص و تغییر"

جواب : هیچی، چندی پیش مقداری پتسو آوردند و به هر خا نواده یکی میدادند حالا میخواست ۱۰ نفر با شنیدیا ۲۰ نفر

سؤال : نظرت راجع به جنگ چیست؟
جواب : اگر دیوانه‌ها شمی جنگم، برای چه جنگم؟ اگر جنگ کنم مجبورم خانه‌های مردم عراق را خراب کنم آنوقت آنها هم مثل من آواره میشوند، اگر اینها با صدا دشمنی دارند به من چه چرا من باید بدبختیش را بکشم تا آنها راحت بخورند و بخوابند.

اینها مشت است از خوراکی که نه‌های طبقاتی آوارگان زحمتکش با شدت روزی شعله‌ها پیش ریشه و بنیان سرما به داری را از این کشور براندازد.

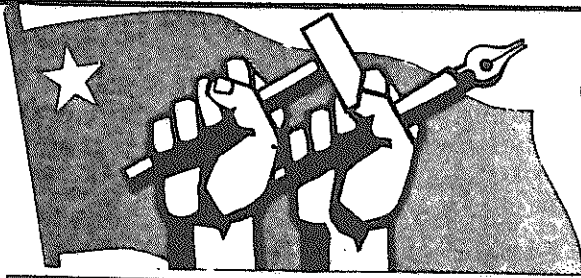
هر روز به ما حمله میکنند خود می بینی (اشاره به پای آسیب دیده‌اش میکند)، معلوم نیست این همه کمک که به ما میشود کجا میرود، اگر حرفی هم بزنیم میگویند ضد انقلابی، به نفع صدام تبلیغ میکنی، عرب هم که هستیم و او ایلا

"زحمتکش دیگری چنین میگوید"

سؤال : اهل کجایی؟
جواب : آبادان
سؤال : کی به ما شهر آمده‌ای؟
جواب : حدود بیست روز قبل از شادگان آمده‌ایم
سؤال : دولت چه کمکی به شما کرده است؟

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

هنرمقاومت هنرپرولتری



تفنگهای فنه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی

چهارشنبه شب گذشته نماینده "تفنگهای فنه - کارار" از تلویزیون پخش شد. مورد استقبال توده های وسیع مردم قرار گرفت. در همین حال رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد با نمایش این نماینده در تلویزیون بنا درست آنچه را که نماینده ما مورد بررسی قرار میدهد (برخورد فنه کارار به جنگ انقلابی میهن پرستان اسپانیا علیه فاشیسم، ژنرال فرانکو) با جنگ ارتجاعی کنونی رژیمهای ایران و عراق یکسان جلوه دهد و بدین سان "بی تفاوتی" و آنجا را مردم آگاه میهنمان را در قبال جنگ محکوم نماید.

از اینرو ما ضروری دیدیم برای افشای اینگونه تبلیغات مسموم کننده و بهره برداری نا جوانمردانه از آثار انقلابی به نفع خویش و در همین حال دفاع از هنر انقلابی - پرولتری این نماینده ما را مورد بررسی - هر چند کوتاه - قرار دهیم.

تفنگهای فنه کارار: اثر برجسته "برشت" تا پیشا منویس کمونیست آلمانی .

برتولت برشت، شاعر، نویسنده و بزرگترین نماینده نویس کمونیست آلمانی همسواره در آثارش تکامل و تنفیر فاشان را بررسی می کند. پیشا می دهد که انسان "عادی" چگونه در جهان مبارزه طبقاتی تا گزیرا از تعیین جایگاه خویش است. و چرا و چگونه باید علیه نظم فاشان انقلابی حاکم بر خیزد. چه رکن به بها نه حفظ صلح و آرامش به نظم موجود تن دهد، تنها به تسلاوم اسارت و بردگی خویش کمک نموده است. برشت با بینش عمیق طبقاتی خود، چهره گریه تفکرات بورژوازی "انسان دوستی"، "حفظ آرامش" "مفکر خوب شدن بودن" و... را در دیده و نشان می دهد در پس جملات عوام فریبانه و انسان دوستانه بورژوازی، کدام منافع طبقاتی خوابیده است و همچنین نشان می دهد که چگونه مذهب بعتسوان وسیله ای برای حفظ وضع موجود، جلوگیری از "خشونت" و با زدا شدن از مبارزه در خدمت ستم - گران قرار میگیرد. برشت همواره "بیطرفی" را محکوم کرده و خواهان بیان مریخ موضعگیری طبقاتی انسا نه است (۱). تفنگهای فنه کارار نیز یکی از برجسته ترین آثار برشت است که

انداخته اند. نمیتوان و نباید با جنگ علیه این آدمگان مخالفت نمود و موضع بیطرفی اتخاذ نمود. و برای بزانداختن جنگ و خونریزی، لازم است که منشاء آن یعنی ستمگران را برانداخت. او از اینکه فنه کارار اینگونه پس از مرگ شوهرش تغییر موضع داده است، متحیر و متاسف است. فنه کارار تنها توسط اهالی و برادرش تحت فشار قرار نداد، بلکه فرزند کوچکش نیز او را تحت فشار قرار میدهد و خواهان رفتن به جبهه و جنگیدن بر علیه فاشیستهای تاج و زگرودفاع از انقلاب و آزادی مردم اسپانیا است. فنه کارار، حتی از جانب نا مزدخوزه، فرزند بزرگش نیز تحت فشار قرار میگیرد. چه نا مزدخوزه حاضر نیست نا مزدکسی با شکره در جبهه نبرد طبقاتی حاضر گردد. در کیرتین فاشیستها و انقلابیون به ما هیگیری مشغول است و به منظور اعتراف حتی نا مزدی خویش را در غیاب خوزه بهم میزند.

فرزند کوچک و برادر فنه کارار معتقدند که اگر خوزه از ما هیگیری برگردد، حتما به جبهه خواهد رفت و این "فنه کارار" را سیارارد. تنها همدم و هم نظر فنه کارار را کشیش "صلح طلب" ده است. که او نیز حاضر به رفتن به جبهه نیست. چه "راشاد" و "تیا بی" را از جنگیدن در کنار انقلابیون بر علیه فاشیستها مهمتر میداند! او نیز اولا با جنگیدن مخالف است! البته همین لحاظ شدیداً مورد تنفر و تمسخر فرزند و برادر فنه کارار قرار میگیرد. فنه کارار با لاف میفهمد که برادرش برای گرفتن تفنگها به پیش او آمده است و از اینرو شدیداً مخالف است. می کند فرزند کوچک فنه کارار، ما در راه تهدید می کند که به همراه او می آید به جبهه خواهد رفت. فنه کارار برادرش را مورد لعن و نفرین قرار میدهد که "آرامش زندگی او را می خواهد بهم زند و او که مخالف آدمکش" است. حاضر به تحویل تفنگها به برادرش و اعزام فرزندش به جبهه نیست. چه او با تجربه ای که از مبارزه شوهرش دارد، معتقد است که با بدگلیش را از آب بیرون بکشد و معتقد است که اگر کاری به کار "درگیر بشد" فنه کارار شده است و از دست ژنرالها در امان خواهد ماند! فرزند و برادر فنه کارار او را شدیداً تقبیح کرده و این عمل را به معنی پذیرش بردگی و سکوت در برابر ظلم و جناحیت ژنرالها را همدستی با فاشیستها میدانند. چه آنها معتقدند که در قبال چنین جنگی که بین انقلاب و ضد انقلاب در گرفته است، نمیتوان و نباید بیطرف باقی ماند. عدم کمک به انقلابیون، عملاً خدمت به ضد انقلاب است و نظر فنه کارار را که خود را مخالف ژنرالها میداند، اما حاضر به مبارزه با

این حقایق را با زگو می کنند. نماینده فنه کارار، تصویری است از اوضاع جنگ انقلابی میهن پرستان مترقی و کمونیست بر علیه فاشیست های اسپانیا بی رهبری ژنرال فرانکو.

فاشیست های متجاوز می کوشند حکومت جوان جمهوری اسپانیا را ساقط نموده و حکومت فاشیستی فرانکو را برقرار نمایند. آنان توانسته اند بخشهایی از اسپانیا را از تصرف انقلابیون خارج کرده و وحشیانه ضمن قتل عام میهن پرستان اسپانیا میکوشند باقی مناسط تحت نفوذ جمهوری خواهان را به تصرف در آورند. فنه کارار از زحمت کشی است که شوهرش از زمره میهن پرستان بوده و در جبهه نبرد با فاشیستها از پای در می آید. "کارار" که در دوران حیات شوهرش فعالانه به میهن پرستان کمک میکرد، پس از مرگ شوهرش دچار رتس و نومبندی شده و بجای شدت بخشیدن به مبارزه در جبهه جنگ "ملاح خویش" را در دورنگاه داشتن خود و فرزندانش از شرکت در جنگ می بیند.

آغاز صحنه، فنه کارار و پسر کوچکترش را نشان میدهد که مراقب دریا بوده و "خوزه" برادر بزرگ خود را که مشغول ما هیگیری برای تامین زندگی شان است می باید. فنه کارار در نتیجه جنگ فرزندانش را از دست دادن به جبهه منع کرده و فرزند بزرگش را به شکار ما هیگیری میفرستد! و بهمین دلیل در روستای خویش در نزد ما موغاص انگشت نما شده و مردم ضمن تقبیح عمل فنه کارار آنان را بطرق گوناگون مسخره میکنند. برادر کارار نیز راه دوری را پیموده است تا خود را به فنه کارار برساند و تفنگهای شوهر شهید کارار را به دست آورد و از آنها برای جنگ علیه فاشیستها استفاده نماید. چه او فردی انقلابی و میهن - پرست و عضو ارتش ملی جمهوری خواهان اسپانیا (میهن پرستان) است. اما می بیند که فنه کارار خواهان "دور بودن" از این درگیریها است و تنها به حفظ حیات خویش و فرزندانش می اندیشد. چه او با جنگ و آدمکشی مخالف است! اما برادر فنه کارار نظرات او را رد کرده و معتقد است که در حالیکه فاشیستها، به خونریزی مردم زحمتکش مشغولند و آنان که جنگ و خونریزی را بر

(۱) - بررسی آثار رواندیشه برشت که از اهمیت والایی برای طبقه کارگر جهان در بیان هنر پرولتری برخوردار است در حوصله این مختصر نمیگنجد. دوستاران هنر پرولتری میتوانند برای شناخت بیشتر آثار رواندیشه برشت به کتاب زندگی گالیله (مقدمه آن) و سایر آثار برشت رجوع کنند.

هواس ارتجاع از کتابهای انقلابی

با اعتلا جنبش توده‌ها و نقش نیروهای انقلابی و کمونیستی و انتشارات آگاهی بخش در اوچگیری جنبش و آگاهی توده‌ها، هراس و وحشت رژیم تا بدرجه‌ای رسیده که تحمل چاپ و انتشار کتابهای کمونیستی و انقلابی را نیز ندارد. سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در این مورد بیرونی‌ها و گوناگون از جمله یسور ش مسلحانه به چا پخانه‌ها، توقیف کتابهای انقلابی، یورش به کتابفروشی‌ها و جمع آوری کتابها، دستگیری وزندانی ناشرین و کتابفروشی‌های مترقی و... اعمال میشود. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که شب و روز از "مکتب انقلابی" خود دم میزنند و میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان را به اشتراک آرا ارتجاعی و عقب‌گرا اختصاص داده‌ها جمع آوری و توقیف کتابهای مترقی و... عجز و توانی خویش را در مقابل ادبیات انقلابی و کمونیستی بنمایش میگذارد. در ادامه این سیاست، قشرون مرتجع اخیرا اقدام به توقیف محموله‌های از آثار لنینیست در گمرک نموده‌ها و آنها را همراه با انبوهی از کتابهای انقلابی و کمونیستی که از چا پخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و انقلابیون در بند به غسارت برده‌اند به کارخانه‌ها کارتن سازی میدهند که آنها را خمیر کرده و به مصرف تولید کارتن ایبرسانند. طبق قرارداد دی، مرتبا اتومبیل‌های کارخانه کارتن سازی، کتابهای توقیف شده را از زندان اوین به کارخانه منتقل میکنند، آنها را با نور و منع انتشارات انقلابی توانست رژیم محمد - رضا شاه را از تلاشی برهاند که زعمای رژیم جمهوری اسلامی بدنبال کردن همان سیاست به روشهای دیگر پرداخته‌است. جرقه‌های آگاهی را به توقیف و "خمیر کردن" کتابهای انقلابی و کمونیستی نمیتوان خاموش ساخت.

شکنجه به شیوه جلادان ساواک

در ماه گذشته (آذرماه) با ساران، بیسک انقلابی کمونیست را به تنگام مسافرت به با بل بین راه تهران - با بل، به علت داشتن اعلامیه کومه له دستگیر میکنند. با ساران سرما به بعد از کتک زدن مفصل این انقلابی‌ها و در روزها زانودر آب نگی می دارند. بعد از چند روز باز دو نفر از مزدوران او را گرفته و با سارا دیگری با قنداق تفنگ آنقدر به شکم او میزنند که رفیق انقلابی نیمه جان میشود. اما شکنجه‌گران جمهوری اسلامی سیر نشده و با شنه‌های او را با سیخ طوری داغ میکنند که شدیداً آسیب میبیند و ایستادن را برای آن انقلابی دشوار میسازد.

کوشش فردی هرکس برای نجات خویش بلکه توسط مبارزه اجتماعی زحمتکشان برای رهایی اجتماعی تحقق خواهد پذیرفت. با زیگمندان نمایش "تفنگهای شنه‌کارار"، نتوانسته‌اند، آنچه برشت بصورت انقلابی و دیا لکتیکی و بصورت زنده تصویر میکنند، به اجراء آورند، به همین دلیل اجرای این نمایشنامه بزرگ، از بازی بسیار ضعیفی برخوردار بوده و نمیتوانند آنچه را که برشت میخواسته‌است بگویند بصورت زنده و طبیعی نشان دهند. این است که تغییر برشت و تکامل شنه‌کارار بصورت "ممنوعی" و غیرمنتظره برای تماشاگران جلوه‌گر میگردد. شاید علت آن بوده‌است که اصولاً کارگردان و گردانندگان این نمایش هدف دیگری را از این تئاتر دنبال می نموده‌اند و بهمین دلیل برجسته شدن مسئله اصلی مورد توجه برشت یعنی تکامل و تغییر برشت نظرات و شخصیت انسان در عرصه مبارزه طبقاتی مورد "کماعتناشی" قرار گرفته‌است. واقعیت چنین است

رژیم جمهوری اسلامی و چا کران رویزیونیست آنها، با تسلیفات کرکننده شان میکوشند جنگ ارتجاعی کنونی را جنگی انقلابی، برحق و بر - علیه امپریالیسم جلوه دهند! وتوده‌های زحمتکش را به شرکت در چنین جنگی دعوت کنند. رژیم جمهوری اسلامی با نشان دادن این نمایش کوشید تا جنگ ارتجاعی کنونی را همان تندجنگ انقلابی کمونیستها و میهن پرستان اسپانیا بر علیه فاشیستها جلوه دهد و از چا که بیطرفی در چنین جنگ انقلابی و عادلانه‌ای بر علیه ستمگران امکان پذیر نبوده و عملاً صحنه گذاشتن بر حاکمیت ستمگران است، بهمین ترتیب عدم شرکت توده‌های زحمتکش در جنگ ارتجاعی کنونی را خدمت به ضد انقلابیون عراقی و نمود کرده و آنرا محکوم نماید! و بدین ترتیب با نشان دادن چنین نمایشی، ضمن سرزنش توده‌ها، آنان را به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی ترغیب نماید. اما تلاش رژیم جمهوری اسلامی با شکست روبرو خواهد شد. چرا که اولاً توده‌های ما هرگز بهره برداری فریبکارانه جمهوری اسلامی از جنگ انقلابی خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم و مقابله آن با جنگ ارتجاعی کنونی را نخواهند پذیرفت. عدم شرکت در جنگ انقلابی خلق اسپانیا، خیانت به انقلاب و شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، تنها هیزم کش جنگ افروزان شدن است. ثانیاً مردم مادر قبال این جنگ نیز بی تفاوت نمائند و اگر موضعگیری انقلابی در آن جنگ، شرکت در جنگ انقلابی بود، موضعگیری انقلابی در قبال جنگ کنونی، تلاش برای تبدیل آن به جنگ داخلی و سازمان دادن مبارزات بر علیه جنگ کنونی است. نمایش تفنگهای شنه‌کارار علی‌رغم میل سردمداران رژیم، با ردیگر نشان داد که کمونیستها، شرکت در جنگ انقلابی و عادلانه را وظیفه کلیه انقلابیون و مردم زحمتکش دانسته و برخلاف لیبرالهای ملح طلب مخالف هرگونه جنگی نیستند.

اویزیونیست را، خطا میسازند. آنها نمیتوانند شنه‌کارار که صد البته فرد زحمتکش و نیک صفت و انسان دوستی است، قانع کنند که بیطصرف نمیتوان ماند و خود را از نتایج این جنگ طبقاتی برخوردار نگاه داشت. اما نبرد شوخی ناپذیر طبقاتی، چا معرکه دو قطب تقسیم کرده و افرادی چون شنه‌کارار، نیز علی‌رغم "ملح طلبی" و "بسی - طرفی" اش، در زینت بیت ستمگران خرد خواهد شد. اما اگر شنه‌کارار از این سخنان را به گوش نمیگیرد و از آن نمی آموزد، تجربه‌های تلخ لیکن گرانبار مبارزه طبقاتی این حقایق را به او میا موزد چه ناگهان نمش فرزندش خوزه را که مشغول ماهی - کپری بوده‌است برای او میا ورنند. او میببیند که چگونه فرزندش که در جنگ شرکت نکرده‌است، در قربانی جنایات فاشیستها گردیده‌است. او در ابتدا میببرد که چرا فرزندش را که در جبهه شرکت نداشته و تنها مشغول تلاش برای تامین لقمه نان نبوده‌است اندو جواب می شنود که دشمنان، حتی از محاکمه او خودداری کردند و بی هیچ سوال و جوابی او را اعدام نمودند. بدین ترتیب شنه‌کارار در عینیت مبارزه طبقاتی می بیند که تلاش او برای دور بودن از نتایج نبرد طبقاتی چا مع و حفظ جان خود و فرزندانش خیالی بوج و بی محتوا بوده‌است. سپس به درس آموزی از تجربه کمر همت می بندد و ضمن تحویل تفنگهای فرزند و برادرش، خود نیز پیشتر زنده و در مقابل سوال آنها که: "تو کجا میا میی؟" میگوید: "من نیز به جبهه میا می". و نمایش پایان میگیرد!

اهداف پرشت و اهداف جمهوری اسلامی!

نمایشنامه در هم شکننده توهما توده‌های زحمتکشی است که در قبال نبرد طبقاتی بیسک انقلاب و ضد انقلاب می بندند، می توانند خود را کنار کشیده و از مخممه‌ها در مان با شنه و کلیم خود را به تنه‌های از آب بیرون بکشند. "انهم بدون درگیر شدن با ستمگران تاریخ که آفریننده این مخممه‌ها، جنایات و بدبختی‌ها بیسک برای زحمتکشان هستند، تفنگهای شنه‌کارار "تسوری بوج موضع ما و راه طبقاتی و بیطرفی را در مبارزه افشا کرده و نشان میدهند که مخالفت با جنگ علیه ضد انقلابیون به بهانه "ملح طلبی و مخالفت با آدمکشی" تا شید عملی جنایات آنان و پذیرش حاکمیت آنان است. بدین ترتیب لیبرالیسم پوسیده "انسان دوستانه" مورد هجوم قرامسی - گیردوار انسان زحمتکش و انقلابی و نبرد انسان بر علیه انسان جنایتکار ستمگر دفاع میشود. "تفنگهای شنه‌کارار" بیان تکامل و تغییر برشت انسانی است که این حقایق را در پروسه مبارزه طبقاتی درک کرده و به بوجی "بیطرفی" پی برده و با لآخره نجات خود را در قرا گرفتن در صنف انقلاب و کوشش برای نجات زحمتکشان و توده - های انقلابی دیده و همت میکنند که خود در جایگاه انقلابیون و زحمتکشان قرا ر بگیرد. بیاننگر و واقعیت مسلم عصر ما که "نجات انسانها" نه در

ساواکیها در زندان: جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

پره سر (هشتپر)

توده ها گروه ضربت را خلع سلاح کردند!

از چندی پیش عنصر مرتجعی بنام "حاج کریمی" که قبلا همراه او روسته "صدر" - ساهاکاری "انجمن اسلامی چوکا" در شنا سائسی عناصر انقلابی و بهم زدن جلسات و شوراهای کارگران شرکت میکرد، از طرف خلخالی جلاد ما مورایجادیک "گروه ضربت" شده و به دستگیری و شکنجه و آزار انقلابیون و زحمتکشان منطقه می پرداخت.

این با تدریج و مسلح با تهدید و ارباب و بهانه کمک به جنگ زدگان مبلغ ۲۰ هزار تومان از اهالی جمع آوری میکند. آنها بجای کمک به آوارگان جنگ به کمک عده ای از اواباشان زمان شاه نظیر پسرکمالی (زمنندار بزرگ منطقه) دبیرستان یورجفیری را به زور تمام حب کرده و تبدیل به زندان "گروه ضربت" مینماید. "حاج کریمی" مقداری از پول را صرف هزینه های این زندان "کرده و با بقیه برای خود تومبیل میخرد. وی شب چهارشنبه ۲۶ آذر دو باره بسا جمع کردن گروهی از مردم و بازاریان با زور و تهدید ۳۰ هزار تومان پول میگيرد و از آنها می-خواهد که هر ماه بین ۱۵۰ الی ۵۰۰ تومان برای مخارج گروه ضربت پرداخت نمایند و از زندان و در انتظارشان خواهد بود. مردم زحمتکش منطقه که از زورگوشی ها و اجافات این گروه ارتجاعی به ستوه آمده بودند روز شنبه ۲۹ آذر در مقابل شهرداری متحمن میشوند. مقامات رژیم برای سرکوب این تحمن ارگانهای سرکوبگرش را بسیج مینماید و در رئیس پاسداران هشتپر، فرماندار و معاون استاندار همراه عده ای پاسدار "به پره" - سر میآیند. در ابتدا ما موربین رژیم میکوشند با علم کردن "جنگ" جنبش اعتراضی توده ها را از هم بپاشند. یکی از پاسداران چوکا مردم را تهدید کرده و با فحاشی به نیروهای انقلابی و اینکه "تحصن گناه است" اسعی مینماید مردم را متفرق سازد ولی یکی از دهقانان زحمتکش حرفهای قلندر منشا نه ورا قطع کرده و میگوید: "مسئله ما چیز دیگری است، ما از دست شما خواب راحت نداریم و آنوقت شما میکوشید که جنگ است و تحمن حرام است." مردم از صحبت های این دهقان زحمتکش حمایت میکنند و خواسته های ایشان را بشرح زیر اعلام میدارند:

- ۱ - انحلال و اخراج گروه ضربت
- ۲ - عدم دخالت پاسداران در امور مردم عام از سیاسی و وضعی
- ۳ - پاسداران حق دستگیری هیچکس را ندارند

بقیه در صفحه ۲۲

به پاسداران و مسئولین زندان گزارش میکنند در پی این گزارشها پاسداران، با رها عناصرا انقلابی را به سلولهای انفرادی برده و با شدت شکنجه کرده اند. گذشته از جاسوسی ساواکیها برای رژیم جمهوری اسلامی، آنها در دفترچه کوچکی برای زندانیان انقلابی پیرونده تشکیل داده و در آن مشخصاتی از قبیل نام و نام خانوادگی، آدرس منزل، علت بازداشت، مدت بازداشت، چگونگی فعالیت در زمان شاه، وابستگی تشکیلاتی و کیفیت آن و... را یادداشت میکنند. آنها این اطلاعات را از دو طریق بدست میآورند: ۱- از طریق صحبت با خود زندانی و به صرف کشیدن او و کسب اطلاعات مذکور بویژه در ساعات روزهای اولیه ورود به زندان که زندانی از اطرافیان خود شناخت ندارد. این مسئله هتداری است به انقلابیونی که دستگیر میشوند تا بسا هشیاری از دادن اطلاعات مذکور به ساواکیهای جاسوس خودداری کنند.

۲- از طریق صحبت با پاسداران با استفاده از روابط حسنه پاسداران با آنها و با چاپلوسی و تملق از پاسداران. ساواکیها بعد از تکمیل اطلاعات خود از انقلابیون زندانی، آنها را به بیرون از زندان برای همکاری خود در بیرون انتقال میدهند.

ساواکیهای زندان اصفهان هربس راه دیوهای امپریالیستی کوش داده و در مورد برنامهای آنها بحث و گفتگو میکنند. آنها چند شب در هفته جلسه مشترک گذاشته و رویدادهای مهم را تجزیه و تحلیل میکنند. ساواکیها در برخی موارد پس از شنیدن اخبار تلویزیونی، نشستهای فوری نیز برپا میکنند. آنها همچنین با پشتیبانی پاسداران، در کربیهای مصنوعی با مبارزین دربند ایجاد می نمایند که اغلب با برخورد هشیارانه انقلابیون اسیر، توطئه هایشان نقش بر آب میشود. اخیرا نیز یکی از همین ساواکیها که به جسی "ابد" محکوم شده بود آذ شده و در ساها پاسداران اصفهان به کار مشغول شده است. این گزارش کوشه ای از حمایت رژیم جمهوری اسلامی از ساواکیها و دشمنی آن با نیروهای انقلابی در زندانهاست. این وضعیت در تمام زندانهای رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و نشان میدهد که این رژیم چگونه دشمنان خون آشام زحمتکشان ایران را در زیر چتر حمایت خود قرار داده و در مقابل، به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته است.

☆☆☆

دستهای بیرون کارگران و زحمتکشان ما دو سال پیش، درهای سیا هجالیهای رژیم ضد خلقی شاه را کشود و هزاران زندانی انقلابی و کمونیست را از زنجیر رژیم شاه آزاد ساخت. اما هنوز چند روزی از قیام نگذشته بود که بار دیگر همان سیا هجالیها محل اسارت انقلابیونی گردید که ساها در آنجا با رژیم ضد خلقی ششماه مبارزه میکردند. مستهی اینبار زندانیان رژیم جمهوری اسلامی و پاسدارانش می باشند. اکنون زندان هیچ شهری نیست که در آن دهها انقلابی و کمونیست به زنجیر کشیده نشده باشند. تنها در زندان اوین از کل ۱۲۴۰ زندانی ۹۰ نفر زندانی سیاسی - انقلابی ۷۵ ساواکسی و ۶۵ نفر نظامی و بقیه متفرقه مینباشند.

رفتار پاسداران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی با انقلابیون همانند رفتاری است که ساواکیها با انقلابیون اسیر در زمان شاه دادند. توهین و کتک زدن، شکنجه انقلابیون در زندانهای جمهوری اسلامی امری عادی است. وضع بسیار بد بهداشت و غذای زندانیان، زندانیان انقلابی را در معرض انواع بیماری های کشنده قرار داده است. در مقابل این همه ستمگری بیرو زندانیان سیاسی - انقلابی، ساواکیها حمایت پاسداران از بهترین امکانات رفاهی برخوردارند. زندان اصفهان نمونه ای است که ما را با اوضاع زندانها و وضع ساواکیها بیشتر آشنا میکند. زندان اصفهان ۱۰ بند دارد که ۲ بند آن به زندانیان انقلابی و کمونیست و همچنین ساواکیها اختصاص داده شده است. در این دو بند حدود ۸۰ نفر از انقلابیون به بند کشیده شده اند. ساواکیهای این زندان از تنجان رفاهی برخوردارند که بنا به اظهار خودشان در زندان امنیت بیشتری دارند تا بیرون از آن. این مزدوران حاضر به همکاری با پاسداران و مسئولین زندان هستند و با خطر رفتار رنوکرمشانه و سبزدادن هدا یا (!) - ساها پاسداران از تسهیلات فراوانی برخوردارند. از جمله غذا و پوشاک بیرون میتوانند سفاده کنند و ملاقات حضوری دارند. اغلب ساواکیهای این زندان حاضرند با دادن تمهید (از جمله نفع همکاری با رژیم جمهوری اسلامی) آزاد شوند به استثنای برخی که به فدای رژیم چندان امدی ندارند.

رفینا ساواکیها بنا به ما هیتشان در زندان اصفهان مثل تمام زندانیان، با عناصر انقلابی بسا رخصانه و کینه توزانه است. آنها در هر فرصتی، حرکات زندانیان سیاسی - انقلابی را

نگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

”جشمک“ رجاچی به سرمایه‌داران آلمان

اخیرا رجاچی نخست وزیر در ماسخ با خبرنگار آلمانی ”ویس دویچه“ گفت: ”نگرانی سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع آلمان در ایران بی اساس و منتج از سوء تفاهاتی می‌شود که در مناسبات اقتصادی دو کشور با یکدیگر فکند است“ (کیهان - ۵۹/۹/۲۶) رجاچی اضافه کرده است: ”ما قصد داشته ایم که مالکیت های خارجی در ایران را ضبط نمائیم و اگر چنین امری پیش آید بدون شک صنایع آلمان غرامت های خود را از ایران دریافت خواهند داشت، ایران در آینده در نظر دارد که با ایجاد تسهیلات ضروری، راه را برای سرمایه گذاری آلمانها و دیگر کشورهای خارجی هموار سازد، البته بشرطی که ایران قادر شود مناسبات صنعتی خود را با دیگر کشورهای تعمیق بخشد...“ آری رجاچی به امیرالیم آلمان قول میدهد که در اولین فرصت ویس از آما شدن شرایط برای تحکیم پایه های سرمایه داری وابسته به امیرالیمها اجازه سرمایه گذاری در ایران را خواهد داد.

رژیمی که داعی ”فدا مبریا لیمت“ بودن دارد! رژیمی که در حرف هرگونه وابستگی را نکار مینماید بدنه تنها با وارد نمودن اسلحه های رنگا رنگ از امیرالیمها فدا انقلابی بودن خودش را ثابت نموده بلکه هم اکنون با چشم انداز پلانیستی ای که برای امیرالیمها تصویر میکند تا ترا به آینده بیشتر امیدوار می سازد، اما مبارزه طبقاتی کارگران قهرمان و توده های انقلابی و زحمتکش ما این خوابهای پلانی را تبدیل به کابوس وحشتناکی برای رژیم جمهوری اسلامی خواهند نمود.

باز هم اخراج کارکنان

اخیرا دانشگاه علوم پزشکی ایران اقدام به ”اخراج“ ۶۴ تن از کارمندان جزو کارکنان این دانشگاه کرده است. ”بپانه“ مقامات دانشگاه این است که این افراد پس از ۵۸/۶/۱ استخدام شده و از آن زمان استخدام دولتی ممنوع شده است در صورتیکه اگر ”خطای“ هم در کار باشد مربوط به مسئولین است نه کارکنان. مقامات رژیم جمهوری اسلامی به بیانه های گوناگون به اخراج کارکنان اقدام می دهند تا بدینوسیله ”هزینه“ها را پاشین بپا ورنند (۱). کارکنان اخراجی با انتخاب نمائندگان بی مهارت خود جهت ابطال حکم اخراج اقدام می دهند.

بهادرنوی سخنگوی رژیم: مارکسیستها: سرکوب، رویونیستها: آزاد

بالاخره رژیم بطور رسمی حکم به آزادی فعالیت رویونیستها را صادر کرده است (اکثریت) داد. سخنگوی رژیم در ماسخ مطبوعاتی وادیو تلویزیونی اش (مندرچ در مطبوعات اول دی) کمیونیتها را بعنوان گروه های متخاصم که ”علیه رژیم سلطه بدست گرفته اند“ و ”طبیاً نمی توانند آزاد باشند“ و ”باید در رژیم رویونیستها را بعنوان نیروهای که میتوانند آزادانه فعالیت کنند، اما چرا؟ مگر هر دوی اینها خود را نماینده کارگران و زحمتکشان و دشمن سرمایه داران نمی خوانند؟ چرا رویونیستها که ادعای مارکسیست بودن میکنند باید آزاد باشند ولی کمیونیتها میبایست نه تنها حق فعالیت علنی نداشته بلکه تیرباران و شکنجه وزندانی شوند و اقمیت را با بیستی در ماسخ مشترک بورژوازی رژیم و رویونیستها و نیز در دشمنی طبقاتی میان کمیونیتها از یک طرف و رژیم و رویونیستها از طرف دیگر دید. رویونیستها نوکران سرمایه داری هستند و تنها برای فریب توده ها، لباس مارکسیستها را بپوشانده اند، آنها دشمن مارکسیستها و طبقه کارگرند و به دلیل ماهیت بورژوازیشان نه تنها از حکومت های سرمایه داری شدید حمایت میکنند، بلکه در برخی مواقع که این دولتها در سرکوب انقلاب و انقلابیون دچار تنگنا میشوند، آزادی فعالیت رسمی و علنی را به رویونیستها می دهند تا آزادانه به خراب کاری در جنبش توده ها بپردازند، آنها مسزود خیانت به خلق و مشاطه گری بورژوازی را با آزادی فعالیت سیاسی شان دریافت میکنند. آری رژیم به رویونیستها آزادی میدهد تا آنها به ضدیت با جنبش مقاومت خلق بپردازند، آنها را آزاد میگذارد تا مانع مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان درنا بودی سرمایه داری وابسته گردند، آنها را آزاد میگذارد تا مانند سگ ها ر بورژوازی، به کمیونیتها حمله کنند و به لجن پراکنی علیه آنها بپردازند. رژیم به

آنها آزادی میدهد تا ارتجاع را رنگ آمیزی کنند و روینیهای ضد خلقی را بعنوان ”ملی“ و ”مستقل“ جا بزنند. آری رژیم اکنون رسماً به نوکرانش رویونیستها را خائن خروشقی و سه جهانی آزادی میدهد تا به توطئه علیه انقلاب بپردازند، در حالیکه در این رژیم ارتجاعی، کمیونیتها صمیمی جز تیرباران وزندان و شکنجه نخواهند داشت، اما متخاصم میان ما و سرمایه داران در هر لباسی آشتی ناپذیر است و رژیم نیز دشمنانش را بخوبی میشناسد، بگذار رویونیستها نیستند، خائن توده های و سه جهانی برای خدمت به رژیم بورژوازی ایران و کوشش برای ساختن جاپاتی برای سوسیال امپریالیسم روس از هیچ چاکرمنشی دریغ نکنند و بگذار رژیم به این نوکرانش آزادی توطئه بر علیه انقلاب بدهد. ما آزادی را با انکاب خلق قهرمان ایران بدست می آوریم و آن را در خدمت منافع توده ها نگاریم. طبیعی است هم چنانکه ما کمیونیتها در حکومت زحمتکشان بپیماییم تا سرمایه داران، نوکران امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، اجازه فعالیت نخواهیم داد، آنها نیز خواهند که شیدا آزادی را از کمیونیتها این دشمنان سر سخت طبقاتی شان سلب کنند، اما اگر شاه توانست، اینان نیز خواهند توانست تکتت اخراج نیست که ارتجاع بعضی مواقع سر نوکران خود را نیز می خورد! مثلاً سردمداران بعث عراق که تا توانستند از نیروهای رویونیستها خائن عراقی، بر ضد زحمتکشان و انقلاب استفاده کردند، پس از مدتی که دیگر ارتجاع عراق به آنها نیازی نداشت مورد شکنجه و تیرباران قرار گرفتند، دادن آزادی ارتجاع به رویونیستها خائن، بخاطر هراس از اوج گیری جنبش توده ها و نیازی به رویونیستها برای منحرف کردن جنبش توده ها است هر گاه که دیگر نیازی به رویونیستها نباشد، ارتجاع به این نوکرانش نیز رحم نخواهد کرد.

بقیه از صفحه ۲۱ پوس ۰۰۰

۴ - اخراج سپاهیان از منطقه ”مقامات“ رژیم که وضع را ”نا مناسب“ می یابند، کوشش معینا بنده با فریبکاری مردم را ساکت نمایند و فرما ندار قول می دهند که تا ۲۴ ساعت گروه ضربت را خلع سلاح نمایند، ولی مردم خواهان خلع سلاح و خروج فوری آنها میشوند. فرما ندار مجبور میشود حکم خلع سلاح گروه ضربت ”را به ندار“ مری بدهد ولی توده ها به انتظار ندار مری نشستند و خود با عمل انقلابی به خلع سلاح گروه ضربت مبارزت کرده و زندانیان را آزاد کردند

با سدا رگروه ضربت را به ”زندانی“ خودشان می اندازند. حاج کریمی مرتجع از ترش خشم مردم فرار کرده و پسرکمالی، چماق دار معروف بدست توده ها ”تشبیه“ میشود و ما شین خرد میشود، در بازرسی مرکز گروه ضربت ۴ کارتن تا بید، ۱۰ کارتن سیگار و مقدار زیادی برنج و روغن بدست مردم می افتد.

توده های زحمتکش در اتحاد دو مبارزه قاطعانه خودشان است که به پیروزی می رسند. هر چه گسترده تر باشد جنبش او جگر نده توده ها!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سخنی با رفقای گزاشگر:

نوشته‌ای که در زیر می خوانید از جانب رفقای خوزستان برایمان ارسال شده است و بدلیل آنکه برخی نکات هرچند ریز اما مفید در امر گزاشگری دارد، ما ضمن خلاصه کردن آنرا درج میکنیم:

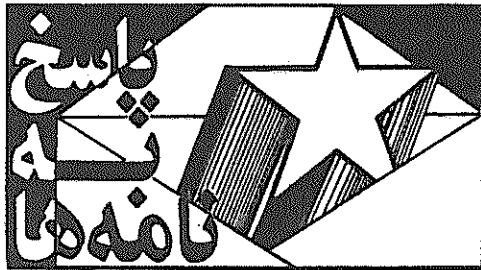
گزارشگر از دورا و به گزارش و خبر تهیه میکند، یکی از جنبه تبلیغی و افشاگرانه و یکی از جنبه تحلیلی، در مورد دوم برخورد گزارشگر به این ترتیب است که مثلا یک گزارش از وضع عمومی فلان محله یا از فلان کارخانه... میدهد که نشان میدهد که مثلا کارگران آن کارخانه عموما مخالف جنگ هستند، این گزارش باید روشن کند که این کارگران از چه موضعی مخالف جنگ هستند و مثلا اگر یک رفیق دربارها وضعیت عمومی یک کارخانه گزارش تهیه میکند حتما باید تضادهای هیئت حاکمه را در نظر گرفته و روشن کند که کدام دسته از کارگران و از چه موضعی مخالف هیئت حاکمه هستند، آیا از موضع لیبرالها حرکت میکنند و یا برعکس، و یا اینکه کلا نسبت به تمام جناحهای هیئت حاکمه به یکسان متنفرند.

در تهیه گزارش و برخورد یک گزارشگر دو نوع انحراف مهم قابل برخورد است یکی انحراف اگنومستی و دیگری انحراف لیبرالی. در مورد انحراف اگنومستی باید گفت متلاطیک رفیق گزارشگر تنها از وقایع کلیه برداری میکند و به یکجا نینگری افتاده و نتواند تشخیص دهد تحول شرایط یک موضوع مشخص را درک کند مثلا در ابتدای جنگ انگلیس اخبار جنگ، تعداد کشته شدگان و میزان خرابیها و... بطور روزمره بین مردم اهمیت درجه اول را داشت ولی بعد از مدتی دیگر این اخبار بعد از محوری و تا زگی خود را از دست میدهد و جنبه فرعی پیدا میکند و دیگر در این دوران بیشتر عوارض جنگ مطرح است (بیکاری، گران، تورم، آوارگی و...) و رفیق گزارشگر با بیستی نتواند با تحلیل مشخص از اوضاع و متناسب با نیازهای مشخص گزارش تهیه کند.

انحراف دیگر برخورد لیبرالی گزارشگر است که نقش خود را به عنوان یک گزارشگر کمونیست فراموش کرده و بی تفاوت از کنار مسائل که در پیرامون ما اتفاق می افتد، می گذرد.

لازم بذکر است که علاوه بر گزارشگران حرفه ای هر کدام ما نیز بنوبه خود باید یک گزارشگر باشیم، هم نظر که هر کمونیستی همواره یک مروج و یک سازماننده است، پس تهیه خبر و گزارش وظیفه مستمر و همیشگی کلیه رفقا است که از وقایع و اتفاقات پیرامون خود گزارش تهیه کنند.

رفقا! برای برخورد دقیقتر در این مورد لازم است که همواره اخبار و گزارشات مندرج در بیکار و فریاد آوارگان، خبرنا مه کمیته خوزستان (بویژه شماره ۶ بعد) را با دقت مطالعه نمایند.



در اینجا نکاتی چند را که در تهیه و تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات با بستی رعایت گردد ذکر میکنیم و از رفقای ما خواهیم که مسئولان به در رعایت آن بکوشند.

- (۱) - در گزارشات از هر قبیل (خبر، مصاحبه، گزارش اوضاع جنگ، آوارگان و غیره...) سعی شود از زبردختن به موارد فرعی و غیر ضروری خودداری و در از آن به برجسته کردن یک محور مشخص که گزارشتان می خواهد به آن موضوع مشخص پاسخ دهد، متمرکز گردد. برای نمونه در یکی از گزارشات که در رابطه با وضعیت بیمارستانهای مناطق جنگ زده به ما رسیده است رفیق گزارشگر بجای اینکه بی توجهی رژیم نسبت به وضع زخمیها و وضع ناسا مان و بهم ریخته رژیم را در حیطه بیمارستان نشان دهد به یک مسورد خیالی فرعی و غیر مربوط چسبیده و آن را منعکس نموده است. مثال مورد نظر این بوده است که یک مرد مجروح لگن آدر را از دست پرستار زن نمی گرفته و امرارداشته که از یک مرد بگیرد.
- (۲) - رفقا! همانطور که همواره تا کنید نموده ایم در باره موش، سینه موش، غیر موش بودن اخبار حتمالاً برای هر خبر، ذکر بنام شماست اما بنام شما از اخبار و گزارشات هر چه بیشتر و بهتر در پیشبرد کارمان استفاده کنیم. برای مثال یکی از رفقای ما خبری از خبرهای پیش به این صورت اشاره کرده "طبق اطلاعاتی که این هیچ چیز را مشخص نمی کند، تاریخ اتفاق افتادن خبر و یا تهیه گزارش حتما ذکر گردد.

- (۳) - رفقا در بیان گزارشات هرگاه از کارکنان ارگان تشکیلاتی آن را ارائه میکنند، ما مفاد ارگان را مشخص بنمایند و در صورتیکه گزارش و با اخبارشان بصورت انفرادی ارائه میشود با نام مستعار و یا حرف اول اسمشان و همچنین شهری که در آن به کار گزارشگری مشغول میباشند را نیز ذکر بنمایند و همچنین تاریخ ارسال گزارشات را نیز در بیان گزارش ثبت بنمایند.
- (۴) - رفقا نحوه برخورد تبلیغی شان را به عنوان صریح و بیگانه جمع بندی کرده و به عنوان دستاورد بیکروزگار رتوده ای طی گزارشی ارسال دارند، از هرگونه انعکاس برخورد تبلیغی به یک نفر (عابر، همسایه، مسافر، کاسکار...) بجز در موارد مهم و حساس خودداری کرده، تنها استنتاج و ما حمل آنچه که مفید می تواند باشد بصورتی واضح و بیگانه گزارش شود.

(۶) - رفقا از کارکنان ارگان که در استفاده شما بندها و کارکا غذا طوری میباشند که امکان محو نام رک وجود دارد و بر زمین آن علامت مشخصه

موجود نیست در آن صورت میتوانند از آنها استفاده نمایند.

(۷) - رفقا اخبار و گزارشات و مصاحبات را بر اساس نوع آن که کارگرو عامیا ویژه آوارگان است، جدا کرده و دسته بندی نموده و هر کدام روی برگ مجزائی نوشته شود، تا در تشکیل آن دوباره کاری نشود.

(۸) - قطع کاغذها بدیگمان باشد، بهتر است همه از ورقه دفاتر معمولی (مثلا ۴۰ برگی) استفاده کنند با حداقل هر حوزه (ارگان یک شهر) سعی نمایند از ورق مورد استعمال خود را از یک قطع استفاده کنند.

(۹) - حتماً از ورقه که اخبار رو... در آن منعکس میشود، یک خط در میان نوشته شود و پشت کاغذ هم چیزی نوشته نشود تا در تنظیم آن توسط ما دیگر نیازی به استفاده از کاغذهای مجدد و رو نویسی های "خردکارانه" نباشد.

(۱۰) - رفقای گزارشگر و خبرنگاران باید از کسب اخبار و تهیه گزارشات و مصاحبات در خصوص خلق عرب مناطق جنگی غافل بنمایند، این امر یعنی توجه کافی به مسائل و مشکلات مفاغی که برای این خلق ممکن است ایجاد شده باشد برای ما اهمیت زیادی دارد.

(۱۱) - شایسته است که نقل قولها را درگوشه ("") قرار داد.

(۱۲) - رفقا بهیچ وجه مجاز نیستند اسم کسی را که با آنها برخورد میکنند و آنها همکاران نزدیکی با رفقا برقرار میکنند، در گزارشات خود بنمایند اینکار را به لحاظ امنیتی خطرناک بوده و وجه بسیار در صورت نافرمانی، ارتجاع مزاحمت ها شای برای آنرا ایجاد نماید!

(۱۳) - رفقا موظفند اخبار داخلی را بطور جداگانه نوشته و برای ارگان تشکیلاتی مربوطه و برای ارگان تشکیلاتی بالا بنفرستند، نه همراه اخبار عام برای تبلیغات.

بهر روز با شما

رفیق ح - کارگزار شهید

ضمن انتقاد به ریز بودن حروف نشریه، خواسته است که حروف آنرا بزرگتر کنیم، رفیق کارگزار! این اولین باری نیست که چنین تقاضایی میشود. بسیاری از رفقا بویژه کارگران و زحمتکشان از اینکه حروف بیکار ریز است دچار مشکلاتی در مطالعه آن میشوند، به همین دلیل نیز ما حروف آن را تا اندازه ای درشت کرده ایم که البته هنوز کافی نیست امامانمی، تو انیم حروف نشریه را بیش از این درشت چاپ کنیم. چه درشت چاپ کردن حروف جای بیشتری می طلبد و با توجه به شرایط فعلی که ما شدیداً از نظر میزان صفحات در مضیقه هستیم (۳۲ صفحه در هفته) و بسیاری از مطالب تهیه شده برای بیکار رزانا - کزیر حذف میکنیم بنا بر این نمی توانیم حروف کل نشریه را درشت تر از آنچه که هست کنیم. اما

مصادره اقلای زمین توسط زحمتکشان و یورش مامورین شهرداری و پاسداران

او آخر آذرماه، جمعی از مردم زحمتکش شرق تهران که پس از تحمل سالها رنج بی‌مکنتی، هنوز با مشکل مسکن درگیر هستند، تصمیم میگیرند که خودچهارم زردخوبیش کردند، آن‌ها ۲ سال به انتظاری بی‌ثمر جمهوری اسلامی نشستند و خبری هم از "حامیان" "پرمدهای" "مستضعفین" نشد خود دست با لادندتا مشکل مسکن را از طریق مصادره زمین‌های دولتی و پولداران حل نمایند، این زحمتکشان در روزهای آخر آذر، با تهیه مقداری آجود دیگر مصالح ساختمانی زمینهای کسوی "سانک سپه" را در یک کیلومتری شرق فلکه چهارم تهران با رس‌بین خود تقسیم میکنند، این زمین - ها متعلق به ارتش، بانک سپه و زمینداران، پولدارها (که اغلب آنها فرا کرده اند) میباشد در بین آنها زحمتکشی بود که بخاطر عدم توانایی مالی فقط ۶ متر مربع زمین برداشته بود، زیرا پول ساختن آنرا نداشت، برخی از این زحمتکشان برای استقرار در آن محل اقدام به ساختن دیوار کرده بودند، روز اول دیماه ما مورین شهرداری با بولدوزر و سادروسر با زحمت بیرون کردن زحمتکشان بی‌خانه به محل میروند و با مقاومت دلاورانه مردان وزنان زحمتکش روبرو میشوند، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با رفتاری شبیه مزدوران رژیم شاه با زحمتکشان "خارج محدوده" با تخلیه اشغال‌های شهربروری مصالح ساختمانی و شهیدوارعا بدست یازیدن به سلاح کهنه شده "شرایط جنگ" و... و نیز تخریب قسمتهای ساخته شده توسط بولدوزرسی دانشگستن مقاومت توده‌های زحمتکش مینمایند، ولی با مقابله خشکیته آن‌ها ن مواجه میشوند، زن زحمتکشی با تکه جوی را ننده بولدوزری را مجبور به فرار میکند، آنها تصمیم میگیرند متحداً نه برای حفظ زمین تمام حجب شده میازنه نمایند پس از بحث - های فراوان و فریبکاریهای رایج مامورین و پاسداران نتوانستند زحمتکشان آن محله را از زمینهای مصادره شده بیرون کنند و جباراً آنجا را ترک کردند.

مردم زحمتکش با غرور از بیروزی بدست آمده در اثر مبارزه شان مصمم بودند که بهر قیمتی شده آن زمین‌ها را با زندا زردبندی رهاشی بایند.

کارمند - کارگر مکانیک از لاهیجان نامه‌هایی از این رفقا دریافت کرده ایم با دروهای کمونیستی و آرزوی موفقیت دست یگایک آنها را می‌فشاریم و در انتظار نامه‌ها، گزارشات، اسناد افشاگرانه، طرح‌های پیشنهادی، ات‌هنری و خلاصه مشارکت فعالانه رفقا هواداران در هرچه غنی‌تر کردن نشریه مان هستیم.

کلی شرکت‌ها و طلبانه در رنگهای سرکوب را تا درست می‌دانیم، چرا که علیرغم نیت خیرسای شرفردا و طلب، آن فرد عملاً در خدمت آن نهاد سرکوبگر قرار میگیرد، ما در مورد خاص توبسرای اینتکه از نزدیک در جریان کم و کسوف قضیه قرار بگیریم، می‌توانی با رفتاری ناشناس گرفته و بتوانی از نزدیک رهنمودهای لازم را دریافت کنی.

رفیقان

"گزارش از یک روستا" بدست ما رسید در گزارش‌های بعدی کوشش کن که وضع آگاه‌های مردم ده و روابط حاکم بر محیط روستا و چگونگی برخورد روستا شیان را با رژیم برابری بفروستی.

نامه‌ای از یک مادر مبارز

نورچشان من مادری هستم که ۵ سال سن دارم از روزی که خودم را شناختم در فقر و بدبختی زندگی کردم و فکر می‌کردم که ما باید همیشه بدبخت و فقیر باشیم و پول دارها همیشه پول دار باشند تا اینتکه شما عزیزان شب و روز در راه زحمتکشان و در راه آزادی طبقه کارگر زحمت کشیدید و ما را آگاه کردید که چرا عده‌های هیچ چیزند و ندیده‌خورند و عده‌ای آن قدر میخورند که شکمشان میترکد، اینتکه شما برای ما زحمتکشان جان و زندگی خود را از دست میدهید خیلی ممنونم من به بچه‌ها می‌گویم که با شما همکاری میکنند کمک میکنم بچه دختر مرا همیشه میگیرم تا او بهتر بشود تا شما همگاری کنید من به زحمتکشان می‌گویم که این جنگ به خاطر ما نیست، و زحمتکشان فقط کشته و خانه خراب میشوند و منفعتش برای سرمایه‌داران میباشد و الان هم از شما می‌خواهم کمک مالی من را کسبه از مستمری بچه‌ها کم کرده ام قبول کنید.

پیروز با شید - مادر شماش

پیکار: مادر مبارز!

نامه توه ۵۰۰ تومان کمک مالیات مشارکت شورانگیز ترا در راه آزادی طبقه کارگرتشان میدهد، دست تو همه مادران مبارزان را می‌فشاریم

سایر نامه‌های رسیده

م، ب، اسراوان بلوچستان - م، ا، از کمیته معلمین - م، ر، از کرج - م، ب، م، ج - از تهران - ق، ک، ق، - م، از معلمین - ع، و، از ساری - سعید ج - ع، و، از تبریز - غ، از زنفول - رفیق دهقان - ر، از محمودآباد - نرگس - الف - س، - م، و - TA - کارگروها در از مشهد - ک، س، از ما شهرت، الف، از شیراز - کارگرو، از قزوین - که، م، لاهیجان - ج، کارگرو، از قزوین - س، ب - الف، م، از تهران - عبدالرضا، ۲۱-۴۰ از معلمین - زنجان - س، فرزانه، از قزوین - ف، ی،

در مورد برآمده ایم، مقالات خاص تبلیغی افشاگری و بطور کلی آن صفحاتی که جنبه توده‌گسرتی نسبت به صفحات دیگر را در با حروف درشت چاپ کنیم تا حتی المقدور این خواست کارگران و زحمتکشان خواننده نشریه را برآورده نمائیم البته این برنامه موقتی است چه هرگاه موفق شدیم مشکلات توزیع و پخش را حل کرده و شماره نشریه در هفته بدهیم، آنگاه از نظر حروف نیز کل نشریه درشت تر منتشر خواهد شد!

پیروز با شید

م، غ، از انجمن

رفیق! آنچه تو در مورد آن مسئله خاص برای ما فرستادی مورد مطالعه قرار گرفت! در یک مطالعه سطحی به مواضع انحرافی جریسان ناآمده می‌توان پی برد با پدیدرس با شخصی ارسال کننده آن مدارک برخورد شود و گزارش آن برای ما ارسال گردد.

رفیق ۱۱۲

رفیق، از ما خواسته است که به مسائل اقتصادی در جمهوری اسلامی توجه کرده و در این باره نیز مقالات افشاگرانه تبلیغی و ترویجی نیز بنویسیم و به این مسئله که کمونیست - های ایران به مسائل اقتصادی کمبها می‌دهند، انتقاد کرده است، ما ضمن واردانستن انتقاد رفیق، از این پس می‌کوشیم تا هر چند گاهی، صفحاتی از پیکار را به بررسی مسائل اقتصادی جامعه اختصاص دهیم.

گروهی از دانش‌آموزان هوادار - هوشیار - پرسیده اند که مرحله انقلاب در کشورهای روبروی نیستی چون لهستان چیست رفقا! بررسی دقیق آرایش نیروهای طبقاتی در کلیه کشور - های روبروی نیستی نیازمند یک تحقیق همه جانبه و عمیقی می‌باشد که ما به آن دسترسی نداریم، اما در رابطه با کشورهای پیشرفته روبروی نیستی همچون آلمان شرقی و... و... منتقدیم، که در این کشورها مناسبات سرمایه داری در مرحله پیشرفته‌ای قرار دارد و از اینرو شرایط عینی انقلاب سوسیالیستی مهیا است، اما در مورد جامعه با نسبه عقب مانده تتری همچون لهستان هنوز اطلاعات لازم را نداریم و وظیفه خود نیز نمی‌دانیم که مرحله انقلاب لهستان را متعین کنیم چه این وظیفه رفقای حزب انقلابی م - ل لهستان است که باید آنرا پیش طبقاتی هر جا معرا بررسی کرده و مرحله انقلاب را روشن کنند.

دوست گواهی نماند

در مورد فعالیت در یکی از رنگهای ضد انقلابی و علت آن نوشته بودی و در این مورد راهنمایی خواسته بودی با یابدانی ما بطور

چین: کمونیستها، روزیونیستها را افشاء میکنند

رویزیونیستهای ضد انقلابی حاکم بر چین، با برپا کردن دادگاههای ارتجاعی خودکوشیده - اندتا حیثیت کمونیستها را لکه دار نموده و سوسیالیسم و مارکسیسم لنینیسم که طرفدار سازند، رویزیونیستهای ساجانی که طرفداری سرما به داری و امپریالیسم میناسندونتقرت عمیقی نسبت به کمونیستهای جیسی داشتند، سعی نمودند تا با به محاکمه کشیدن رهبران انقلاب فرهنگی، خاطره و عشق رفیق ما شووما رکسیست لنینیستها را از قلوب زحمتکشان پاک کنند و سندی خائنه برای حقانیت ارتجاعی خود به



علیه بورژوا - رویزیونیستها و خیانتهای آنان تبدیل کرده و ترس این خائنین را از افشاگری در حضور میلیونها زحمتکشان بر ملا نمودند. رویزیونیستها کوشیدند تا وفاداران بس

امپریالیسم آمریکا باز هم کسینجر را به میدان میفرستد

مبارزات دلبرانانه خلقهای تحت تسلیم در خاور میانه عربی و ایران و ترکیه و سقا و مسقط قهرمانان خلق های فلسطین و لبنان، بمسوق ماندن توطئه خائنه سادات ولززشی کینه در ارکان موجودیت رژیمهای ارتجاعی منطقه و خلیج افتاده است، امپریالیسم غارتگر و جنایتکار آمریکا را بفرقچا ره جوئی تسانزه ای انداخته و آمریکا بکنار دیگر "دیپلماتی سیار" کسینجر را به مصاف خلقهای منطقه فرستاده است.

سابقا در اوسط سالهای ۱۹۷۵ کسینجر این چهره مکار روکهنه کار امپریالیسم برای کشاندن نیروهای سازشکار عرب به پشت میز مذاکره با "اسرائیل" از سیاست تهدید و دلار استفاده کرد و سادات و سادات، این نماینده بورژوازی وابسته مصر را به اجرای طرح "جداد" سازی نیروها "و انعقاد صلح با "اسرائیل" کشاند.

هم اکنون مساله مهم برای امپریالیسم آمریکا پیدا کردن طرح "خودگردانی" فلسطینیها در ساحل غربی رود اردن (در زیر کنترول اسرائیل)، پیمان دادن به موجودیت انقلاب فلسطین در لبنان و سرکوب کامل نیروهای مترقی در این کشور، و ارد کردن به قرار داد کسینجر دیوید، تقویت نیروی نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه خلیج و تحکیم وضع رژیمهای دست نشانده ای مثل سعودی و با لایحه جلوگیری از رشد انقلاب و سرکوب آن در سراسر منطقه میباشد. کسینجر از روز ۶ دیماه به سفر توطئه آمیز خود به منطقه پرداخته و از فلسطین اشغال شده، عربستان سعودی، اردن و مراکش دیدن میکند. قبل از او در ۲۷ آذرماه گذشته "دیوید جونسر" رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، سفر خود به اردن، فلسطین اشغالی و مصر را آغاز نمود و بود.

امپریالیسم آمریکا سراسر ما هیت انکلی و بسنده خود را کز سراسر برای ادا به سلطنت غارتگرانه خود به عقب مانده ترس و ارتجاعی - ترس طبقات و رژیمهای میکی سادو با ترس سلاحات بسفرفته نظیر آواکس و غیره پیدائنان این رژیمها را برای سرکوب انقلاب بوده و محضاً رد و سوار به ضد انقلابی خود را در سراسر جهان در اختیار زمان نگذارد، اما انقلاب بوده - ها در سراسر منطقه بجا می رسیده است که با سفرهای کسینجر هر چه هم مودسانه، کامیوتوری و سجاوز - دانه سادو را از آنرا جدا کند مسل انقلاب را از روستدن ساجا امپریالیسم و ارتجاع دور منطقه مانع کرد.



"چان چونگ چیا شو" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی



"چیانگ چینگ" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی

پروولتا ریا را به سازش و تسلیم کشاندند، اما کمونیستها ایستادگی نموده و این توطئه را افشا کردند. رفیق "چیانگ چینگ" همسر رفیق ما شو، خطاب به خائنین گفت: "اگر شما سر میرا قطع کنید ما شکرهزارانست که شما تسلیم شویم". آری کمونیستها هرگز تسلیم بورژوازی نخواهند کردید، آنان حاضرند در راه دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر نوسد جلادان بورژوازی به شهادت برسند، اما هرگز خسود را تسلیم دشمنان طبقه کارگر نخواهند کرد.

کمونیستها در راه آرمان کمونیسم می جنگند و در اس راه بطور آسانی نابدیر به پیش خواهند رفت و همانگونه که سوزوی آنان حتی است سرک بر پایه داری سر قطفی میباشد.

امضا برسانند، رویزیونیستهای خائن، رفیق ما شو را "جنایتکار" معرفی کرده و رهبران انقلابی طبقه کارگر را بجرم مبارزه علیه لیسو - سا توجی و رویزیونیست خائن و تنگ سنا تویینک مرند در دادگاه ضد انقلابی خود محکوم کردند، اما رهبرانی که به آرمان پروولتا ریا وفادار مانده و عشق میلیونها سوده ستمدیده چین و جهان را در دل دارند، به دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر بلیدند و رویزیونیستها را ارتجاع میلیونها زحمتکشان محکوم نمودند. کمونیستها در دفاع خود، رویزیونیستهای حاکم را بدرستی "مردم و ساس" ارتجاعی نموده، آنان را بورژوازی های مرید و سجادان امپریالیسم خطاب کرده و از راه انقلابی خود دفاع نمودند. کمونیستها دادگاه رویزیونیستی را به صحه افشاگری



بقیه از صفحه ۳
سهمینار...
هم بشوند!

۲ - قدرت کبری انجمنهای اسلامی، باعث می-شود که جناح حزب جمهوری اسلامی بنواهند موقعیت خود را نسبت به جناح لیبرالها که عمدتاً در مدیریت کارخانجات نفوذ دارند، تقویت کند خواست تصفیه مدیران "غیرمکتبی" کارخانجات و دخالت دادن انجمنهای اسلامی در مدیریت و نظارت و کنترل بر آن، که توسط سخنرانان مطرح میگردد، بسیار تکرارین واقعیت است.

۳ - وحشت رژیم از رشد آگاهی کارگران و فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی در کارخانجات، انعکاس خود را در گذشته های تمامی سخنرانان نشان داد، عوامل حزب جمهوری اسلامی با لجن-سراکنی بر علیه کمونیستها و انقلابیون، سعی در فاعله انداختن بین کارگران و این نیروها داشتند. آنها که میدان را برای بیکتاری خود مناسب می بینند با ایجاد محیط خفقان و سانسور سعی در جلوگیری از فعالیت آگاهگران کمونیستها دارند.

۴ - رژیم که آگاهی سر توم نموده ها و وسوسه استفاده از احساسات مذهبی و وطن پرستانه آنهاست، با تسلیفات تکررکننده اش سعی دارد وانمود کند که کویا "انقلاب" اسلامی ایران بر-علیه امپریالیستها و سرمایه داران است. از اینرو بیشترین زمان این جلسات صرف روضه-خوانی و عوام فریبی عمال فدکا رگرجزب جمهوری اسلامی در این دوره گردید، زمانی که حتی کارگران آن متوهم عواض انجمنهای اسلامی صحبت از خواستهای منفی کارگران میکردند، میلغین رژیم با گفتن اینکه الان جنگ است و "فدایانقلاب" میخواهد سو استفاده کند! و اینکه این خواستها مادی و بی ارزشند و "ما برای اسلام انقلاب کرده ایم" و نظایر این اراجیف، موضوع را ماستمالی کرده و نشان دادند که حتی حاضرین انجامی راهای از خواستهای رفاهی کارگران نیرنیستند.

حزب مرتجع و سرگوبکر جمهوری اسلامی که علیرغم عوام فریبیهای به اصطلاح "فدایمیرالیست" اش اینک روز بروز بیشتر در نزدوده ها افشا میگردد، مدبوحانه تلاش میکند تا از طریق ارگان-هایش نظیر انجمنهای اسلامی کارخانجات، با سمپاشی بر علیه کمونیستها و انقلابیون، جلسوی رشد آگاهی کارگران را گرفته و مبارزات آنها را سرگوب نماید. رژیم با تحمیل جنگ ارتجاعی کنونی به نوده ها فرصتی هر چند کوتاه بدست آورد که این تسلیفات ضد مردمیش را افزایش دهد. اما با آگاه شدن روز افزون نوده ها، شاهد خنثی شدن این عوام فریبیهای رژیم هستیم. گسترش مبارزات کارگران در کارخانجات بر-علیه کم شدن حقوق و موابا، اخراج و بیکاری و... نشانگر آنست که دیگر حتی رژیم برای نوده ها رورسروزی تکرر نمیگردد!

بقیه از صفحه ۲ افزایش...

اما کوی این برخورد به مزاج راه کارگر خوش نیامده و او را داداشنه است که عزم را جزم کرده به تعیین انحراف رویزیونیستی خود بشتابد! رفتای راه کارگر در شماره ۵۳ نشریه خود، طسی مقاله ای نه تنها برضا را افزایش نولیدند "قاطعانه" بیای فشرده اند، بلکه این موضوع را وسیله ای قرارداد اند تا "اساس تفکر بیکار" را موزد نقد "فرا ردهند" راه کارگر را بتدایسرای آنکه نشان دهد که "بیکار تا چه حد جانب صداقت را رعایت کرده است". سعی دارد بگوید که بیکار در آوردن نقل فولتها، شرط امانت داری رایجا نیامده و با بریدن سر و ته جملات راه کارگر، مفهومی را خلاف آنچه مورد نظر راه کارگر بوده، مورد نقد قرار داده است. بنا بر این خودبسه آوردن کارمل کشفه خویش در راه کارگر ۴۵ مسی-بردا زد، اما خواننده هر چه میگردد تا مفهومسی خلاف آنچه بیکار را زوشته راه کارگر استنباط کرده، بیابند، ما بوس میگردد، ما در بیکسار ۸۱ نوشتیم که: رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راه کارگر صفحه ۹) و حتی آنچنان پیش میروند که ۱۲ ساعت کارگران در قسال دریافت ۸ ساعت حقوق، یعنی ۴ ساعت بیکاری کارگران را تا لید و شویق کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایش" میخوانند. در اینجا فریساد اعتراض راه کارگر بلند میشود که گفته است: "با بدضابطی برجریان امور حاکم گردیده که این شما ربه وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران تبدیل نشود، هم اینک در تعدادی از کارخانجات کارگران مطرح کرده اند که ۱۲ ساعت کار میکنند ۸ ساعت حقوق میگیریم این فدا-کاری قابل ستایش است، ولی با پیدار راه رابسر سودجویی سرمایه دار است، این مطلب نه تنها گفته ما را نقض نمیکنند، بلکه آنرا تا لید کرده و اتفاقا همین نکته روشن میکند که راه کارگر چگونه میخواهد "فواضلی برجریان امور حاکم" کند که شما را افزایش تولید "وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران" نکرده؟ راه کارگر از چه راهی میخواهد "را در بر سودجویی سرمایه دار" ببندد؟ خوب بود رفتای راه کارگر که اینقدر دم از "تحلیل مشخض از شرایط مشخض" میزنند و ما ربه "دکما تیسیم" و "کلی با فی" متهم میکنند، خود راهی مشخضی ارائه میدادند که جلوی غارت و سودجویی سرمایه داران را می-گرفت! اما راه کارگر با شعا را افزایش تولید هرگز نمیتواند چنین راههایی را نشان بدهد. تنها راهی که تحلیل راه کارگر در مقابل کارگران قرار میدهد، راه تسلیم به بورژوازی، راه خدمت به رژیم سرمایه داری و نهایتا همان راهی است که رویزیونیستها با اکثریت میبمایند.

پوشاندن تناقضات در پس متهم کردن بیکار!

ما در بیکار ۸۱ از قول راه کارگر نوشته

بودیم: "هر کدام از آنها (سرمایه داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر-علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت". (پراسترها از ما ست)، اما راه کارگر اعتراض میکند که چرا نقل قول کارمل او را نیامورده ایم و ما را متهم میکنند که "بایی سر و ته کردن مطلب عنوان شده"، سعی کرده ایم برای خود کسب حقا نیت کنیم! راه کارگر خود نقل قول کارمل را میآورد تا "فوز" را خوب کند، اما "فوز" دیگری در پشتش نمایان میشود که "فوز" بالا فوز "میگردد! اما چگونه؟

راه کارگر در ادامه نقل قول فوق میگوید: "... ولی میدانیم که در حال حاضر عمدتاً سرمایه داران نه تنها خواهان مقاومت نیستند، بلکه اگر نتوانند در آن خرابکاری نیز خواهند کرد، پس حفظ امکانات بسیج در حال حاضر در جامعه ما اهمیت بیشتری دارد." بنا بر این سرمایه داران را که معتقد است که در شرایط فعلی، سرمایه داران عمدتاً خواهان شکست رژیم و حثسی خرابکاری و کار شکنی در تولید میباشند، کما-اینکه در جای دیگری از همین مقاله مینویسد: "زمانیکه تنها با کنترل توسط سوراها و واقعی کارگری و فشار بر سرمایه داران و بیا به عبارت دیگر اعلان جنگ به سرمایه داران می توان تولید را افزایش داد و این امر برای مقابله با خطر فلاکت جهانی از جنگ (حال ارتجاعی یا شدیدا عادلانه) با دو چگونگی از بحران، ضروری است.

بیکار همچنین به تکرار رسیده کلام "افزایش تولید به نفع سرمایه دار است" میپردازد. زمانی که ما سرمایه داری در شرایطی نیست که تولید را افزایش دهد و حتی خود ما بیل است در جریان آن کار شکنی کند، یعنی زمانیکه سرمایه داری دچار بحران انقلابی است، بیکار میگوید که کنترل تولید توسط سوراها و کارگری و از آن طریق افزایش تولید یک شاربورژوازی است." (تاکیدها از ما و پراسترا راه کارگر است) راه کارگر از طرفی از "همکاری" سرمایه داران (یا لاقابل بخشی از آنها) در اصطلاح "جنگ مقاومت" با طبقه کارگر و نوده ها، صحبت می-کند و از طرف دیگر معتقد است که سرمایه داران در جریان تولید "خرابکاری و کار شکنی" میکنند! یعنی اگر چه غالباً تمایل سرمایه داران به اخلاص در تولید است، ولی اگر هر کدام از آنها خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!؟ بعبارت دیگر بر سرمایه داران کارگر (که افزایش تولید را بر سرمایه داران قاطعانه میکنند)، بخششی از سرمایه داران بر "خلاف" منافعتان حرکت کرده و نه تنها در تولید "کار شکنی" نمی کنند بلکه در اصطلاح جنگ مقاومت نیز "همکاری" می-نمایند! و جالبتر اینکه راه کارگر از طرف کارگران به ایندسته از سرمایه داران قول میدهد که "اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!!" راستی که این رفقا برای پوشاندن التقاط و



انحراف رویزونیستی خویش چه کارها که نمی-
کنند! راه کارگر را به آنجا میرساند که نه
تنها جنگ با اعدای کثرتی بین رژیمهای ارتجاعی ایران
و عراق را "جنگ مقاومت" مینامد، بلکه با
وارونه کردن حقایق، افزایش تولید را که یکی
از اهداف سرمایه داران و رژیم مدافعان
جنگ کثرتی است، بضررها جلوه میدهد.
بعلاوه راه کارگر روشن نمیکند که همگامی با
کارکنان بخشهای مختلف سرمایه داران با
جنگ و تولید چگونه و به چه دلیل صورت میگیرد؟
و اساسا چرا باید در چنین شرایطی بین سرمایه
داران و دنیای سیاست متضاد وجود داشته باشد؟
راه کارگر برای پوشاندن این تناقضات
خود به شیوه ای اپورتونیستی متوسل گردیده و
با حمله به ما و ادعای تحریف گشته های پیش از جانب
ما، سعی در گل آلود کردن آب دارد، حال آنکه
انحراف راه کارگر آنقدر روشن است که در سرتاسر
پای مقاله اش خود را نشان میدهد. راه کارگر
صحت از ضرورت "مقابله با خطر فلاکت" میکند و
مدعی است که چه جنگ ارتجاعی باشد چه عادلانه
باید با آن مقابله کرد! این رفقا آنقدر در
ایده های فریبستی غرق شده اند که خود را تا حد
بنگاه خیریه تنزل داده و وظیفه کمونیستها را در
هر صورت مقابله با بحران و فلاکت قلمداد می-
کند. اگرچه غرق شدن توده ها در فلاکت، امکان
آگاه و متشکل نمودن آنها و مبارزه شان بر علیه
بورژوازی را با مشکلاتی مواجه مینماید، اما از
آنجا که کمونیستها معتقدند تا بودی آنها یعنی
فلاکت توده ها تنها در سوسیالیسم امکان پذیر
است، لذا برخلاف اپورتونیستها و رویزونیستها
که فلاکت توده ها را بهانه ای برای آشتی دادن
توده ها با بورژوازی قرار میدهند، کمونیستها
برعکس از این فشار روستمی که بر توده ها وارد
میايد، در جهت هر چه بیشترنا شدن ما هیست
نظام سرمایه داری به آنها و نشان دادن راه
مبارزه طبقاتی بعنوان تنها راه نجات زنده گان
استفاده میکنند. آری تفاوت راه انقلابی و راه
اصلاح طلبانه اینجا است!

الگوسازی و تحریف نقل قول لنین:

راه کارگر برای "اثبات" تزه های رویزیو-
نیستی اش به تحریف نوشتجات لنین، مطابقت
میل خود دست میزند. راه کارگر با تحلیل و
استدلالش را حملات لنین در مقاله "خطر فلاکت"
قرار میدهد و در برابر برخواننده ای که اطلاعات
محدودی از تاریخ روسیه و آثار رفیق لنین
دارد، خود را محق جلوه میدهد. راه کارگر "فراموش"
میکند به خواننده بگوید که گفته نقل شده از لنین
در چه زمانی و تحت چه شرایطی نوشته شده است.
مقاله "خطر فلاکت" را لنین در سپتامبر ۱۹۱۷

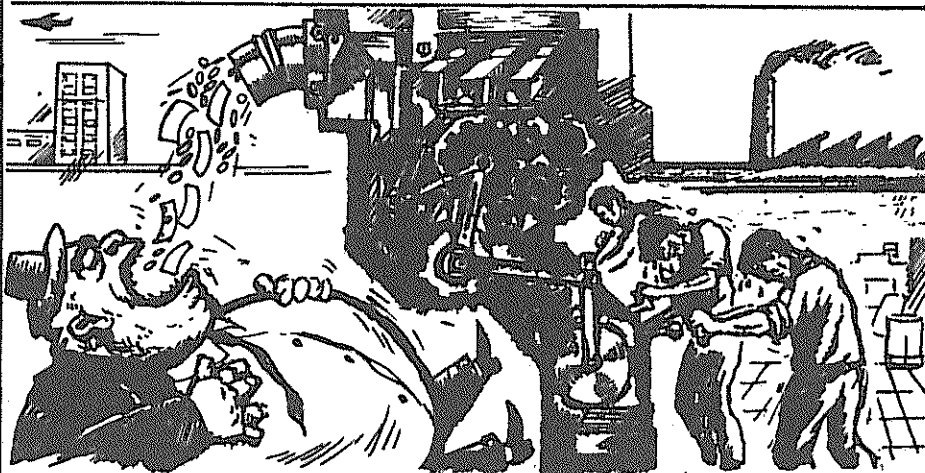
(محدودیکما به انقلاب کبیرا کتیرما نده) می-
شوید. در این زمان در روسیه موقعیت انقلابی
برقرار نبود و شورا های مسلح کارگران و دهقانان
یکی پس از دیگری قدرت را در کارخانه ها و
مراکز تولیدی بچنگ میاوردند. کمونیستها
رهبری اغلب شورا های مسلح کارگری را در دست
داشتند و سرمایه داران چاره ای نداشتند جز
آنکه به هر شکل که میتوانند با قدرت شورا ها
مقابله نمایند، با حتی فرار را برقرار ترجیح
دهند خلاصه شرایط آنگونه بود که یکماه بعد از
بوستن این مقاله توسط لنین بزرگترین انقلاب
"روسید را خلافتی مسلم تهدید می کند...
سرمایه داران تعمیر واداشما در تولید
کارکنانی مینمایند (خراب میکنند، زکار
میاندازند، لطمه میزنند و حرکت باز-
میدارند) و امیدوارند که این فلاکت بسی-
سابقه موجودات شکست جمهوری و دموکراسیم
شوراها و بطور کلی اتحادیه های کارگری
و دهقان را فراهم نموده رجعت رژیم
سلطنت و استقرار مجدد قدرت مطلق
بورژوازی و ملاکین را تسهیل کند." (صفحه
۴۸۹ منتخب آثار - برانتز اولنین و تا کیداز
ماست)

آیا راه کارگر شرایط کثرتی ایران را شبیه
شرایط آنزمان روسیه میدانند؟ یا آنکه صرفا
خواستار است از تشابه ظاهری کلمات "افزایش
تولید"، "خطر فلاکت"، "کارکنانی سرمایه داران در
تولید"... در گفته لنین و نوشته های خودش، از
کم اطلاعاتی احتمالی خواننده سوء استفاده کند؟
آیا در حالت اول (که البته راه کارگر چنین
نظری ندارد) چه چیز جز آثار رژیم آشکار خواهد
شد؟ و در اینصورت دمکراسیم و شورا های کارگری
و دهقان در روسیه آنزمان، هم ردیف شورا های
قلاسی کثرتی (۳) قرار میگیرد. و حالت دوم (که
مورد نظر راه کارگر است) نیز چیزی نیست جز
متوسل شدن به شیوه اپورتونیستی برای
پوشاندن انحراف رویزونیستی اش. اما راه
کارگر خود در جایی از مقاله اخیرش مینویسد:
"... با وجود اینکه افزایش تولید به نفع
سرمایه داران است لیکن هر نوع افزایش تولید

و از آن جمله افزایش تولید با کنترل کارگری و
در شرایط یک جامعه بحران که در موقعیت
انقلابی قرار ندارد، نفع سرمایه دار نیست."
(تا کی بسد و خطی؟ آزماست) در اینجا راه کارگر
به واقعیت موجود که سرمایه داران از افزایش تولید
انقلابی برخوردار است، ولی "در موقعیت
انقلابی قرار ندارد" اعتراف میکند، ولی
اصرار دارد که در این شرایط افزایش تولید به
نفع سرمایه دار نیست. اینجا درست نقطه کلیدی
مسئله است که با کمی دقت بوضوح میتوان ماهیت
انحرافی درک راه کارگر و شورا را افزایش تولید
او را مشاهده نمود. در جامعه ما موقعیت انقلابی
حکمران نیست، قدرت مسلح شورا های کارگران
و دهقانان، بعنوان آلترنا تویو نیرومند سیاسی
وجود ندارد و اغلب کارخانجات در کنترل مستقیم
و غیر مستقیم دولت است. رژیم برای به انحرف
کشاندن مبارزات توده ها و برآوردن خواستهای
ارتجاعی، جنگی برای انداختن توده ها
بعنوان گوشت دم توب استفاده میکند. این
جنگ علاوه بر آنکه فقر و فلاکت توده ها را بیشتر
کرده، موجبات تشدید استعمار کارگران و زحمت-
کشان را فراهم نموده است و سرمایه داران با
حمایت کامل رژیم، به بهانه جنگ از کارگران
تولید بیشتر و سود بیشتر میطلبند... و آنگاه
راه کارگر به سرا میخاهد بقیبولاند که افزایش
تولید در این شرایط به نفع سرمایه دار نیست و
اصلا سرمایه دار در تولید "خرابکاری و کارکنانی"
میکند! با پیدا ز راه کارگر سوال کرد: مگر چه
شده که سرمایه داران مجبوشده اند از سودشان
چشم ببوشند؟ نگند رژیم جمهوری اسلامی را آنقدر
برای خود "خطرناک" تشخیص داده اند که می-
خواهند آنرا بر تکیون سازند؟ کسی چه میداند
تا بدهم "توطئه امپریالیسم" باشد!

(ادامه دارد)

(۳) - لازم به تذکر است که تعداد محدود شورا های
واقعی کارگری موجود در ایران، در واقع
حدا کثر سندیکا های سرخ هستند و با شورا های
مسلح روسیه که ارگان قدرت کارگران و
دهقانان بودند، تفاوت بسیار دارند.



"افزایش تولید در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار"



پنجمه از صفحه ۳ هرگز...

به حجب سرما به داران بزرگ ریخته میشود. در عمل بخوبی دیده میشود که اکثریت قاطع این شرکتها دچار مشکلات مالی ویا دلبوده و بهیچوجه سودآوری ندارند و این در حالی است که تعداد قابل توجهی از افراد چه کارگرو چه دیپلمه با حقوق بسیار کم ترا سطح عادی، به کار ردیید مشغولند و مانند شما شرکتها و کارخانه های جوانی سرما به دارانی، شماره کارشان توسط سرمایه داران بلعیده میشود. برده سازی که به روی این رابطه استثمارگران کشیده شده، این است که این شرکتها با اصطلاح "متعلق" به اعضاست و این دقیقا همان "سهیم شدن کارگران در سود کارخانه" است. راهکار نجات "را که نیرنگی برای تشدید استثمار و وا داشتن کارگران به کار سنگین تراست را به یاد می آید. در اینجا هم دولت بخشی از سرمایه خود را خریده و با این سرمایه های خریده شده شرکتها را وابسته به خود را تشکیل داده است. اعضا شرکتها با یکدیگر پس از دریافت وام آنرا بصورت اقساط به دولت پس دهند.

این شرایط و در کنار آن بالا رفتن روز افزون نرخ تورم و تشدید بحران اقتصادی، موجب بروز نا رضایتی شدید در بین اعضا شده است. این نا رضایتی ها در گذشته بصورت استعفا دادن و کناره گیری اعضا و در مواردی انحلال شرکتها بروز مینمود. مرکزگسترش در مواجهه با رشدها نا رضایتی، اقدام به ترتیب بر نامه های برای هر چه بیشتر زیر کنترل در آوردن اعضا مینماید. از جمله تعهدنامه ای تهیه میکنند که کلیه اعضا یا موظفند به آن عمل کنند و یا اینکه استعفا دهند. این تعهدنامه کوشی است در جهت تشدید جوخقان در محیط کار و همچنین افزایش استثمار. طبق این تعهدنامه صلاحیت یک عضو را سردمداران گسترش مکن تعیین میکنند و نه خود اعضا در تعهدنامه آمده است: "... هرگونه تخلف از این موارد بوسیله مرکزگسترش قابل پیگیری بوده و رای صادره از طرف مرکزگسترش را بدون هیچ عذرو بهانه خواهیم پذیرفت." این خوبی میتوان مشاهده کرد که طبق این اصل شرکت آزاد است بدون هیچ عذرو بهانه ای هر کس را که مایل بودا خراج کند. در جای دیگر مینویسیم: "... (متعهد مینوم) که بنام و گروههای که مخالف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند و وابستگی نداشته و خود متعهد به عمل در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مینامیم. فعلا متعهد مینوم که از مکانات شرکت و بخصوص وقت کار شرکت برای تبلیغات سیاسی استفاده ننمایم"

اگر بخواهیم همین حرفها را ترجمه کنیم این میشود که تعهد میکنم مثل یک ماشین چشمها و کوشا میم را ببندم و برای شما جان بکنم چرا که در "چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کار کردن ب معنی جان کشدن ورنه هیچ کشیدن، یعنی نوگرایی جیره و مواجب سرمایه داران بودن. طبق این تعهدنامه کسی حقوق افشاگری این سیستم ظالمانه را ندارد. سیستمی که در آن عده ای سرمایه دار با همدستی و حمایت نمایندگان نشان در رأس دولت، میگویند که بسا سرکوب انقلاب و با زسازی کامل سرمایه داری وابسته تا زبانه های استثمار را برکس کرده زحمتگشان ایران فرود آورند.

این تعهدنامه آنچنان کار در را به استخوان اعضا رسانیده که چند روز پس از ابلاغ تعهدنامه آنها، حدود ده نفر از اعضا جلوی مرکز جمع شدند و بطرف دفتر برهه راه افتادند و بیرون دفتر آقا خانی که یکی از مسئولین مرکز است تجمع کردند. و در همین حال یکی از اعضا در حالیکه تعهدنامه را با صدای بلند میخواند، تک تک بندهای آنرا برای دیگران افشا میکرد و نشان میداد که چگونه این تعهدنامه با منافع اعضا متفا داست. بهرحال بعد از مدتی آقا خانی اجبارا در جمع حاضر میشد و بعد از خواندن چند آیه شروع به صحبت میکند: "سر صحبت من با کسانی است که با آنها در مورد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی توافق دارم و آنها هستند که میتوانند حرفهای مرا بفهمند. من میدانم که دستهای شما را وادار به اینکار کرده است و مطمئنم همین شما افرادی را در انقلاب که املا اسلام و انقلاب را قبول ندارید رخنه کرده اند". در اینجا حاضرین شدید اعتراض کردند و از او استنسد بدون برجسب زدن به موضوع تعهدنامه به بیردا زد آقا خانی که در اصل جز بسطه چیزی نداشت کسه تحویل دهد، عاقبت دست خود را روی میگذارد و اعتراف میکند که: "ما میخواهیم با گرفتن این تعهدنامه که کاری کنیم که هیچکس نتواند به دلخواه خود استعفا دهد و مجبور با شد حد اقل ۲ سال اینجا کار کند." در جواب با این حرف یکی از اعضا گفت "جناب آقا خانی، در واقع این شرایط که خود شما بوجود آورده اید موجب میشود که اعضا استعفا دهند و اگر نه کسی مایل به بیکار شدن نیست." آقا خانی جوابی نداشت که به این حرف بدهد و در ادامه سخنانش اشاره میکند که: "در این شرکتها سازمانهای فدا نقلایی مثل مجاهدین و بیکار و گروههای دیگر نفوذ کرده اند و ما میخواهیم جلوی اینها را بگیریم." آری جناب آقا خانی دست خود و همکارانش را روی میگذارد! ترس اینان از رشد سیاسی اعضا شرکتها و بسا بالا رفتن آگاهی آنها، که املا از گفته های اخیر پیدا است. یکی از حاضرین فریاد میزند که: "آقای آقا خانی شما از روی خون شهدان این

ملت عبور کرده اید و حالا پشت میز نشسته اید و به فرزندان همین ملت زور میگویید." آقا خانی با عصیانیت جواب میدهد که: "من اگر خونم هم ریخته شود نمی گذارم فدا انقلابیون کارما را خراب کنند." یکی دیگر از اعضا که یک یا بیش را در جریان انقلاب از دست داده در حالیکه به پای مصنوعیش اشاره میکنند با خشم فریاد میزند که: "آقا خانی، ما را تهدید به ریختن خون نکنید. ما در انقلاب زخمی شدیم تا آزادی واقعی را به جنگ آوریم و حالا شما ما را به بازی گرفته اید؟" ولی آقا خانی (و بقیه مسئولین) با سماجت و قیاحانه ای در مقابل خواسته های اعضا مخالفت میکنند و در جواب کسی که خواستار تشکیل اتحادیه ای از شرکتها و تعاونی برای رسیدن بسا خواسته های شما شده بود با عصیانیت فریاد میزند که: "من صد درصد با این حرف مخالفم تشکیل اتحادیه و شورا خواست کمونیستهاست و من زیر بار این جور حرفها نمیروم. ولی با تشکیل انجمن اسلامی که افراد کمتری و مومن در آن نمایندند ه شوند که ملا موافقم" به راستی که سرمایه داران و نمایندگان نشان از تشکل کارگران وحشست فراوانی دارند و کلماتی چون "اتحادیه" و "شورای واقعی" مانند پتکی است که بر مغزتان کوبیده شود. آری! آنان از آگاه شدن ما می هراسند و چنین است که قانون "متنوعیست تبلیغات سیاسی در محیط کار" را غنم میکنند تا سدی جلوی رشد تشکل و اتحاد ما بگذارند و همین دلیل آقا خانی سعی در برپا کننده کردن کارگران میکنند و میگوید "یکی یکی نزد من بیاید و لوسی جمع" نشوید!! آری! آنان از اتحاد ما در هراسند چرا که خوب میدانند آنها در صورتی که به نیروی یکدیگر تکیه کنیم قادر خواهیم بود به خواسته های حداقلمان برسیم و در غیر این صورت شکست خواهیم خورد.

در هر صورت اجتماع آترو بدون توافق بی پایان رسیده این جریان اعتراضی چنته نتیجه مفید در برداشت:

- ۱- به مسئولین مرکزگسترش نشان داده شد که اعضای شرکت در مقابل فشارها و اجاسات آنها ساکت نمی نشینند و مبارزه دست میزنند.
- ۲- کسانی که در اجتماع آترو شرکت داشتند ما هیت فدکا رگری و سرما به دارانه بر نامه های مرکزگسترش را علیرغم ظاهرا مغربانه آن که "این شرکتها مال خود شماست" ما میخواهیم به استقلال اقتصادی برسیم و... بیشتر شناختند.
- ۳- یکبار دیگر ما هیت فدا نقلایی و فدکارگری کسانی که بهیتر نامه سازمانهای انقلابی و کمونیستی را مورد حمله قرار میدهند، روشن شد. در اجتماع آترو "آقا خانی" سازمانهای مجاهدین، بیکار و... را مورد حمله قرار داد. ولی در جریان مبارزه آترو بسا تعداد دیگری از زحمتگشان اصفهان روشن شد. کسانی که از سازمانهای کمونیستی و انقلابی وحشت دارند، از بهیتر شدن و مدافع چه کسانی هستند

حق بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

بقیه از صفحه ۶ محاصره...

۱- فشا ربرزحمتکشان شهروروستا جهت قطع حمایت آنها از سازمانهای انقلابی و پیشمرگان مسلح، میدانی که هرآینه جنبش مقاومت و درراس آن پیشمرگان مسلح انقلابی به توده‌های زحمتکشان شهری و روستائی متکی نبود، بسزودی شکست می‌انجامید و اساسا دوام و بقا و رشدروز- اعزونی جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد، بستگی تا می‌میزان حمایت توده‌های زحمتکشان کسرد دارد. محاصره اقتصادی نیز از جمله ابزار است در دست رژیم که با توسل به آن و با وارد کردن فشا هرچه بیشتر بر زحمتکشان شهزها و روستاهای کردستان، مانع از حمایت آنها از پیشمرگان گردیده و مقاومت مسلحانه پیشمرگان را از پشتوانه توده‌ای خود محروم سازد.

۲- تضعیف قوای پیشمرکه: محاصره اقتصادی کردستان از جمله اقداماتی است برای درشتگنا قرار دادن پیشمرگان از لحاظ تامین آذوقه و مایحتاج خود رژیم این کار را بدو صورت انجام میدهد: الف- قطع ارسال هرگونه کمک روستائیان به پیشمرگان بوسیله سرکوب زحمتکشان روستاها ب- تعقیب پیشمرگان و رودررویی مستقیم و محاصره نظامی آنها و قطع راههای ارتباطی پیشمرگان با اهالی منطقه، بدرستی میتوان گفت که هیچکدام از این حرکات سرکوبگرانه رژیم نشوایسته است در رویه مبارزات مسلحانه پیشمرگان خللی وارد سازد. ضربات پیشمرگان قهرمان بر نیروهای رژیم در کردستان بیاینگسر چنین واقعیتی است.

۳- انجام تبلیغات وسیع و اجرای نمایشات قلابی و عوامفریبانه از تقسیم مواد غذایی توسط پاسداران، ارتش و سایر ارگانهای فدخلقی: رژیم جمهوری اسلامی برای کسب و جلب اعتماد زحمتکشان کردستان، بلافاصله بعد از محاصره اقتصادی و همزمان با آنها جمکسترده به پیشمرگان جنبش مقاومت به انجام نمایشات تلویزیونی مبنی بر تقسیم غذا بین کردها در برخی از شهرها دست زد. این حرکت رژیم از دو جنبه حائز اهمیت میباشد: الف- تبلیغ حول این مسئله که کردستان در محاصره اقتصادی نیست و هرگونه مواد غذایی و مایحتاج عمومی از طریق دولت بدست خلق کرده میرسد. ب- اعمال فشا زگرسنگی بر روی خلق کردوسپس

تقسیم مقدار محدودی از مواد غذایی بین اهالی یک منطقه محدود و نمایان آن در تلویزیون، بیایین هدف که اعتماد و اطمینان زحمتکشان را به خود جلب کند.

۴- ایجاد تفرقه و برادرکشی بین ترک و کرد: از بعد از محاصره اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی با تقسیم مواد غذایی و رساندن مایحتاج عمومی و بویژه مواد سوختی بین ترکهای منطقه و تحریم خرید و فروش با کردها بویژه در شمال غربی کردستان، همواره در پی این بوده که با اختلافات قومی و مذهبی بین ترک و کردها من زده و بسا ایجاد برادرکشی بین آنها به اهداف فدخلقی خود را عمل ببوشاند، کما اینکه در برخی موارد بویژه در روستاهای اطراف نرده تا حدی در اعمال چنین سیاستی موفق بوده است.

اگرچه تلاش رژیم در محاصره اقتصادی و بیکارگیری شیوه‌های مذکور و تشدید محاصره بویژه بعد از جنگ، عمدتا با شکست مواجه شده است و ما هر روز شاهد و جگیری جنبش مقاومت و ضربات پیشمرگان به نیروهای رژیم در کردستان هستیم اما نباید فراموش نمود که تداوم محاصره اقتصادی میتواند ضربات جدی بر روند جنبش مقاومت وارد سازد. بنابراین تلاش نیروهای انقلابی در شتافتن به بیاری خلق کرد و جلب حمایت کلیه زحمتکشان آگاه و خلق ستمدیده کرد، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد. ارتجاع حاکم از یکسو محاصره اقتصادی همه جا شیه خلق کرد و از سوسوی دیگر با تشدید کشتار زحمتکشان در شهرها و روستاهای کردستان در سایه جنگ ارتجاعی کنونی سعی دارد مقاومت انقلابی خلق زحمتکشان کرد و در راس آن پیشمرگان را درهم شکسته و نیروهای مسلح خلق کرد را فرسوده سازد. بنا بر این شکستن محاصره اقتصادی، تقویت جنبش مقاومت محسوب شده و وظیفه فوری و مبرم خلقها و زحمتکشان آگاه، کمونیستها و کلیه نیروهای انقلابی است جمع آوری و ارسال هرگونه کمک دارویی، غذایی، پوشاک مواد سوختی و دیگر مرفهات زندگی به کردستان از گامهای اولیه ما در راه نجات و وظایف انقلابی ما در قبال جنبش خلق کسرد است. با تمام نیرو با استفاده از هرگونه امکانات - ولو محدود - بیاری خلق ستمدیده و زحمتکشان کرد بشتابیم.

ملاحظات کوتاه

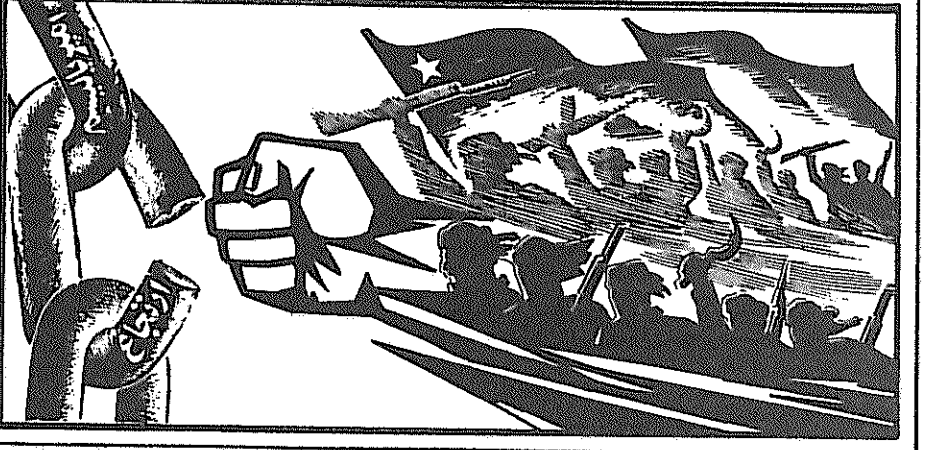
آقای پیمان هم زگرزی میخواند!

روزنامه امت آقای پیمان که در اثبات ضد امپریالیستی و ضد استعماری بودن خطا ما هر چه داشت روی دایره ریخت و کفگیرش به توده یک خورد، ناچار دست به حمله علیه مجاهدین خلق زد و زیر سرپوش برخی انتقادات علیه مامان رهبری مجاهدین بالیبرالها، مقالات متعددی با صلاح "دیه" بر مجاهدین خلق نوشت که آنهم نفعی نبخشید. نزدیک شدن به حزب جمهوری اسلامی ادا من منطقی رای مثبت آقای پیمان به ولایت - فقیه و قانون اساسی بود، ولی ایشان چون بالاخره با "ید متخرقی" هم با شد، با خبرگزاری تا س مواجیه میکنند و نظایق سیاسی با خط حزب توده را از جنبه‌های گوناگون، در دستور قرار میدهند. که آخرین آن "صدا انقلابی" شمردن سازمان پیکار است، البته پیش از این نیز یکی دو بار چیز ی شبیه این در روزنامه امت آمده بود ولی این بار وقیحا نه راست است، مت مورخه ۱۰ دیماه نوشته است: "بنظر ما سازمان (مجاهدین) ... سهم عمده‌ای در انحراف اذهان جوانان و هواداران خود دارد. بی سبب نیست که اغلب کسانی که از سازمان جدا میشوند، اگر جذب گروههای مذهبی نشوند به ما من سازمانهای غذا انقلابی نظیر پیکار کشته میشوند..."

توس روزنامه امت همانطور که در دو سه سطر بعد می‌گوید این است که هواداران مجاهدین از مذهب دلپیر گردیده و "بدا من گروههای مارکسیستی کشته شوند." توس آقای پیمان بیهوده نیست چرا که از ماهیت طبقاتی ایشان ما به میکیرد حلال روزنامه امت هر چه میخواهد "ملیه استعمار" حرف بزنند! او تا وقتی با دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه‌داری و استعمار یعنی کمونیستها، دشمنی می‌ورزد جز دوست سرمایه‌داران نیست.

هر چه بیشتر بهم بونی گندش بیشتر بالا نیاید

چند هفته پیش سندی را افشا کردیم به ماضی رجائی که بر اساس آن ۲۵ میلیون تومان دیگر از قرار ماهی ۵ میلیون تومان به آیت‌الله منتظری داده شده تا خرج مروجین مذهبی و روحانیون کند، این کار ابتدا مثل آبی بود که به خانه مورچگان ریخته شود در همه جا غلغلته افتاد: "عجب آگاه اینطور!" چیزی نگذشت که



مرگ پر بختیار، نوگرپی اختیار

● ۱۶ پناه ده د وین سال روز نخست وزیر
شا همور بختیار آخرین صد را عظم شاه
جلاد

● جنایات بختیار مزه و مایهت ضد
انقلابی لیبیرالیم میان پیوسیده را
نمایان ساخت

در روزهای که میرا دخروشان توده های
انقلابی کوچکها و خیا با نها را تجلی گاه کینه
طبقای مردم زحمتکش نسبت به رژیم ددمنش و
وا بسته شاه جلاد ساخته بود، در روزها شیکه در اثر
مبارزات توفنده و انقلابی زحمتکشان ایران،
تا لوده رژیم پهلوی از هم پاشیده شده بود، بختیار
خاش از طرف شاه به نخست وزیر رسید. در ۱۶
دیماه ۱۳۵۷ روز نخست وزیر شاه همور بختیار،
زحمتکشان مین ما با پشت سر نهادن روزهای
پر شور و شمیم گذشته ای عرصه را آنچنان بپر زیم
منفور شاه و امپریالیسم تنگ کرده بودند که غلب
لیبرالهای سلطنت طلب چون سنجایی، بازگان
و... برخلاف نیت و خواست باطنی شان "عزیمت
شاه را طلب میکردند. بختیار خاش که در سال ۵۶
همراه با سنجایی و فروهر طی نامه ای سرگشاده
شاه، بگداشی "دموکراسی" به "پیشگاه" و شتافته
بود، گمان میکرد که میتوانند آخرین توطئه
امپریالیسم را برای حفظ و بقا رژیم واپسته
شاه عملی ساخته و با سودجویی از با بقیه همکار
اش با دولت ملی ممدق در سیرا و ج یا بنده جنش
انقلابی توده ها خلل وارد آورده و آنرا به انحراف
و سازش بکشاند. مردم مبارزی که "شنبه خونین"
تبریز، جمعه سیاه تهران، کشتار روحشانه قم،
۱۳ آبان تهران و... را در پیش چشم خود
داشند، مردمیکه میدیدند قدرای عجزولا به
تبهکارانه شاه جلاد، از هاری دژیم برای کشتار
بیشتر توده های میدان میاید و ارتش فد خلقی
و آمریکا ش شاه در گوشه و گنا رمین ما، حما
خون برامی اندازد هرگز حاضر نبودند قدسی
به عقب نهاد و دوشن به سازش بدهند، آنها با خشم
نفرت سرنگونی رژیم شاه را سر میدادند و در راه
انقلاب پیروز میتوانند به پیش میرفتند، در چنین
شرایطی طبیعی بود که سازی سیاسی که بختیار
"لیبرال" با زیرگامی آن بود با شکست مواجه
شد، و در آغاز، با زیست های فرسکارانه، نویسد
"زادی" میتداد، دم از "انحلال ساواک" میزد،
کماش در رندانها را که بهمت توده ها و در انحراف

مبارزه انقلابی آنان صورت میگرفت، بخسود
نسبت میداد، از قطع روابط با "اسرائیل" و
"آفریقای جنوبی" سخن میراند، از "قصاص خون"
شهیدان صحبت میکرد، و برای فریب توده ها
و نمایش "قدرت توده ای" خودتظا هرات ساختگی
"قانون اساسی" را ترتیب میداد و مسز دوران
ساواک، ارتش و پلیس شاه را همراه با خانواده
هایشان به غیا با نها میکشاند و ملی -
دانستند که کسی که بخاطر حفظ رژیم شاهنشاهی
و از طرف شاه جلاد ما موریت دارند میتوانند ادامه
دهند، راه شریفا ما می و از هاری نیا شد، آنها با
فریادهای "مرگ پر بختیار، نوگرپی اختیار" به
غیا با نها ریخته و آب با کی بردستان تبهکاران
لیبرال خاش ریختند، اوج فراینده جنبش
انقلابی توده ها، ما هیت دروغین "لیبرالیم"
عنا صری چون بختیار که بر سر منافع مردم
امپریالیستها به معامله می نشینند را افشا کرد
بختیار از سوئی مردم مبارزه را به خاک و خون می-
کشید، ۸۰ بهمن تهران را با وجود می آورد و در گوشه
و گنا رمین صدها نفر را بجرم آزادیخواهی قتل
عام میکرد و از سوئی دیگرینها نی با با زرگانها
و بهشتی ها به معامله می نشست تا با با در میانی
آنها نقشه هویزر را به اجرا در آورده و از با شیده
شدن کا مل نظام محاکم جلوگیری نماید، و لسی
توده ها به آنها مهلت ندادند که با صحنه سازی با
"تقدیم" استعفا ی بختیار به است الله خمینی
و "عفو" ایشان توطئه امپریالیسم آمریکا و این
"حما میان" دروغین خلق به سراغ ما مدخواه برسد
قیام بهمن ۵۷ سر رسید، گرچه بهشتی ها و
بازرگانها مانع از با شیده شدن کا مل سرمایه
داری واپسته شدند، ولی بختیار خاش بدستان
پرتوان توده ها دستگیر شد، بختیار با بسیاری
دوستان لیبرال و مشخما با زرگان خیانت پیشه
از انتقام انقلابی زحمتکشان جان سالم بدر برد
و به آغوش اربابان امپریالیستش شتافت تا به
نوعی دیگر به توطئه های خیانت کارانه اش
ادامه دهد، "زما مداری کونا بختیار رو عمل کرد-
های خاشنا نه و جنایت کارانه اش توده ها را پیش
از پیش با ما هیت واقعی لیبرالهای فدا انقلابی
آشنا ساخت، اکنون نیز که توده ها روز بروز از
جمهوری اسلامی روی تافته و به مبارزه با این
رژیم ارتجاعی بر میخیزند، بختیار مزدور بیهوده
میگوشد تا بهره گیری از امکانات بیدربخی که
امپریالیستهای غربی در اختیارش گذاشته و
میگذارند خود را به آلترنا تیوی دربار رژیم
جمهوری اسلامی تبدیل سازد، عریده های ضد -
انقلابی را دیوبختیار که یکی از بلندگوهای
تلقیاسی امپریالیستهای فریب خلفهای ماست نخواهد
توانست کوچکترین کمکی به بختیار مزدور در راه
انحراف کفاندن توده ها بنماید، توده های
زحمتکش بیش از پیش به پوچی شعارهای لیبرالهای
فدا انقلابی پی برده و بخوبی میدانند که آزادی

ملاحظات کوتاه

آیت الله منتظری اعلامیه ای داد که از سمت
"پول تحویل گرفتن و خرج روحانیون کردن"
استعفا داد (روزنامه اطلاعات ۱۷ آذر ۵۹) و
صورت داد که ۲۲ میلیون تومان برای روحانیون
سنی تحویل گرفته است که ما اینرا درسندی
دیگرا افشا کردیم (پیگار ۸۶)
معلوم بود که بجای قضیه را دست گذاشته -
ایم، بهیزاد شوی آمد که موضوع اول را ما ستالی
کنندولی ضمن قاطی کردن مسائل و کم حافظگی
ناشی از دروغ گوئی، اینرا هم فاش کرد که
۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان خرج سفرای رجا شی به
نیویورک شده! با این ترتیب یک گند دیگر با لا
آمد! حالا عسکارا ولادی نما بنده مجلس اسلامی
ورکش سا زمان اوقاف، در آمده که ما بنده
روحا نیون سنی ۳۷ میلیون تومان داده ایم.
(روزنامه جمهوری ۱۱ دیماه)
سندی هم که ما با امضای بنی صدر (بعنوان
رئیس شورای انقلاب) در پیگار ۸۷ منتشر کردیم
حکایت از این میگردد که ۳۶ میلیون تومان به
روحا نیون داده اند، این رقم که هرکدام جدا و
مستقل از دیگری است نشان میدهد که حداقل
طی همین چند ما ه گذشته ۲۵+۲۲+۳۷+۳۶ یعنی
۱۲۰ میلیون تومان (بر اساس اسناد معدودی که
بدست ما رسیده یول به جیب روحانیون و مروجین
مذهبی سرا زبر شده است! این گند ابراهر چه بیشتر
به هم بزنی گندش بیشتر با می آید!

آنها جز با مبارزه انقلابی خود آنها و بدست خود
آنان میسر نیست.

بختیار خاش به پشتگرمی همپالکی های
لیبرال خود در جبهه ملی و دیگر فدا انقلابیون
ورشکسته میگوشد با حمایت امپریالیستها بخص
امپریالیستهای فرانسوی، خود را در شرا بیسط
بحران کنونی با مصلاح آلترنا تیو کند، او در
رادییوی فدا انقلابی ای که از رژیم ارتجاعی
عراق بعاریت گرفته است و قیحا ندم از "زادی"
میزند، بختیار را خیرا طی اطلاعیه ای از طرف
با مصلاح "دفتر سیاسی" اش ایجا د "نهضت مقاومت
ملی" را اعلام کرده است.

به این نوگر سر برده امپریالیستها و
همپالکی های داخلی اش با بدگفت توده های
آگاه خلق به کماشی که خیلی از شما فریبکاران
جز با نفرت و خشم انقلابی سخن نمی گویند، نما که
جای خود را دید!

☆☆☆

به استقبال جنبش او جگیر نموده توده ها بش تائیم

دعوی قدرت و خرید اسلحه از شوروی

یادداشت‌های سیاسی هفتگانه

لاهوری و شیخ علی شهبازی و دیگر روحانیون مخالف حزب را مثنی روحانی نما که "باستانفغان و مداموبختیا رخوبند"، خوانند. در واقع دشنام‌های شدید فارسی به لیبیرالها و عنا سردیکرکه ادا به همان برخورد‌های خشن هفته‌های گذشته دوجناح رقیب نسبت به یکدیگر است. نشان می‌دهد که حزب ولیبیرالها، این دشمنان توده‌ها چگونه بر اشردت مبارزه طبقاتی جاری بر سر قدرت بجان هم افتاده‌اند. این سخنرانی بار دیگر صحت نظر ما را که دعوی میان این دوجناح نمیتواند بنا میثبات قهای وحدت و... حل گردد و با او جگیری مبارزات توده‌ها، شدیدتر نیز خواهد شد. نشان میدهد و تلیفها انقلابیون است که با استفاده از ترک برداشتن خاکمیت بر سر دعوی دوجناح ارتجاعی آلترنا تسوا انقلابی را جایگزین سازند.

نغمه خرید اسلحه از امپریالیسم روس

نکته مهم دیگر در سخنان فارسی تاکید ضمنی وی به ضرورت خرید اسلحه از روسیه بود. او با هزار تیرنگ میکوشید، خرید هتگت اسلحه را بسود مردم ایران جلوه دهد. اما خلقهای قهرمان ما نیک میدانند که جمهوری اسلامی چگونه زحمتگان ایران را غارت میکند و حاصل رنج آنها را به جیب امپریالیستهای غارتگری ریزد. آقای فارسی به بهانه مبارزه با امپریالیسم صحبت از خریدهای کلان اسلحه میکند تا در کردستان و خوزستان و زنجان بیگنا را به بیچارگان کند و در سراسر ایران، کارگران و زحمتکشان و انقلابیون را کشتار کند و نیز در جنگ ارتجاعی اش با مزدوران بعث عراق، بر سر صدور انقلاب اسلامی از ایران و با رویای های عراق بزرگ صدام توده‌های ایران را مانند توده‌های عراق به گوشت دم توپ سرمایه داران بدل کند و از غارت زحمتکشان ما امپریالیستهای جنایتکار را شروتمندتر نماید. آقای فارسی صحبت از سلاحهای میکند که کوبا و

دعوی قدرت هم چنان ادامه دارد

سخنرانی جلال الدین فارسی به نوعی یک مانور قدرت حزب جمهوری و دهن کجی به لیبیرالها بود. فارسی کاندیدای ریاست جمهوری حزب، فرد مورد تاکید حزب برای نخست وزیری و بلاخره نماینده پیشنهادی برای وزارت امور خارجه بوده، که بنی مدیریتت با او مخالفت کرده است. حزب در میان شعارهای مربوط به روزا ربیعین قرمانده کل قوا، خمینی، خمینی، و وزیر خارجه ما فارسیه، فارسیه "رایخا طرف مخالفت بیشتر با لیبیرالها گنجانده بود. حزب با معرفی فارسی برای سخنرانی در این روز میکوشید از یکسو تبلیغاتی به نفع فارسی بر آید و از سوی دیگر، صدر را برای پذیرش فارسی بعنوان وزیر خارجه تحت فشار بگذارد و از طرف دیگر با سخنرانی فارسی بر ضد لیبیرالها، آنها را کم کرده است. در همان هنگام آنها تداوم بخشند فارسی سیزدهمین همین سیاست جدید به لیبیرالها تاخت بنی عسروا و رشکسته سیاسی و دفتر همکاریهای رئیس جمهور را آن گروه لیبیرال "نا مسدک به اتفاق" منافقین در مشهد به خاتمه ای دشنام داده اند. "بنی مد و دیگر لیبیرالها را به بیزید تشبیه کرد". او گفت هم - چنانکه بیزید جرئت نداشت به حضرت محمد حمله کند، برای حمله به حضرت محمد خاندان علی حمله میکرد، لیبیرالها نیز جرئت ندارند به آیت الله خمینی حمله کنند و در نتیجه به چهرهای روحانیت مانند خاندان منتهای حمله میکنند. او

حزب جمهوری اسلامی مانند هر ارتجاع دیگری خائشان توده‌ها را می فریبید، احساسات مذهبی شان را به بازی میکشید و با استفاده از ناآگاهی شان در پی تحکیم قدرت خویش است. توهم توده‌ها به آیت الله خمینی (که هر روز بیشتر در حال فروریختن است) برایش نعمتی است تا اینکه لرزان قدرت ضد مردمی اش را بر آن تکیه زند. یکی از بزرگترین سو استفاده‌های حزب از توده‌ها، کشیدن آنها به راهیماشی در جهت اهداف ارتجاعی است. روزهای خاص مذهبی که بخش زیادی از توده‌ها خود را مقید به شرکت در آن مراسم میکنند، بهانه مناسبی است تا حزب جمهوری "فوائد دنیا می" بسیاری از این مراسم ببرد. در راهیماشی هفته گذشته در روزا ربیعین نیز، حزب جمهوری کوشید تا با زهم زخون حسین برای اهداف ارتجاعی استفاده کند. در همان هنگام که توده‌های نا آگاه بر سر روی خود می - کوبیدند و بدین ترتیب در دور رنج ستم طبقاتی را که زیر حاکمیت جمهوری اسلامی نیز ادا می یافته است تسلی می بخشیدند و بدین ترتیب تخدیر میشدند، حزب جمهوری سخنگوی معلوم الحال و معروفش جناب جلال الدین فارسی را گسیل داشت تا با استفاده از نا آگاهی و توهم توده‌ها، در تحکیم قدرت خویش بکوشد. طبیعی است مطالب فراوانی در "افاضات" فارسی میتوان یافت که ما هیت تدا انقلابی را آشکار میکنند اما ما فقط بدو نکته آن اشاره میکنیم.

سال "نو" میلادی را تبریک میگوئیم

با درودهای پر شور کمونیستی به برونای سراسر جهان و خلقهای تحت ستم و انقلابی که بیچارگی را بر علیه امپریالیسم و رنج عا مبارزه میکنند برای آنان سالی مبارز پروری و موفقیت در راه‌های از استعمار و استعمار و تلاش در راه انقلاب و سوسیالیسم آرزو میکنیم.



سالگرد تولد رفیق ماؤو را گرامی بداریم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست